

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ  
وَالَّذِي يُضَوِّبُ الْمَوْتَاطِفَ  
وَالَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ  
تُحْمَلُهُ الْمَوَاقِفُ  
أَتَى الْبَيْتَ الْمَقْدِسَ  
وَالَّذِي يُرْسِلُ الْغُلَّامَ  
مُطَوِّقِينَ فِي الْغُلَّامِ  
وَالَّذِي يُرْسِلُ الْغُلَّامَ  
مُطَوِّقِينَ فِي الْغُلَّامِ  
وَالَّذِي يُرْسِلُ الْغُلَّامَ  
مُطَوِّقِينَ فِي الْغُلَّامِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران

فاطمه الزهرا(س)

عنوان

# نقش زنان در مقابله ی با تهاجم فرهنگی

استاد راهنما

سرکار خانم مشکواتی

پژوهشگر

زهرا مزيجانی

بهار ۹۴

## چکیده

تحقیق ارائه شده با رویکرد علی - تحلیلی به بررسی « نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی » پرداخته است. هدف از بررسی این موضوع، این است که امروزه با هجوم تهاجم فرهنگی در جامعه مخصوص خانواده ها باعث تخریب این نهاد مقدس شده است و باعث آسیب رساندن به قشر آسیب پذیر آن یعنی زنان می شود با شناخت آسیب های تهاجم فرهنگی نسبت به زنان می توان با آگاهی دادن به آن ها به مقابله با تهاجم فرهنگی پرداخت.

نتایج حاصله از این تحقیق این است که هر چند تهاجم فرهنگی می تواند در بین زنان تاثیر گذار باشد اما زنان هم با شناسایی آسیب های آن می توانند با آن مقابله کنند؛ خود و خانواده را در امان نگه دارند.

این تحقیق شامل سه بخش می باشد، بخش اول کلیات می باشد.

بخش دوم با عنوان «تهاجم فرهنگی» شامل دو فصل است که فصل اول: تعریف تهاجم فرهنگی (مفهوم شناسی) و تفاوت آن با مفاهیم وابسته، اهداف تهاجم فرهنگی و... و فصل دوم: ابزار های تهاجم فرهنگی را معرفی می کند.

بخش سوم با عنوان « آسیب های تهاجم فرهنگی و نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی » می باشد. شامل دو فصل است که فصل اول: آسیب های تهاجم فرهنگی و تاثیر آن بر زنان بررسی شد و فصل دوم: نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی می باشد.

کلید واژه ها: تهاجم، فرهنگ، زن، مقابله.

فهرست

مطالب ..... صفحه

چکیده ..... الف

مقدمه ..... ۱

بخش اول کلیات

۱-۱) تعریف و تبیین موضوع ..... ۴

۲-۱) ضرورت و هدف تحقیق ..... ۵

۳-۱) پیشینه تحقیق ..... ۶

۴-۱) سوالات تحقیق ..... ۹

۵-۱) ساختار تحقیق ..... ۱۰

۶-۱) فرضیه تحقیق ..... ۱۰

۷-۱) مفاهیم و اصطلاحات کلیدی ..... ۱۰

بخش دوم : تهاجم فرهنگی

فصل اول : تعریف فرهنگ و تهاجم فرهنگی (مفهوم شناسی)

۱-۱-۲) فرهنگ ..... ۱۴

۱-۱-۱-۲) معنای لغوی فرهنگ ..... ۱۴

۲-۱-۱-۲) معنای اصطلاحی فرهنگ ..... ۱۵

۲-۱-۲) تعریف تهاجم ..... ۱۶

۱-۲-۱-۲) معنای لغوی تهاجم ..... ۱۶

۳-۱-۲) تبادل ..... ۱۶

۴-۱-۲) تهاجم فرهنگی ..... ۱۶

- ۱۷-۱-۵) ارزش و نقش فرهنگ از دیدگاه برجستگان عصر ..... ۱۷
- ۱۸-۱-۶) فرهنگ و تاثیر آن بر رفتار ..... ۱۸
- ۱۹-۱-۷) تهاجم فرهنگی غرب ..... ۱۹
- ۲۰-۱-۸) تفاوت تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی ..... ۲۰
- ۲۳-۱-۹) ویژگی های تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی ..... ۲۳
- ۲۳-۱-۱۰) عوامل تهاجم فرهنگی ..... ۲۳
- ۲۴-۱-۱۱) مراحل تهاجم فرهنگی ..... ۲۴
- ۲۶-۱-۱۲) شیوه های تهاجم فرهنگی ..... ۲۶
- ۲۶-۱-۱۳) اهداف تهاجم فرهنگی ..... ۲۶

#### فصل دوم : ویژگی ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی

- ۳۰-۲-۱) ابزارهای تهاجم فرهنگی ..... ۳۰
- ۳۰-۲-۱-۱) رادیو ..... ۳۰
- ۳۰-۲-۱-۲) تلویزیون ..... ۳۰
- ۳۱-۲-۱-۳) سینما ..... ۳۱
- ۳۱-۲-۱-۴) اینترنت ..... ۳۱
- ۳۱-۲-۱-۵) ماهواره ..... ۳۱
- ۳۲-۲-۲) ویژگی های تهاجم فرهنگی ..... ۳۲
- ۳۳-۲-۲-۱) تغییر باورها ..... ۳۳
- ۳۳-۲-۲-۲) آرام، تدریجی و زیر سطحی ..... ۳۳
- ۳۴-۲-۲-۳) نماد ساز ..... ۳۴

- ۳۴..... پایدار و با دوام (۴-۲-۲-۲).....
- ۳۴..... پویا، تحرک و جاذب (۵-۲-۲-۲).....
- ۳۴..... هیجان ساز (۶-۲-۲-۲).....
- ۳۴..... آسیب محور (۷-۲-۲-۲).....
- ۳۵..... چند وجهی (۸-۲-۲-۲).....
- ۳۵..... تضاد آفرین (۹-۲-۲-۲).....
- ۳۵..... تردید آفرین (۱۰-۲-۲-۲).....
- ۳۵..... استفاده از ابزار روز (۱۱-۲-۲-۲).....
- ۳۵..... هدفمند و برنامه ریزی شده (۱۲-۲-۲-۲).....
- ۳۶..... ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها (۱-۱۲-۲-۲-۲).....
- ۳۶..... ایجاد ایجاد تغییر در افکار و اندیشه ها (۲-۱۲-۲-۲-۲).....
- ۳۶..... ایجاد تغییر در رفتار (۳-۱۲-۲-۲-۲).....
- ۳۷..... ایجاد تغییر ساختار سیاسی (۴-۱۲-۲-۲-۲).....
- ۳۷..... نامرئی و نامحسوس (۱۳-۲-۲-۲).....
- ۳۸..... دراز مدت و دیر پا (۱۴-۲-۲-۲).....
- ۳۸..... ریشه ای و عمیق (۱۵-۲-۲-۲).....
- ۳۹..... همه جانبه (۱۶-۲-۲-۲).....
- ۳۹..... توجه خاص و اساسی به جوانان و زنان (۱۷-۲-۲-۲).....

بخش سوم : آسیب های تهاجم فرهنگی و نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی

فصل اول: آسیب های تهاجم فرهنگی نسبت به زنان

- ۴۳..... پست انگاشتن نقش های زنانه (۱-۱-۳).....

- ۴۴..... نادیده انگاشتن نهاد خانواده (۲-۱-۳)
- ۴۵..... بی‌اعتنایی به ارزش‌های اخلاقی (۳-۱-۳)
- ۴۷..... ضعف ایمان و خدا فراموشی (۴-۱-۳)
- ۴۷..... خود فراموشی (۱-۴-۱-۳)
- ۴۷..... خدا فراموشی (۲-۴-۱-۳)
- ۴۹..... افسردگی و بیماری‌های روانی (۳-۴-۱-۳)
- ۴۹..... تغییر الگوی فرهنگی (۴-۴-۱-۳)
- ۵۰..... افزایش آمار طلاق (۵-۴-۱-۳)
- ۵۰..... بدحجابی (۵-۱-۳)
- ۵۲..... بدحجابی و سلطه‌گری (۶-۱-۳)
- ۵۳..... کاهش ازدواج (۱-۶-۱-۳)
- ۵۳..... افزایش روابط و فرزندان نامشروع (۲-۶-۱-۳)
- ۵۳..... ایجاد بدبینی نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم جوامع مورد هجوم (۷-۱-۳)
- ۵۴..... ارتباط و دوستی با جنس مخالف (۸-۱-۳)
- ۵۵..... دل‌سردی نسبت به تشکیل خانواده (۹-۱-۳)
- ۵۵..... افزایش خشونت و آزار جنسی (۱۰-۱-۳)
- ۵۶..... عدم کنترل و نظارت اجتماعی (۱۱-۱-۳)
- ۵۷..... عدم آشنایی با حقوق و جایگاه زنان در اسلام (۱۲-۱-۳)
- ۵۸..... عدم اشتغال مفید و عدم استفاده درست از فرصت‌ها (۱۳-۱-۳)

- ۶۰..... (۱۴-۱-۳) بلوغ زودرس
- ۶۰..... (۱۵-۱-۳) ترویج خشونت
- ۶۱..... (۱۶-۱-۳) سست شدن بنیاد خانواده
- ۶۲..... (۱۷-۱-۳) زیاد شدن آمار دختران فراری
- ۶۲..... (۱۸-۱-۳) اختلافات خانوادگی و شکستن حریم‌های خانواده
- ۶۲..... (۱۹-۱-۳) زنان خیابانی
- ۶۳..... (۲۰-۱-۳) تبلیغ تنوع‌طلبی و هوس رانی
- ۶۴..... (۲۱-۱-۳) تبلیغات ضد دینی و ضد اسلامی
- ۶۴..... (۲۲-۱-۳) نهادینه کردن بی‌غیرتی
- ۶۵..... (۲۳-۱-۳) اعتیاد به ماهواره
- ۶۵..... (۲۴-۳-۳) مد گرایی و مصرف گرایی
- ۶۶..... (۲۵-۱-۳) آرایش صورت و مو
- ۶۶..... (۲۶-۱-۳) مصرف گرایی

#### فصل دوم : نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی

- ۶۹..... (۱-۲-۳) تقویت ایمان و رعایت تقوای الهی
- ۷۱..... (۲-۲-۳) رعایت ضوابط و آداب نگاه کردن
- ۷۲..... (۳-۲-۳) رعایت ضوابط و آداب سخن گفتن
- ۷۳..... (۴-۲-۳) مراعات ضوابط و آداب لباس پوشیدن
- ۷۷..... (۵-۲-۳) رعایت واجبات دینی
- ۷۷..... (۱-۵-۲-۳) اقامه فریضه ی نماز و ارتباط با مسجد
- ۷۹..... (۲-۵-۲-۳) تولی و تبری
- ۸۰..... (۳-۵-۲-۳) امر به معروف و نهی از منکر



- ۸۲..... ۶-۲-۳) اهتمام به کانون خانواده
- ۸۴..... ۷-۲-۳) ایجاد محیط گرم و دوستانه در خانواده
- ۸۵..... ۸-۲-۳) تربیت نسل مومن
- ۸۹..... ۹-۲-۳) دقت در برنامه های آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان
- ۹۰..... ۱۰-۲-۳) برنامه ریزی مناسب برای اوقات جوانان
- ۹۰..... ۱۱-۲-۳) اشتغال مناسب زنان
- ۹۱..... ۱۲-۲-۳) احیای فرهنگ عفاف توسط زنان
- ۹۲..... ۱۳-۲-۳) ترویج و ارتقاء فرهنگ در میان بانوان
- ۹۴..... ۱۴-۲-۳) حاکم نمودن ارزش های اسلامی در جامعه
- ۹۶..... ۱۶-۲-۳) برتر دانستن فرهنگ خود و احیای سبک زندگی اسلامی
- ۹۷..... ۱۷-۲-۳) مقابله با تجمل گرایی و مد گرایی
- ۹۹..... ۱۸-۲-۳) الگو برتر زنان (مقابله با الگوهای غرب)
- ۱۰۰..... ۱۹-۲-۳) آموزش خانواده برای مقابله با فرار دختران
- ۱۰۱..... ۲۰-۲-۳) ازدواج و مقابله با طلاق
- ۱۰۴..... ۲۱-۲-۳) ممانعت از ورود ابزار های تهاجم فرهنگی در خانواده
- ۱۰۴..... ۲۲-۲-۳) مقابله با ماهواره
- ۱۰۶..... نتیجه گیری
- ۱۰۸..... منابع و مآخذ

## مقدمه

فرهنگ، تجلی باورهای یک ملت در عرصه ی حکیات فردی و اجتماعی است مانند سایر ضروریات زندگی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به همین جهت مثل آب و هوا، غذا، هر چه پاک تر و سالم تر باشد و مقوی تر باشد، آن ملت، با نشاط تر، سالم تر، و سعادت مند خواهد بود. غربی ها که به صرف داشتن علم و تکنولوژی جدید به خود حق می دهند، خود را صاحب اختیار و تصمیم گیر در سرنوشت بشریت بدانند، سال هاست در تلاشند با سرمایه گذاری عظیم و ایجاد دهکده جهانی، فرهنگ ساخته و پرداخته ی خود را، به ملت های دیگر تحمیل کنند و راه را برای چپاول ثروت و تسلط بر منابع انرژی این کشورها، برای همیشه هموار و تضمین نمایند. اما انقلاب اسلامی که ریشه در فکر و اندیشه ی اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه و آله) دارد، به اندیشه شوم آن ها پی برد و ظلمت مادی را درید و دل ها را متوجه خود کرد و به این ترتیب بیداری وسیعی را در جهان بوجود آورد. شیاطین جهان خوار، که خطر را احساس کرده بودند و فهمیدند اگر این انقلاب، ریشه دار شود، دیگر راهی برای آن ها نمی ماند تا به اهداف شوم خود برسند، هجوم آوردند تا این رخنه را سد کنند و مانع از تلالو نور اسلام، از این رخنه گردند.

جنگ تحمیلی، محاصره ی اقتصادی، انواع ترور و خشونت، کودتا و هجوم نظامی را آزمایش کردند ولی نتیجه ی تمامی آن ها، درخشندگی بیش تر نظام اسلامی و توجه افکار بین المللی به الگوگیری از این استقامت و فرهنگ دینی بود. بنا براین، این بار با اندیشه ی نفوذ و دگرگونی ملت ما، تمامی ابزارهای فرهنگی و تکنولوژی خود را به میدان آوردند و تهاجم فرهنگی گسترده را آغاز نمودند، که در این میدان سمت کمان را به سوی زنان و جوانان جامعه ی ما قرار داده اند که با فساد آن ها و گسترش بی بند و باری به اهداف شوم خود برسند؛ زیرا آن ها به این پی بردند که زنان، جامعه سازان آینده هستند و از دامان اوست که مرد به معراج می رود. به این امید که نظام متکی به اندیشه های اسلام ناب محمدی(صلی الله علیه و آله) را از درون تهی کنند و این فرهنگ پویا و زنده را پیوسته بی رمق سازند.

اینک ملت بزرگ ایران به خصوص زنان در برار آزمون بزرگی قرار گرفته اند و برای این که مانند همیشه از این آزمون سربلند و سرافراز بیرون آیند باید توطئه ها و دسیسه های دشمن را شناسایی کرده و راه های صحیح مقابله با دشمن را به کار گیرند و از عوامل مهم پیروزی این آزمون، شناخت و هوشیاری و تبعیت از رهنمود های ولایت فقیه است.

# فصل نخست

## کلیات

گفتار اول طرح تحقیق

## ۱-۱) تعریف و تبیین موضوع

فرهنگ که شامل آداب و رسوم؛ باورهای می شود. در زندگی بشر همواره جاری بوده و جامعه ای که فرهنگ ویژه ای ندارد؛ مرده است.

فرهنگ بالنده برای تکامل؛ باید توانایی تبادل با سایر فرهنگ ها و جذب ویژگی های مثبت آن ها را داشته باشد. بنابراین؛ تمام فرهنگ ها با یک دیگر در تعامل اند تا بتوانند بشر را به پیشرفت مطلوب برسانند. تبادل فرهنگی ملت ها در تاریخ به صورت طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و پیشرفت پی در پی آن ها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ماندن آموزه ها و زندگی فرهنگی بشر، ضروری است و جامعه انسانی را در پیشبرد ارزش ها و پیمودن مسیر سعادت یاری می دهد. نقطه ی مقابل آن تهاجم فرهنگی می باشد که می کوشد فرهنگ خود را بر جامعه تحمیل کند، یا دست کم دگر گونی در فرهنگ آن جامعه بوجود آورد و منظور از تهاجم فرهنگی در جوامع اسلامی این است که مهاجم بخواهد شناخت مردم از جهان، انسان، ارزش هایی که به آن ها دل بسته اند و شیوه رفتار فردی و اجتماعی آنان را به سود خود تغییر دهد و به این منظور استکبار جهانی برای رسیدن به اهداف خود در یورش فرهنگی، از فناوری ها و ابزار های پیشرفته استفاده کنند. در این عصر که عصر سلطه ی رسانه هاست. برنامه های رادیویی و تلویزیونی موفق شده اند افکار و عقاید انسان های بی شماری را دستخوش تغییر سازند. غرب هزاران شبکه رادیویی و تلویزیونی تاسیس کرده اند که به صورت شبانه روزی برنامه های گوناگونی را با این هدف پخش می کنند. متأسفانه دست یابی به این شبکه در کشور ما به سادگی امکان پذیر است زیرا؛ امکان تهیه و دریافت وسایل ماهواره با سهولت و قیمت نازل فراهم آمده است.

این شبکه ها، با وجود هدف ها و سلیقه ها و گوناگونی در هجوم به مبانی دینی به طور جدی اشتراک دارند و هر کدام با ماموریتی خاص به مقابله با اسلام برخاسته اند. این هجوم اگر چه آرام و خاموش آغاز شده، اکنون شکل وسیع و جدی تری یافته است و بسیار حساب شده، اصول و پایه های اعتقادی مردم را هدف قرار داده و با دقت ماهرانه ای تمام گروه های مختلف جامعه خصوصاً جوانان و زنان را در بر گرفته است. خانواده که، موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است پیوسته در حال تاثیر پذیری دو سویه با فرهنگ و عوامل اجتماعی است. امام خمینی(ره) در باره ی نقش زنان می فرمایند: « زن مظهر تحقق آمال بشر است و از دامن او، مرد به معراج می رود. از این رو، زن، انسان ساز است و اگر زنان انسان ساز از جامعه گرفته شوند، جامعه با شکست و انحطاط مواجه می شود، سعادت و شقاوت کشور ها بسته به زن است، به علاوه، خانه و خانواده مدرسه هستند و دامن مادر، بزرگ ترین مدرسه ای است که انسان در آن تربیت می شود.»<sup>۱</sup> بنابراین

(۱) مرتضی، شیروودی، نقش سیاسی - اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، قم، ناشر: زمزم هدایت، ۱۳۹۱، ص ۶۸.

زنان جامعه ما نقش بسیار مهمی در مقابله با تهاجم فرهنگی دارند. آن‌ها می‌توانند با اهمیت دادن به مسئله‌ی حجاب، عفت و زندگی به سبک اسلامی، تربیت صحیح فرزندان و ... به قطع زمینه‌های تهاجم فرهنگی در درون خانواده، که جامعه‌ی ما متشکل از همین خانواده‌ها می‌باشند بپردازند.

### ۱-۲) ضرورت و هدف تحقیق

یکی از روش‌های دشمن برای روبرو شدن با اسلام و فرهنگ غنی مسلمانان، تهاجم فرهنگی است که بر خلاف تهاجم نظامی و اقتصادی قابل لمس نیست. و به راحتی نمی‌توان در مقابل آن واکنش نشان داد؛ چون این روش حاصل تلاش و تجربه‌ی دشمن طی این سال‌ها مبارزه با اسلام است پس خطرناک‌ترین روش هجوم است اگر دشمن به موفقیت برسد، به هدف خود رسیده و نیازی به هجوم نظامی ندارد.

امروزه نقش موثر زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیش‌گیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. زیرا زنان در فرهنگ‌سازی بیش‌ترین نقش را دارند و همین نقش موثر و کلیدی موجب شده است که نوک تیز حمله‌ی مهاجمان در جهانی شدن و استحاله فرهنگی متوجه زنان جامعه گردد. آنان به خوبی در یافتند که اگر موفق به تغییر فرهنگ زنان یک قوم گردند می‌توانند تمامی فرهنگ آن جامعه را متاثر کرده و تغییر دهند. از این رو مهاجمان فرهنگی تمامی تلاش خود را مصروف تغییر فرهنگ زنان آن جامعه می‌نمایند. بر همگان روشن است همان‌طور که زنان قادر به سازندگی فرهنگ خانواده و جامعه می‌باشند به همان نسبت توان تخریب فرهنگ جامعه را دارند و طبیعی است که زنان جامعه از عمده‌ترین و تاثیرگذارترین عناصر مقابله با تهاجمات فرهنگی می‌باشند؛ زیرا خانواده نخستین زیرساخت جامعه انسانی است و بی‌توجهی به نقش خانواده آسیب‌های جبران‌ناپذیری بر جامعه وارد خواهد کرد. به همین دلیل دشمنان اسلام که نتوانسته‌اند با کودتا، جنگ تحمیلی و... به مقاصد شوم خود برسند، این نهاد اجتماعی را نشانه گرفتند و یورش گسترده‌ای را با استفاده از ابزارهای نوین و شیوه‌های گوناگون برای براندازی نظام خانواده آغاز کردند اما باید بدانند که زن به عنوان اصلی‌ترین عنصر اگر در آن جایگاهی که اسلام برای او در نظر گرفته قرار بگیرد قابلیت‌های ارزش‌مندی در جامعه به جا می‌گذارد که می‌تواند به تنهایی با تربیت نسلی مطابق با تربیت اسلامی - دینی در مقابل این هجمه‌ها مقابله کرده و آثار شوم آن را خنثی کند. هدف از این پژوهش شناساندن جایگاه اصلی افراد جامعه اسلامی و بیدار کردن جامعه و آگاهی بخشی به آنان برای مقابله با تهاجم فرهنگی و عدم تاثیر آن می‌باشد.

## ۳-۱) پیشینه تحقیق

### پیشینه ی تاریخی

تهاجم فرهنگی از زمان پیدایش بشر وجود داشته است. جنگ اعتقادی بین حق و باطل سابقه ای به وسعت تاریخ دارد، شیطان از همان زمان پیدایش انسان به مخالفت برخاست و عقیده ی خود را با فریب به حضرت آدم و حواء تحمیل کرد. اقوام و ملت ها نیز با دروغ گفتن و رجزخوانی در تاریخ و دین ها جنگ روانی راه می انداختن، و سلیقه خود را با تهاجم فرهنگی اجبار می کردند. به عبارتی ریشه ی جنگ هایی که در طول تاریخ به وقوع پیوسته جنگ بین حق و باطل، ارزش ها و ضد ارزش ها توحیدی و ضد توحیدی بوده است. تهاجم فرهنگی غرب علیه ملت مسلمان و کشور ایران اسلامی به طور مشخص از دوران رضاخان آغاز شد. البته تا قبل از آن مقدمات تهاجم، فراهم شده بود.

### پندی از تاریخ آندلس

سال ها پیش، سپاهیان مسلمان وارد قسمتی از اروپا شدند که به آنجا آندلس می گفتند. سپاه اسلام به راحتی آندلس را فتح کرد و پرچم اسلام در اروپا برافراشته شد و پایگاهی برای ترویج دین اسلام در اروپا گشت. مسیحیان آن زمان که از وجود پایگاه اسلام در قلب اروپا ناراحت بودند به فکر باز پس گیری آندلس افتادند. برای رسیدن به این منظور آنان چه می توانستند بکنند؟ جوانان مسلمانی که با تکیه بر اعتقادات مذهبی، غیرت دینی و روحیه شهادت طلبی به اسانی آندلس را فتح کرده بودند، آیا به راحتی شکست می خوردند؟ آیا آنها حاضر بودند پایگاه خود در اروپا را رها سازند؟ قدرت سپاه اسلام در اعتقادات و ارزشهای دینی نهفته شده بود و مسیحیان دریافتند که برای شکست دادن جوانان غیور اسلام باید اعتقادات و ارزشهای دینی را از آن ها بگیرند. پس برای رسیدن به این هدف برنامه ریزی کردند. آن ها دختران جوان و زیبای خود برای دلربایی از پسران مسلمان راهی آندلس کردند. دختران زیبای مسیحی با ظاهری آراسته در خیابانهای شهر نمایان شدند. هر چه که می گذشت ظاهر آن ها آراسته تر و تعدادشان نیز بیشتر می شد. تا آنکه با گذشت زمان چهره جامعه به جایی رسید که دیگر حجاب در جامعه آن روز آندلس معنایی نداشت. دختران زیبای مسیحی با پسران مسلمان دوستی و در مواردی ازدواج می کردند. بعد از مدتی روحیه معنوی و ارزشی جامعه کمرنگ شد. عشرت کده هایی که با ورود مسلمانان بسته شده بودند باز شدند و با همان روشی که حجاب را به تدریج از جامعه کنار زده بودند، شراب خواری را نیز رواج دادند و رفته رفته شراب خواری به طبقه فرهنگی و سطح بالای جامعه نیز رسید، تا آنجا که یکی از نشانه های روشنفکری و تمدن گشت و همان گونه که هوسرانی و شراب خواری در جامعه ریشه می کرد ارزشها و اعتقادات دینی رنگ باخت. جوانان جامعه غرق در گناه و هوسرانی بودند و دیگر حرفی از ایثار، فداکاری و شهادت نبود و این یعنی از دست رفتن قدرت و اقتدار سپاه اسلام، همان هدفی که

دشمنان اسلام برای رسیدن به آن برنامه ریزی کرده بودند. در چنین حال و روزی بود که سپاهیان مسیحی به سوی آندلس سرازیر شدند و به همان راحتی که مسلمانان آندلس را فتح کرده بودند، آنان نیز مسلمانان را شکست دادند و پایگاه اسلام در اروپا از دست رفت و به اسپانیا تبدیل گشت. تاریخ معلم انسان هاست. با درس گرفتن از تاریخ آندلس باید برای مقابله با تهاجم فرهنگی غرب چاره ای اندیشید.

زمانی که غرب می خواست پایگاه نفوذ و سلطه ی خود را در ایران مستحکم نمایند، در کنار کارهای فراوان، ابتدا روشن فکران وابسته را به داخل کشور راهی کرد. رضاخان بعد از رسیدن به قدرت بزرگ ترین خیانت را علیه کشور خودش و به نفع فرهنگ غرب انجام داد او با اقداماتی از قبیل عوض کردن لباس مردم کشور، کشف حجاب، ممنوعیت دین و شعائر دینی و عزاداری و تغییر سنت های بومی، به دستور کشور های غربی و در راس آن ها انگلستان به مبارزه با فرهنگ کشور خود، برخاست و تبدیل به چهره ی محبوب غرب در انجام اوامر آن ها شد. و بدین ترتیب تهاجم فرهنگی غرب علیه ایران به طور جدی آغاز شد. رضا خان به کارهای که مخالف شعائر مذهبی جامعه ایران بود، که از آن جمله می توان به کشف حجاب و وادار ساختن زنان به برداشتن چادر و تقلید از طرز لباس پوشیدن غربی ها و تعطیل کردن مراسم عزاداری و روضه خوانی اشاره کرد. البته رضاخان خود به تنهایی در نابودی شعائر به خصوص کشف حجاب زنان دخالت نداشت بلکه از پشت صحنه استعمار پیر انگلیس و دیگر رقبای آن ها با او دست داشتند و از حمایت او دریغ نمودند. در این زمینه مستر همفر جاسوس معروف انگلیس در خاطرات خود چنین می نویسد: « زنان مسلمان دارای حجابی محکم هستند که نفوذ فساد در میانشان ممکن نیست که در این صورت باید زنان مسلمان را فریب داده، از زیر چادر بیرون کشید، با این بیان که حجاب یک عادت است از خلفای بنی عباسی! و یک برنامه اسلامی نیست! و لذا زنان پیامبر را می دیدند که با زنان صدر اسلام در اسلام در هر کاری با مردان شرکت می کردند پس از آن که زنان را از چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا در میان مسلمانان، فساد رواج یابد.»

زنان مسلمان با درک وابستگی این دولت با فرهنگ غرب به مخالفت با آنان دست زدند که نقش آنان قابل توجه است .

آیت الله حاج حسین قمی به نمایندگی علما عازم تهران شد تا نزد شاه برود و به کشف حجاب اعتراض کند؛ اما قبل از مرود به تهران او را دستگیر کردند. دستگیری او باعث شعله ور شدن خشو مردمی شد که در مسجد گوهرشاد و به قصد مخالفت با کانون کشف حجاب، جمع شده بودند. ماموران دولتی به سوی مردم شلیک کردند که حاصل آن، کشته شدن شمار فراوانی از تظاهر کنندگان بود. در این قیام، تنها بیش از چند هزار زن به دستور نیروهای تحت امر ایرج مطبوعی به شهادت رسیدند و غریبانه و شبانه در بیابان های شهر دفن شدند.

زنان بعد از ناکامی در قیام گوهرشاد به شیوه ی دیگری به مبارزه برخاستند:

۱. شماری از زنان مومن خود را در خانه ها محصور کردند. دست کم یکی از علت های این محصور کردن مخالفت با کشف حجاب بود.
۲. برخی دختران از مدارس جدید بیرون رفتند تا مجبور نباشند ندون حجاب به مدرسه بروند.
۳. برخی دیگر از زنان، همراه شوهران خود به کشورهای هم جوار به ویژه عتبات عالیات مهاجرت کردند.
۴. زمانی که ماموران کشف حجاب، زنان محجبه ی دستگیر شده را به قصد تنبیه کردن دیگران، در کوچه های شهر می چرخاندند آنان سخنانی چون: ما را به جرم رعایت یک امر واجب اسلامی یعنی حجاب به اسیری می برند، هم خود گریه می کردند و هم دیگران را به گریه وا می داشتند. و به این وسیله و با یاد آوری حادثه ی اسارات زینب کبری (سلام الله علیها) به افشاگری علیه رژیم دست می زدند. بنابراین امروز هم زنان با الگو گیری از زنان متعهد و با ایمان می توانند با تهاجم فرهنگی به مقابله برخیزند.

بانو مجتهد سیده نصرت امین اصفهانی، برجسته ترین نمونه زن ایرانی است که به مبارزه فرهنگی علیه سیاست هایی پرداخت که ارزش های اسلامی زن مسلمان را هدف گرفته بود. او بخش مهمی از زندگی پرفراز و نشیب خود در بیست سال آغازین حکومت پهلوی دوم گذراند؛ دوره ای که استعمار و ایادی داخلی آن، برای نیل به مقاصد شوم خود، به مسخ شخصیت زن دور کردن آنان از کرامت و عزت اسلامی مشغول بودند. سیده نصرت با درک دقیق شرایط اجتماعی و مقتضیات زمانه، تکلیف خود را در مبارزه با آن دید و در این راه، مکتب و مدرسه بنیاد نهاد و آثاری به تالیف در آورد تا بتواند نهضتی را شکل دهد که در برابر موج منحط و اغواگر غرب گرا بایستد و سرانجام خود به یک حرکت تهاجمی تبدیل شود. او نگارش کتاب روش خوش بختی تالیف کوشید. زنان را به راه بکشاند در این جهت، زنان را از تجمل، مدپرستی و اوصاف رذیله اخلاقی بر خذر داشت. اگر چه حرکت و روش او به ظاهر سیاسی نبود، ولی به دنبال تاثیر گذاری عمیق و با دوام بود. تاثیر کار او را در آن فضای فسادآلود و شبهه ناک، خیلی ها تایید کرده اند. حجت الاسلام مراد علی توانا، بانو امین اصفهانی را در راس بانوان مسلمان می داند که به مقابله با تهاجم فرهنگی دست زد؛ تهاجمی که علیه زنان در جریان بود.

### پیشینه ی علمی

۱. شبیه خون فرهنگی، نوشته ی احمد طهماسبی است و دارای ۱۳۶ صفحه و هشت فصل می باشد. که در این تحقیق از فصل های اول، دوم و هشتم استفاده شده است. فصل اول در بردارنده ی مفهوم تهاجم فرهنگی، فصل دوم شامل ویژگی های تهاجم فرهنگی و فصل هشتم هم راه های مقابله با تهاجم فرهنگی می باشد.



۲. فرهنگ و تهاجم فرهنگی: برگرفته از سخنان مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای «مدظله العالی»، نوشته ی سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و دارای ۴۲۹ صفحه و پنج فصل که در این تحقیق از فصل چهارم استفاده شده است. که این فصل در بردارنده ی وظایف مردم و مسئولین در مقابله با تهاجم فرهنگی می باشد.

۳. هجوم خاموش (آسیب شناسی نسل جوان)، مولفین: سید محمد سقا زاده- حمزه کریم خانی.

۴. فصل نامه تخصصی طهورا نوشته ی محمد مهدی، صفورایی پاریزی، که ۲۳۹ صفحه و هفت مقاله می باشد که در این تحقیق از مقاله های دوم و چهارم استفاده شده است. مقاله ی دوم شامل آسیب شناسی تهاجم فرهنگی و کار کرد های خانواده و مقاله ی چهارم شامل نقش تربیت دینی خانواده در مقابله با تهاجم فرهنگی می باشد.

۵. تهدید نرم ، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و راهکارها، نوشته ی ابوالفضل امیری که ۱۵۳ صفحه دارد و هشت فصل دارد که در این تحقیق از فصل های اول و ششم و هفتم و هشتم استفاده شده است. فصل اول شامل مفهوم و تعریف فرهنگ، فصل ششم راهها و عوامل نفوذ فرهنگی، فصل هفتم ویژگی های ناتوی فرهنگی، فصل هشتم راهها و روش های پیشگیری و مقابله با تهدید نرم می باشد.

۶. از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم: واکاوی مختصات منازعه ی نرم در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، نوشته ی مجتبی، احمدی، ابودر زارع درخشان، حسین همزاده ایبانه، این کتاب ۳۶۸ صفحه و ده فصل دارد. در این تحقیق از فصل اول و نهم استفاده شده است. فصل اول شامل تعریف و تبیین، فصل نهم شامل راهکارها می باشد.

#### ۱-۴) سوالات تحقیق

##### سوال اصلی

نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی چیست؟

##### سوالات فرعی

تهاجم فرهنگی چیست؟

ویژگی های ابزار های تهاجم فرهنگی چیست؟

آسیب های تهاجم فرهنگی و تاثیر آن بر خانواده و زنان چیست؟

## ۱-۵) ساختار تحقیق

این تحقیق شامل سه بخش می باشد؛ بخش اول به کلیات اختصاص یافته، که شامل: تعریف و تبیین موضوع، ضرورت و اهداف تحقیق، پیشینه ی موضوع، و ... می باشد.

بخش دوم باعنوان تهاجم فرهنگی شامل دو فصل می باشد. فصل اول شامل تعریف فرهنگ و تهاجم فرهنگی؛ تبادل فرهنگی، مراحل، عوامل و شیوه های تهاجم فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. فصل دوم این بخش تحت عنوان ویژگی ها و ابزارهای تهاجم فرهنگی، دراز مدت، نامرئی و نامحسوس، همه جانبه و ... می باشد.

بخش سوم با عنوان آسیب های تهاجم فرهنگی و نقش زنان در مقابله با آن می باشد. که فصل اول این بخش به آسیب های تهاجم فرهنگی نسبت به زنان، مثل بد حجابی و رونق دادن دختران فراری و زنان خیابانی و ... مورد بررسی قرار می گیرد. . در فصل دوم این بخش به بررسی نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی می پردازد.

## ۱-۶) فرضیه تحقیق

ازجمله ابزار های تهاجم فرهنگی ماهواره و اینترنت و... می باشد.  
افزایش طلاق و خشونت از آسیب های تهاجم فرهنگی می باشد.

## ۱-۷) مفاهیم و اصطلاحات کلیدی

عنوان تحقیق « نقش زن در مقابله با تهاجم فرهنگی» از چهار واژه ی زن، مقابله، تهاجم، فرهنگ، تشکیل شده است. یکی از مباحث کلیدی در عرصه ی پژوهش علمی، آشنایی با مفهوم واژه ها و معنی الفاظ به کار رفته می باشد، بدین منظور به بیان معانی و مفهوم الفاظی که دخیل در عنوان تحقیق می باشند می پردازیم:

## فرهنگ:

فرهنگ = (فرهنگ) ۱- ادب، تربیت ۲- دانش، علم، معرفت. ۱

## تبادل:

تبادل = (بدل): از نظر لغوی: پایاپای، داد و ستد. ۲

تبادل = هر چیزی که بجای دیگری واقع شود، هر چه که جانشین چیز دیگر شود. ۲

## تهاجم

یورش بردن کسی یا چیزی به معنای «هجمه، شبیخون»، «جنجال گروهی» که مهاجمین انجام

می دهند. ۱

به انبوه در آمدن، ناگاه آمدن، در تاختن، هجوم بردن، حمله کردن، حمله کردن به

یکدیگر، هجوم، یورش. ۲

## زن

نقیض مرد، فردی از افراد اناث خواه منکوحه باشد و خواه غیر منکوحه. مقابل مرد. ۳

## مقابله

رویارویی، مواجهه، برابری کردن، جنگ کردن، ایستادن. ۴

---

۱) محمد، معین، فرهنگ معین، ج ۲، تهران، نامن، ۱۳۸۴، ص ۱۷۴۵. - تهاجم = (هجم) هَجَمَ عَلَى الْقَوْمِ يَهْجُمُهُمْ هَجُومًا - تهاجم از نظر لغوی (هجم) حمله و رشدن - یورش بردن

منبع: ابن منظور لسان العبد ج ۱۵، نشر تراث، ص ۴۰ - عبدالنبی قیم، فرهنگ میانه عربی-فارسی، تهران، فرهنگ معاصر ۱۳۸۶ ص ۹۱۲

۲) احمد، سیاح، ترجمه المنجد لویس، فرهنگ بزرگ جامع نوین، (عربی به فارسی)، تهران، اسلام، ۱۳۸۴، ص ۹۴. \_محمد، معین، فرهنگ معین، تهران، اسلام، ۱۳۸۶، ص ۳۹۵.

۳) علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، ج ۹، تهران، ناشر موسسه انتشارات دانشگاه، بی تا، ص ۱۲۹۳۴. زن = ۱- مادینه ی انسان، بشر ماده ۲- جفت مرد = زوجه

منبع: محمد معین، فرهنگ معین (ج ۲) تهران، نامن، ۱۳۸۴، ص ۱۲۲۹

۴) همان، ج ۱۴، ص ۲۱۹۳۴. مقابله = (قبل) از نظر لغوی = روبرو شدن، درمقابل هم قرار گرفتن - مقابله = مواجهه، والتقابل مثله

منبع: راغب اصفهانی - ترجمه مفردات الفاظ قرآن، مترجم: مصطفی رحیمی نیا، تهران سبحان ۱۳۸۵، ص ۲۵۲ - ابن منظور، لسان العرب (ج ۱۱)، نشر تراث، ص ۲۱

بخش دوم

تهاجم فرهنگي

فصل اول تعریف  
فرهنگ و تهاجم فرهنگی  
(مفهوم شناسی)

## ۲-۱-۱) فرهنگ:

### ۲-۱-۱-۱) معنای لغوی فرهنگ

بنابر عقیده ی بسیاری از اساتید علم و ادب واژه ی «فرهنگ» از نظر لغوی از دو بخش «فر» و «هنگ» تشکیل شده است. ۱. «فر»، پسوند و به معنی جلو، بالا و پیش، ۲. شان، شوکت و شکوه، برای زندگی، زیبایی و پیرایش، نور و پرتو، تابش، آواز و آهنگ، عدالت، امامت، استقلال و سیاست و عقوبت، فوقانی، توانای، سرفرازی، و... است؛ ۳ و «هنگ» از ریشه ی اوستای «تنگنا» به معنای کشیدن و وزن، ۴ سنگینی، تمکین، قصد و اراده و آهنگ جایی و سویی، زور فراوان، زیرک، در یافت، فهم، قوم و قبیله، لشکر و سپاه، و نگهداری است. ۵. مرکب از فر که پیشاوند است و هنگ از ریشه ی اوستایی تنگ. به معنی کشیدن و فرهختن و فرهنگ، هر دو مطابق است با ریشه ی ادوکا- در لاتینی که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است. آموزش و تربیت. تعلیم و تربیت. ۶. آداب و رسوم، دانش، ادبیات و اعتقادات ویژه ی هر جامعه. ۷. علم، دانش، ادب، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت. ۸.

### ۲-۱-۱-۲) معنای اصطلاحی فرهنگ

---

۱) محمد رضا، کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، ناشر: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴، ص ۱۸ / سید رضا، تقوی دامغانی، تأملات فرهنگی، تهران، ناشر: نخیل، ۱۳۸۵، ص ۴۰ / دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، چاپ دوم، تهران، نشر رامین، ۱۳۷۵، ص ۲۰.

۲) محمود، روح الامینی، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۳۶، ص ۱۱.

۳) دفتر عقیدتی سیاسی فرمانده معظم کل قوا، ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، همان، ص ۲۰.

۴) محمود، روح الامینی، همان، ص ۱۱

۵) ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، همان، ص ۱۹.

۶) علی اکبر، دهخدا، همان، ج ۳۷، صص ۲۲۸-۲۲۷ / روح الله، احمدزاده ی کرمانی، بازانندیشی در فرهنگ و رسانه، تهران، ناشر چاپار، ۱۳۵۷، ص ۲۴۲.

۷) مهدی ضرغامیان-مهناز عسکری، فرهنگ فارسی مهتاب دبستان، چاپ دوم، تهران، ناشر: محراب قلم، ۱۳۹۰، ص ۳۰۴ / محمد، منصورى نژاد، رویکردهای نظری در گفتگو و تمدن ها، هابر ماس، فوکویاما، تهران، ناشر: جهاد دانشگاهی، پژوهشگده ی علوم انسانی و اجتماعی تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۲.

۸) فرهنگ عمید، حمید، عمید، چاپ چهارم، تهران، ناشر: امیرکبیر، ۱۳۶۲، ص ۱۵۳۶.

واژه و مفهوم فرهنگ، همواره از آشنا ترین و در عین حال پر ابهام ترین مفاهیم مورد استفاده در متون علوم اجتماعی و بویژه جامعه شناسی و مردم شناسی بوده است.

تایلور فرهنگ را مجموعه شناخت، باور، هنر، اخلاقیات، قانون، سنت و ظرفیت ها که فرد در جامعه کسب می کند می داند.<sup>۱</sup>

میزان پیشرفتی است که فرد، یا گروهی در زمینه معارف عمومی و رفتار اجتماعی منظم و حساب شده، در اثر پیشرفت مداوم تشکیلات اجتماعی، که نشان گر رشد آگاهی ها و تحول اجتماعی است، بدان رسیده اند.

مجموعه ی تکامل یافته ای است از عرف و عادات و رسوم و کارها و اعتقادات و گونه های گوناگون اجتماعی، که گروهی معین از مردم یا قومی آن را به کار می گیرند.<sup>۲</sup>

زیر ساختی است که مبانی و اصول حاکم بر دانش، بینش، نگرش و طرز تفکر و اندیشه، نحوه ی زندگی و اعمال فردی، جمعی و اجتماعی را می آفریند و از آن در قبال دیگر سلوک ها، رفتارها و نحوه ی چگونگی طرز تفکرها، رفتار و اعمال و زندگی ها و دانش ها و بینشی و نگرش ها، معنا تولید می کند.<sup>۳</sup>

در جامعه شناسی و انسان شناسی، راه و روش زندگی جامعه ای خاص یا گروهی از مردم در بردارنده ی اموری چون الگوهای اندیشه، رفتارها، رسوم، سنت ها، مناسک، پوشاک، زبان و هنر، موسیقی و ادبیات.

فرهنگ را مجموعه ای پیچیده و کلی، شامل دانش، اعتقاد، هنر، قوانین، آداب و رسوم و هر نوع قابلیت و عادات دیگر که انسان ها به مثابه ی عضوی از جامعه کسب کرده اند، تعریف کرده اند.<sup>۴</sup>

هنجارها و ارزش های که به صورت نمادین در مد لباس، زبان، موسیقی و الگوهای خاصی متجلی است.<sup>۱</sup>

---

۱) جیمز، اسلوین، اینترنت و جامعه، ترجمه: عباس گیلوری و علی راد باوه، تهران، ناشر کتاب دار، ۱۳۸۵، ص ۵۲.  
۲) فاخر، عاقل، فرهنگ روانشناسی، ترجمه: عبدالمهدی، یادگاری، چاپ اول، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۸، ص ۳۹.

۳) علی رضا، علی احمدی و همکاران، شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت، چ اول، ناشر: تولید دانش، ۱۳۸۳، ص ۶ /  
داود، حسینی نسب، اصغر، علی اقدام، فرهنگ واژهها، تعاریف، اطلاعات تعلیم و تربیت، چاپ اول، تبریز، ناشر: احرار تبریز، ۱۳۷۵، ص ۴۳۳.

۴) کامران، فانی، محمد علی، سادات، دانش نامه ی دانش گستر، چاپ اول، تهران، ناشر: موسسه ی دانش گستر روز، ۱۳۹۲، ص: ۷۷۳.

فرهنگ به معنای وسیع کلمه، عبارتست از مجموعه ی اعمال محیط که اجتماعی شدن افراد را در جریان تحول و توحید آن ها را با یک مجتمع تأمین می نماید. این فرهنگ متضمن بدست آوردن و سایل ارتباط (زبان، خواندن، نوشتن) و پاره ای از ابزارهای فکر کردن و عمل کردن (مانند حساب) و یک توشه ی مشترک معارف و اعتقادات و سلسله مراتبی از ارزش ها و نیز یک نوع جهت دادن به تمایلات است. این فرهنگ بر اثر یک تربیت کما بیش تخصصی و نیز به و سیله ی آموزشی که کار اجتماعی فعالیت های فردی را میسر می سازد، کامل می گردد. ۲.۵۵

## ۲-۱-۲) تعریف تهاجم

### ۲-۱-۲-۱) معنای لغوی تهاجم

از نظر لغوی، تهاجم واژه ای عربی از ریشه ی هجم به معنای حمله ور شدن و به دیگری یورش بردن است. تهاجم بر وزن تفاعل به معنای برخورد و هجوم دو طرفه است و در این جا به معنی هجمه ی یک طرفه و یک جانبه است. ۳. به معنای دیگری چون: یورش بردن کسی یا چیزی به معنای «هجمه، شبیخون»، «جنجال گروهی» که مهاجمین انجام می دهند. ۴. به انبوه در آمدن، ناگاه آمدن، در تاختن، هجوم بردن، حمله کردن، حمله کردن به یکدیگر، هجوم، یورش. ۵.

### ۲-۱-۲-۳) تبادل

رد و بدل کردن، باهم معاوضه کردن، داد و گرفتن (با یک دیگر تبادل نظر کردن)، تبدیل، مبادله، بدل. ۶.

### ۲-۱-۲-۴) تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی به معنی انتقال معانی میان نظام های فرهنگی بدون رضایت دوطرفه است. به عبارت دیگر، اگر یک نظام فرهنگی، ارزش های خود را با استفاده از قدرت بر نظام دیگری تحمیل

۱) ع، پاشایی، فرهنگ اندیشه نو، چاپ دوم، تهران، نشر مازیار، ۱۳۶۹، صص ۵۷۹-۵۷۸.

۲) محمود منصور، لغت نامه روانشناسی، چاپ اول، تهران، ناشر شاهنشاهی، ۱۳۳۶، ص ۲۵۲.

۳) احمد، طهماسبی، شبیه خون فرهنگی، چ: پنجم، قم، ناشر: یاقوت، ۱۳۹۱، ص ۲۵.

۴) آذر نوش، آذر تاش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، ص ۷۷۸/ اصغر، گلشن، فرهنگ گلشن، ص ۳۹.

۵) محمد، معین، فرهنگ معین، ص ۱۱۷۲.

۶) مهشید، مشیری، فرهنگ زبان فارسی، چاپ اول، تهران، ناشر سروش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹، ۲۲۶/

احمد، علامه فلسفی، فرهنگ زبان فارسی، چاپ اول، تهران، ناشر پیام آزادی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵.



کند، تهاجم فرهنگی صورت می‌گیرد. برخلاف مبادله فرهنگی که در آن نظام‌ها توسعه یافته و تغییرات را برمی‌تابند؛ در تهاجم فرهنگی، ارزش‌های اصلی هر نظام مورد تردید قرار می‌گیرد و به مرور زمان نظام‌های ارزشی و فرهنگی از بین می‌روند. فرهنگ‌های مهاجم معمولاً برای تضعیف و آسیب‌پذیر کردن فرهنگ دیگر، از روش‌های جوسازی بهره می‌برند. در ایران غرب‌زدگی را عموماً نمونه‌ای از آسیب‌پذیری در برابر تهاجم فرهنگی تلقی کرده‌اند.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۵) ارزش و نقش فرهنگ از دیدگاه برجستگان عصر

امام خمینی (ره)، مقام معظم رهبر (مدظله):

۱) والاترین عنصری که در موجودیت جامعه دخالت دارد: «بی‌شک والاترین و بالاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد فرهنگ آن جامعه است. اساساً فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد.»<sup>۲</sup>

۲) فرهنگ مبدا و منشا تکامل و یا انحطاط فرد و جامعه: «فرهنگ منشا همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است.»<sup>۳</sup>

۳) فرهنگ اساس ملیت‌هاست: «فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است.»<sup>۴</sup>

امام خمینی (ره): «اسلام دارای فرهنگ غنی انسان‌ساز است که ملت‌ها را بی‌گرایش به راست و چپ بدون در نظر

گرفتن رنگ و زبان و منطقه به پیش می‌برد و انسان‌ها را در بعد اعتقادی و اخلاقی و عملی هدایت می‌کند و از گهواره تا گور به تحصیل و جست‌وجو دانش سوق می‌دهد.»<sup>۵</sup>

شهید بزرگوار علامه مطهری ارزش و نقش فرهنگ را در پیشرفت جوامع و تمدن بشری مورد بحث قرار داده است و می‌گوید: «جنبه معنوی تمدن، مربوط به روابط انسانی انسان‌ها است. جنبه‌ی معنوی تمدن، مرهون تعلیمات پیامبران است در پرتو جنبه معنوی تمدن است که جنبه‌های

۱) روح‌الامین، محمود. زمینه‌فرهنگ‌شناسی، چاپ دوم، تهران، انتشارات عطار، ۱۳۶۸، ص ۱۴۴.

۲) روح‌الله، الموسوی‌الخمینی (ره)، صحیفه نور، ج ۱۵، ناشر: تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ص ۱۶۰.

۳) همان، ج ۱، ۲۷۳.

۴) همان، ج ۶، ص ۴۰.

۵) همان، ج ۱۹، ص ۲۰۴.

مادی آن نیز مجال رشد می یابد. نقش پیامبران در تکامل جنبه معنوی تمدن، به طوری مستقیم است و در تکامل جنبه ی مادی به صورت غیر مستقیم. «۱»

مقام معظم رهبری (مدظله) در دیدار با مسئولان وزارت فرهنگ و آموزش عالی نقش فرهنگ را در برنامه ریزی کشور این گونه ترسیم می کنند: « جا دارد در برنامه پنج ساله دوم به مسائل فرهنگی اهتمام مضاعفی بکنند. اگر چه مسائل اقتصادی مهم است و مسائل صنعتی و کشاورزی بسیار حائز اهمیت است لکن به ظن قوی همه این ها بدون اهتمام به مسائل فرهنگی ناکام خواهد شد؛ یعنی یا این است که ما به مسائل فرهنگی اهتمام خواهیم ورزید، آن وقت برنامه های ما برنامه های صحیح است و حرکت ما درست خواهد بود و یا این که خدا ی نخواستہ اهتمام نخواهیم ورزید آن وقت تلاش های ما برای کاری اقتصادی و صنعتی و غیر ذلک هم گمان زیاد یا اثر عکس خواهد یا لاقلاً آن اثر مطلوب را نخواهد داد. «۲»

## ۲-۱-۶) فرهنگ و تاثیر آن بر رفتار

فرهنگ در رفتار انسان نقش مهمی دارد. در هر یک از جوامع بشری افکار و عقایدی وجود دارد که مورد پذیرش و قبول آن جامعه می باشد. همه ی کسانی که این عقاید را قبول دارند، اعضای جامعه به حساب می آیند و به کسانی که این عقاید و آرا را پذیرفته اند به عنوان مختلف می نگرند. فرهنگ، افراد جامعه را در تمامی شئون زندگی، توجیه می کند، توجیهی که هیچ کس از آن بی نیاز نیست. لینتون می گوید: « الگوها و شیوه های فرهنگی برای انسان حکم لباس های حاضر و آماده را دارند، چرا که محیط فرهنگی یک جامعه تقریباً نماینده ی احتیاجات فرد است، اگر چه این رابطه تمام و کمال نیست، مگر آن که در آن تعدیلی به عمل آید، همان گونه که در مورد پوشش و لباس می توان گفت که در یک محدوده ی معین، به تعدیل نیاز دارد. بطور کلی می بینیم که مرزهای فرهنگ وسیع است بطوری که همه افراد یا بیشتر آن ها را در بر می گیرد. «

فرهنگ، محدوده ی رفتار ما را در زمینه های مختلف تعیین می کند و تا حد زیادی مشخص می کند که تلاش در راه وصول به چه اهدافی ارزشمند است، همان طور که شکل دهنده ی رفتار ما می باشد و یا شاید بتوان گفت رفتار و عادت ما را بر ما تحمیل می کند. فرهنگ تعیین موضع ما، در برابر دیگران است؛ چه کسی را دوست داشته باشیم؟ و از چه کسی بدمان بیاید؟ به عنوان مثال، در برخی فرهنگ ها، افراد به قهرمانان مرزشی به دیده ی تحسین نگاه میکنند، هرچند خود هیچ عشقی

۱) مرتضی، مطهری، مقدمه ای جهان بینی اسلامی، تهران، ناشر: صدرا، 1370، ص ۱۵۶.

۲) رضا، تقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، ج اول، ص ۱۶۴.

به ورزش ندارند. یادگیری وسیله ای است که فرد توسط آن عناصر فرهنگی را جذب می کند و جزو عناصر تشکیل دهنده ی شخصیت خود قرار می دهد.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۷) تهاجم فرهنگی غرب

امروزه با توجه به رشد فکری و آگاهی عمومی ملت‌های جهان، نفوذ و سلطه و به دست آوردن مستعمرات از راه لشکرکشی‌های نظامی، به آسانی امکان پذیر نیست و در صورت اجرا هزینه‌های زیادی را بر مهاجمان تحمیل می کند؛ به همین سبب، بیش از یک قرن است که استعمارگران روش نفوذ در کشورها را تغییر داده‌اند. این کشورها معمولاً اجرای مقاصد خود را با عناوین تبلیغ مذهبی، رواج تکنولوژی، ترویج زبان، انجمن‌های خیریه، ترویج بهداشت، سوادآموزی و ، به عبارت دیگر، به نام سیاست‌های فرهنگی و فرهنگ‌پذیری انجام می دهند. هرچند نمی توان این عناوین را از نظر نوع دوستی و انسانیت مورد تردید قرار داد، ولی تاریخچه‌ی این روابط و خدمات نشان داده است که این برنامه‌ریزی‌های دقیق، در جهت رشد و بالندگی فرهنگ این کشورها نبوده بلکه زمینه‌ی اسارت کامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی آنان را فراهم ساخته است.<sup>۲</sup>

بدین ترتیب، استعمارگران، اکنون به این نتیجه رسیده‌اند که بهترین راه نفوذ در سایر کشورها، نفوذ در فرهنگ آنان و استحاله‌ی درونی آن است. آنان می‌خواهند ارزش‌های مورد پسند خود را ارزش‌های مترقی جلوه دهند و جای‌گزین معیارهای بومی و فطری ملت‌ها سازند و، از این طریق، بدون هیچ دغدغه‌ای به آینده‌ی منافع خود در این کشورها مطمئن باشند. این جمع‌بندی، به ویژه در دهه‌های اخیر، مبنای فعالیت‌های سازمان‌یافته‌ی گسترده‌ای قرار گرفته که غرب آنها را ترویج معیارهای تمدن، رشد و توسعه معرفی می کند؛ اما در فرهنگ ملت‌ها، از این اقدامات با تعبیر مختلفی یاد می‌شود که مفهوم مشترک آنها در تعبیر هجوم فرهنگی نهفته است.<sup>۳</sup>

این عمل (جای‌گزینی فرهنگ بیگانه با فرهنگ خودی) به شکلی هوشیارانه که بتواند یک ملت و جامعه را نسبت به فرهنگ خود بیگانه، و مطیع‌گرایز بیگانگان کند، عمدتاً "تهاجم فرهنگی" محسوب می‌شود. دانشمندان غربی نیز به این واقعیت اذعان دارند. اتوکلاین برگ، یکی از روان‌شناسان اجتماعی غربی، در این زمینه می‌نویسد: حتی در جریان پیاده کردن برنامه‌های بلندنظرانه و آزادمنشانه، چون کمک به همکاری فنی نیز نگرش استعماری و سایر اشکال استثمار

---

۱) صلاح نصر، جنگ روانی (کلامی)، مترجم: محمود حقیقت‌کاشانی، تهران، ناشر: سروش (انتشارات صدا و سیما)، ۱۳۸۰، صص ۳۹-۴۲.

۲) محمود، روح‌الامینی، زمینه‌ی فرهنگ‌شناسی، ص ۱۰۱.

۳) مسعود، خرم، هویت، چاپ پنجم، تهران، ناشر: حیان، ۱۳۷۸، ص ۱۵.

متجلی است؛ مثلاً کشوری که کمک‌های فنی به دیگری ارائه می‌دهد این انتظار را دارد که کشور دریافت‌دارنده‌ی کمک، معیارها و الگوهای وی را برگزیند.<sup>۱</sup> در کتاب‌های دایرةالمعارفی غربی نیز به این مطلب اشاره شده است. میشل پانوف در کتاب فرهنگ جامعه‌شناسی در توضیح اصطلاح فرهنگ پذیری به این تسلط و استعمار فرهنگی غرب اشاره کرده و می‌گوید:

این اصطلاح را از اواخر قرن گذشته انسان‌شناسان انگلیسی‌زبان به کار بردند و مراد از آن تعیین پدیده‌هایی است که از تماس مستقیم و ادامه‌دار بین دو فرهنگ مختلف نتیجه می‌شوند و از تبدیل یا تغییر شکل یک یا دو نوع فرهنگ، در اثر ارتباط با یکدیگر، حکایت می‌کند؛ بنابراین، مراد از فرهنگ‌پذیری، جنبه‌ی ویژه‌ای از فرایند انتشار آن است. امروزه فرهنگ‌پذیری گاهی در معنای محدودکننده‌تر به تماس‌های خاص دو فرهنگ که نیروی نامساوی دارند، اطلاق می‌شود؛ در این صورت، جامعه‌ی غالب که هماهنگ‌تر و یا از نظر تکنیک مجهزتر است معمولاً از نوع جوامع صنعتی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به فرهنگ حاکم تحمیل می‌گردد.<sup>۲</sup> این محقق در تعبیری دیگر از این تهاجم در حالتی که به شکلی گسترده‌تر، تمام عناصر فرهنگ مورد هجوم را از بین می‌برد و فرهنگ مهاجم را جایگزین می‌سازد، به قوم‌کشی یا قومیت‌کشی شش تعبیر می‌کند و می‌نویسد:

«هنگامی که فرهنگ غالب در انهدام ارزش‌های اجتماعی و روحیات سنتی جامعه‌ی مغلوب و برای گسستگی و سپس نابودی آن می‌کوشد، واژه‌ی قوم‌کشی را که به تازگی رایج شده به کار می‌برند تا القای اجباری فرایند فرهنگ‌پذیری را از طریق فرهنگ غالب در یک فرهنگ دیگر (مغلوب) توصیف کنند. در گذشته جوامع صنعتی قوم‌کشی را با تظاهر به این که هدفشان از همانندسازی، ایجاد آرامش یا تغییر شکل در جوامع ابتدایی یا عقب‌مانده است، اجرانموده و بازم اجرامی‌کنند. این عمل معمولاً تحت‌عنوان اخلاق، رسیدن به کمال مطلوب در پیشرفت و... صورت می‌گیرد.<sup>۳</sup>»

در تعریف پدیده‌ی تهاجم فرهنگی دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبرمعظم انقلاب، قابل توجه است. از نظر ایشان در تهاجم فرهنگی یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی، برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم،

---

(۱) محمود، روح‌الامینی، همان.

(۲) میشل پانوف و میشل پرون، فرهنگ مردم‌شناسی، ترجمه: علی اصغر، خانقاه، چاپ اول، تهران، ناشر: حیان، ۱۳۶۸، ص ۱۷-۱۸.

(۳) همان، ص ۱۳۷.

باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جای‌گزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند.<sup>۱</sup>

## ۲-۱-۸) تفاوت تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی

تهاجم فرهنگی به این معنی است که یک مجموعه‌ی سیاسی یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جای‌گزینی با فرهنگ و باورها ملی آن ملت وارد کشور می‌کند.

تبادل فرهنگی هدف باور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. در تبادل فرهنگی، ملت فراگیرنده، نقاط درست و چیزهای که فرهنگ او را کامل می‌کند تعلیم می‌گیرد. مثل یک انسانی که ضعیف است و دنبال غذا یا دوا می‌گردد تا آن را مصرف کند و سالم شود. تبادل فرهنگی ملت‌ها در طول تاریخ به شکلی طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و تعالی مستمر فرهنگ‌ها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه‌ماندن معارف و حیات فرهنگی بشر امری بسیار ضروری است و جامعه انسانی را در ارتقای ارزش‌ها و پیمودن مسیر سعادت واقعی به پیش می‌برد. این جریان فرهنگی دو سویه است و هنگام قوت و توانایی ملت‌ها صورت می‌گیرد. در این روند، ملت‌ها با هدف ترویج ارزش‌های بشری، به تبلیغ ایده‌آل‌ها و معیارهای خود می‌پردازند و نیز عناصر و مفاهیم برجسته‌ی فرهنگ‌های دیگر را وام می‌گیرند.

گسترش اسلام در برخی از مناطق جهان، از جمله شرق آسیا، از طریق رفت و آمد مسلمانان ایران به این مناطق، از نمونه‌های قابل استنادی است که پیامدهای مثبت تبادل فرهنگی را برای جامعه‌ی بشری به خوبی اثبات می‌کند. در تبادل فرهنگی هدف اصلی باردار کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است و از این دیدگاه، تردیدی نیست که در برخورد با فرهنگ غرب نیز تبادل صحیح فرهنگی، منشأ آثار مثبتی خواهد بود.<sup>۳</sup>

بنابراین، اساساً تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی در دو جهت مخالف قرار دارند. تبادل فرهنگی فرایندی متقابل و طبیعی است و با رضایت طرفین صورت می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی یک طرفه، غیرداوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارد. معرفی، انتقال و جای‌گزینی ارزش‌ها در تهاجم فرهنگی طبیعتاً تحمیلی است. در واقع در تبادل فرهنگی، هدف به روز کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی در تهاجم فرهنگی هدف ریشه‌کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است.<sup>۴</sup>

۱) بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، ص ۳.

۲) فتح علی، آخوندزاده، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵، ناشر موسسه فرهنگی قدر ولایت، صص ۸-۹.

۳) مسعود، خرم، هویت، همان، ص ۱۵.

۴) سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ص ۱۹-۲۰.

قابل توجه است که فرهنگ‌پذیری با میل و به دل خواه یا تعامل فرهنگی، زمانی میسر است که هیچ‌گونه نابرابری اجتماعی یا سیاسی بین دو فرهنگ وجود نداشته و هیچ‌کدام برتری مادی یا معنوی نسبت به دیگری نداشته باشند. در مقابل، در سایه‌ی برتری تکنولوژی، قدرت نظامی، امکانات بیش‌تر اقتصادی و فنی، و برنامه‌ریزی سیاسی است که تسلط پدیده‌های فرهنگی یک جامعه بر دیگری انجام می‌گیرد.<sup>۱</sup>

در مجموع می‌توان گفت که: در تبادل فرهنگی سه اصل گزینش، تحلیل و جذب و اصل تولید فرهنگی، مد نظر متولیان فرهنگی یک جامعه است و این افراد برای زنده و پویا نگه داشتن فرهنگ خودی، عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و عناصر مثبت آن را گزینش و پس از تحلیل و تعیین تناسب آن با فرهنگ بومی، آن را جذب می‌کنند و به شکل عنصری از فرهنگ خودی درمی‌آورند.<sup>۲</sup> تبادل فرهنگی ملت‌ها در طول تاریخ به شکلی طبیعی وجود داشته و عاملی برای رشد و تعالی مستمر فرهنگ‌ها بوده است. تبادل فرهنگی برای تازه ماندن معارف و حیات فرهنگی بشر امری بسیار ضروری است و جامعه انسانی را در ارتقای ارزش‌ها و پیمودن مسیر سعادت واقعی به پیش می‌برد. این جریان فرهنگی دو سویه است و هنگام قوت و توانایی ملت‌ها صورت می‌گیرد. در این روند، ملت‌ها با هدف ترویج ارزش‌های بشری، به تبلیغ ایده‌آل‌ها و معیارهای خود می‌پردازند و نیز عناصر و مفاهیم برجسته فرهنگ‌های دیگر را وام می‌گیرند.

گسترش اسلام در برخی از مناطق جهان، از جمله شرق آسیا، از طریق رفت و آمد مسلمانان ایران به این مناطق، از نمونه‌های قابل استنادی است که پیامدهای مثبت تبادل فرهنگی را برای جامعه بشری به خوبی اثبات می‌کند. در تبادل فرهنگی هدف اصلی باردار کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است و از این دیدگاه، تردیدی نیست که در برخورد با فرهنگ غرب نیز تبادل صحیح فرهنگی، منشأ آثار مثبتی خواهد بود.

بنابراین، اساساً تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی در دو جهت مخالف قرار دارند. تبادل فرهنگی فرآیندی متقابل و طبیعی است و با رضایت طرفین صورت می‌گیرد؛ ولی تهاجم فرهنگی یک طرفه، غیردوطلبانه و سلطه‌گرانه است و اهداف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و حتی نظامی دارد. معرفی، انتقال و جایگزینی ارزش‌ها در تهاجم فرهنگی طبیعتاً تحمیلی است. در واقع در تبادل فرهنگی،

---

(۱) محمود، روح‌الامینی، همان، ص ۱۰۱.

(۲) محمدسعید، فیاض، درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، تهران، ناشر: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، ۱۳۷۲، صص ۴۲-۴۳ / اصغر، افتخاری، علی اکبر، کمالی، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷، صص ۷۰-۷۳.

هدف به روز کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است، ولی در «تهاجم فرهنگی» هدف ریشه کن کردن و از بین بردن فرهنگ ملی است.

قابل توجه است که فرهنگ‌پذیری با میل و به دلخواه یا تعامل فرهنگی، زمانی میسر است که هیچ‌گونه نابرابری اجتماعی یا سیاسی بین دو فرهنگ وجود نداشته و هیچ‌کدام برتری مادی یا معنوی نسبت به دیگری نداشته باشند. در مقابل، در سایه‌ی برتری تکنولوژی، قدرت نظامی، امکانات بیش‌تر اقتصادی و فنی، و برنامه‌ریزی سیاسی است که تسلط پدیده‌های فرهنگی یک جامعه بر دیگری انجام می‌گیرد. در مجموع می‌توان گفت که: در تبادل فرهنگی سه اصل گزینش، تحلیل و جذب و اصل تولید فرهنگی، مد نظر متولیان فرهنگی یک جامعه است و این افراد برای زنده و پویا نگه داشتن فرهنگ خودی، عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و عناصر مثبت آن را گزینش و پس از تحلیل و تعیین تناسب آن با فرهنگ بومی، آن را جذب می‌کنند و به شکل عنصری از فرهنگ خودی در می‌آورند.

## ۲-۱-۹) ویژگی‌های تهاجم فرهنگی و تبادل فرهنگی

- ۱- در تهاجم، هدف تخریب است، اما در تبادل فرهنگی هیچ‌کدام از دو فرهنگ قصد تخریب فرهنگ مقابل را ندارد و هدف انتقال و نشر فرهنگی است.
- ۲- در تبادل فرهنگی، ملت گیرنده‌ی فرهنگ، چیزهای مطبوع و دل‌نشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد؛ یعنی فرصت و حق انتخاب را دارد. اما در تهاجم فرهنگی چیزهایی را به ملت ۳- مورد تهاجم می‌دهند که مناسب و خوب نیست و آن ملت حق انتخاب ندارد.
- ۴- در تهاجم، یک ملت برای جای‌گزینی فرهنگ خود، به نحوی ظالمانه سعی در ریشه‌کنی فرهنگ مقابل دارد، اما در تبادل فرهنگی چنین نیست.
- ۶- در تبادل فرهنگی، همواره جنبه‌های مثبت و انسانی مطرح است؛ بدین معنا که دو طرف قصد بارور کردن، تکامل بخشیدن و ارتقای یکدیگر را دارند؛ در حالی که در تهاجم فرهنگی اهداف خیرخواهانه در میان نیست. بلکه قلع و قمع، ارباب، بی‌هویت کردن و ایجاد سلطه، مدنظر است.
- ۷- در تهاجم فرهنگی، قصد استیلا و به طور کلی، غرض سیاسی مأخوذ است و مهاجم اصولاً بقای فرهنگ مقابل را به هیچ‌عنوان نمی‌پذیرد.
- ۷- تبادل فرهنگی یک نیاز است و لذا لازم است، بدین معنی که هیچ‌ملتی از این که معارفی را در تمام زمینه‌ها از جمله فرهنگ و مسائلی که عنوان فرهنگ به آن اطلاق می‌شود را از ملت‌های دیگر بیاموزد بی‌نیاز نیست. اما تهاجم فرهنگی یک تحمیل است یعنی عناصر ناسازگار با فرهنگ ملی و مخرب آن به زور وارد کشوری می‌شود.
- ۸- در تهاجم فرهنگی این دشمن است که آن چه را از فرهنگ خود می‌خواهد بم او می‌دهد و نقاط مثبت و سازنده‌ی فرهنگ خود را به آن ملت نمی‌دهد. اما در تبادل فرهنگی، ملت آن چیزی

را از سایر فرهنگ ها می گیرد که خود می خواهد و مورد نیازش می باشد و مکمل فرهنگ ملی اوست.

۹- تبادل فرهنگی هنگام قوت و توانایی یک ملت انجام می گیرد، ولی تهاجم فرهنگی در روزگار ضعیف یک ملت به وقوع می پیوندد.۱

## ۲-۱-۱۰) عوامل تهاجم فرهنگی

عوامل تهاجم فرهنگی را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف) عوامل برونزا: زمینه‌ها، عناصر و ابزاری که به نحوی ردپای کشورهای خارجی (غربی) در آنها دیده می شود عوامل برونزا هستند؛ از جمله: اعزام مستشرقین، تلاش برای دین‌زدایی از طرق مختلف، ایجاد روحیه‌ی خودباختگی فرهنگی، ساخت و فروش وسایل ارتباطی، نظیر ماهواره و ویدئو و... . سیاست‌گزاران و طراحان کشورهای سلطه‌جو این عوامل را طراحی و برنامه‌ریزی می کنند و افراد داخلی آن را به اجرا درمی آورند.

ب) عوامل درونزا: زمینه‌ها، عناصر و ابزاری که ریشه‌ی داخلی داشته و غیرمستقیم یا مستقیم به پذیرش تهاجم فرهنگی از خارج به داخل کمک می کنند عوامل درونزا هستند؛ از جمله: زمینه‌هایی هم چون بیکاری، فقر اقتصادی، نابه‌سامانی خانوادگی، غفلت مسئولین فرهنگی و اجتماعی و ناآگاهی جوانان و نوجوانان و...۲

## ۲-۱-۱۱) مراحل تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی در دو مرحله‌ی عمده صورت می‌پذیرد که در هر یک راه‌های خاصی مدنظر قرار می‌گیرد:

الف) تخلیه‌ی فرهنگ خودی در قانون طبیعت، وقتی در فضایی خلأ ایجاد شود، نزدیک‌ترین نیروی موجود، آن خلأ را پر می‌کند. هر پدیده‌ی جدید، یا در جایی حضور می‌یابد که قبلاً خلأ وجود داشته و یا در آن محیط، خلأ ایجاد می‌کند. لذا تخلیه‌ی فرهنگی اولین شرط لازم برای حضور فرهنگ بیگانه و مهاجم به شمار می‌رود. ایجاد خلأ فرهنگی، خود با روش‌ها و شیوه‌های مختلفی صورت می‌گیرد که عمده‌ترین آنها در ایران، عبارت‌اند از:

۱. ایجاد تردید نسبت به بنیان‌های اعتقادی و ارزشی از طریق: سست نمودن اعتقادات عمومی، سست نمودن ارزش‌های اخلاقی، دین‌زدایی، انزوای روحانیت، بی‌ارزش نمودن مبلغان و مدافعان اصیل دین؛

۲. ترویج فساد؛

---

(۱) فتح علی، آخوندزاده، همان، صص ۱۰-۹.

(۲) جلیل، مسگرنژاد، در جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازداری تهاجم فرهنگی، تهران، ناشر: دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۷۳.



۳. فرقه‌گرایی؛

۴. نفوذ نگرش غربی و از خودبیگانگی؛

۵. تکوین روشن‌فکری وابسته.

هدف اصلی از این مرحله، قطع رابطه‌ی فرهنگی کشورهای مسلمان با گذشته‌ی پرافتخار خویش است. این مرحله معمولاً با ظرافت و دقت فراوانی طراحی و اجرا می‌شود و فرق اساسی آن با تهاجم نظامی، مشخص نبودن چهره‌ی مهاجم است. بدین شکل که عناصر تعلیم دیده با القای شبهات و دسیسه‌های شیطانی، مردم را نسبت به میراث علمی و فرهنگی خویش بی‌اعتنا و دل‌سرد می‌کنند.

### ب) تثبیت فرهنگ بیگانه

به کار گماردن افراد وابسته و ایجاد نهادها یا تأسیسات مختلف بین‌المللی و ملی، از کارهایی است که در این مرحله انجام می‌شود. به طور کلی، در این مرحله سیاست‌هایی که دشمن به اجرای آنها اصرار می‌ورزد، به شرح ذیل است:

۱. برپایی شبکه‌ها و مؤسسات شبه فرهنگی؛

۲. تجزیه‌ی فرهنگی از طریق تحریک نژادها و گروه‌های متفاوت اجتماعی، تحریک اقوام با گویش محلی، تحریک اقلیت‌های مذهبی و...؛

۳. تحریف تاریخ؛

۴. تغییر خط و زبان؛

۵. حذف و تبدیل میراث‌های فرهنگی ۱.

سیر تاریخی تهاجم فرهنگی در ایران محققان برآن‌اند که مبدأ تاریخی تهاجم فرهنگی غرب در ایران را باید از آغاز حکومت قاجاریه و کمی قبل از آن فرض کرد؛ زمانی که نادر از دنیا رفت و مملکت ایران دچار آشوب و بی‌نظمی شد و کمپانی هند شرقی تحرکات خود را شدت بخشید<sup>۲</sup> شروع این حرکت با تأسیس مذاهب جعلی، مانند وهابیت در مذهب اهل سنت، و شیخیگری و بهائیت در مذهب تشیع اشاره کرد. این مذاهب جدید به منظور تغییر در اعتقادات واقعی دین اسلام و ایجاد اختلاف در میان مسلمانان طراحی شدند.<sup>۳</sup>

این حرکت در جامعه‌ی ایران از زمان اولین اعزام ایرانیان به غرب برای تحصیل، و بازگشت آنان به کشور، شدت بیش‌تری به خود گرفت. نخستین ایرانیانی که برای مأموریت و یا تحصیل به غرب

---

(۱) همان.

(۲) علی، دوانی، مواضع علماء در برابر هجوم فرهنگی غرب بر ایران، چاپ اول، تهران، ناشر: سروش، ۱۳۷۵، ص ۹۱.

(۳) همان، صص ۹۱-۱۰۶.

سفر کردند، اسیر شبکه‌ی فراماسونری غرب شدند؛ تعدادی از آنان چون عسگرخان افشار ارومی و ابوالحسن خان ایلچی حلقه‌ی نوکری غرب را به گوش آویختند و در ازای گرفتن حقوق از بیگانگان، به ترویج غرب‌گرایی و تأمین منافع آنها در ایران پرداختند. مشخصه‌ی تمامی این فرنگ‌رفتگان، خودباختگی در مقابل مظاهر تمدن غرب و ترویج غرب‌گرایی در ایران بود؛ برای مثال، آخوندزاده علت عقب‌ماندگی ایرانیان را دین اسلام و خط عربی می‌داند.<sup>۱</sup>

با کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و آغاز سلطنت رضاخان، روشن‌فکران غرب‌زده شکل جدیدی از تهاجم فرهنگی در ایران ظاهر کردند. رضاخان در طول ۲۰ سال سلطنت خود، انهدام فرهنگ قومی، ملی و اسلامی ایران را بنا نهاد. با توجه به ضعف توانایی‌های فکری و علمی او، چنین حرکت حساب شده‌ای نمی‌توانست حاصل درک و بینش وی باشد. او با حضور مستشاران متعدد غربی و همکاری و اقتدار روشن‌فکران وابسته در دستگاه حکومت خود، تدارک این حرکت ضدفرهنگی را فراهم نمود.<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۱۲) شیوه‌های تهاجم فرهنگی

در یک نگاه کلی شیوه‌های تهاجم فرهنگی غرب را نیز می‌توان از دو بعد خارجی و داخلی مورد توجه قرار داد. در بعد خارجی، مهاجمان با امکانات و موقعیت‌های مختلفی که در مجامع بین‌المللی در دست دارند، از طریق شبکه‌های گسترده‌ی بنگاه‌های تبلیغاتی و سخن‌پراکنی خود می‌کوشند با عناوینی چون نقض حقوق بشر، حمایت از تروریسم، وجود خفقان و سانسور، نبودن آزادی برای زنان و مطبوعات و نویسندگان، جنگ‌طلبی، ماجراجویی و... با حربه‌های شناخته شده و تکراری، تصویری تحریف شده و ناخوشایند از فرهنگ مقابل در اذهان مردم دنیا ترسیم نمایند و طبیعی است که در این راه، زشت‌ترین و شیطان‌ترین حربه‌ها را برمی‌گزینند.

در بعد داخلی تهاجم فرهنگی غرب در کشورهای اسلامی به دو شیوه‌ی زیر رخ می‌نماید:

- ۱- ترویج افکار و اندیشه‌های غیراسلامی و حتی ضداسلامی، تبلیغ افکار التقاطی، تقدس زدایی و توهین به مقدسات، سست نمودن پایه‌های اعتقادی جوانان نسبت به برخی از اصول و آرمان‌ها.
- ۲- تجددگرایی، علم‌زدگی و عقل‌گرایی افراطی، تلاش در راه تطهیر غرب و غرب‌گرایی، بی‌اعتبار نشان دادن علوم و معارف اسلامی به بهانه‌ی عدم تطابق با دانش‌های نوین بشری، طرح جدایی دین از سیاست، ترویج بی‌حجابی و بدحجابی و پوشش‌های مستهجن و خلاف شوون اسلامی، رواج مدهای غربی و بی‌بند و باری، تهیه و پخش فیلم‌های شدیداً ضد اخلاقی و ویدئویی، نوارهای کاست مبتذل از خوانندگان فاسد و توزیع عکس‌های مبتذل در سطح گسترده، تولید و پخش مشروبات

۱) موسی، فقیه حقانی، فراماسونری و گسترش فرهنگ غرب در ایران، ۱۳۷۵، صص ۱۵۶-۱۵۷/اسماعیل، شفیعی سروسستانی، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشن‌فکران، تهران، ناشر کیهان، ۱۳۷۲، صص ۱۰۳-۱۲۱.

۲) فیروز، کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، چاپ دوم، ناشر: انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۶۰.

الکلی و مواد مخدر در سطح جامعه، چاپ و نشر کتب و مجلات ضد اخلاقی، جنایی، عشقی و رمان‌های مبتذل، تشکیل مجالس لهو و لعب و...، مشتی از خروارها توطئه‌ی دشمن است. ابزار تهاجم فرهنگی تنها محدود به موارد فوق نیست، بلکه تمام موارد فرهنگ‌های مکتوب، شفاهی، عمومی و تصویری نیز از ابزارهای دیگر این تهاجم هستند.<sup>۱</sup>

فرهنگ غربی با استفاده از ابزار فوق تخریب فرهنگ اسلامی را مد نظر قرار داده است. مواردی از قبیل تشکیک در حقانیت دین اسلام، انتشار کتاب‌های ضد دینی مانند آیات شیطانی، نفی مقدسات اسلامی و نیز تحدید دین و تلاش برای حذف دین از عرصه‌ی اجتماع از این موارد به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

### ۲-۱-۱۳) اهداف تهاجم فرهنگی

دشمن از هجوم فرهنگی هدف‌هایی در نظر دارد که می‌توان به تعدادی از آن‌ها به شرح زیر و به طور خلاصه اشاره نمود:

۱- تسلط به نظام سیاسی، از مهم‌ترین اهداف تهاجم فرهنگی به کشورهای جهان سوم تسلط بر نظام سیاسی آن کشورها است. مستکبرین همواره سعی در از میان برداشتن نظام‌هایی داشته‌اند که بر سر راه ایشان بوده است. تهاجم فرهنگی به فرهنگ این‌گونه جوامع مقدمه‌ای است تا به مرور زمان بر نظام سیاسی مسلط شوند و آن‌گونه حکومتی را سر کار آورند که مجری طرح‌های ایشان باشد. در تاریخ معاصر از این‌گونه حکومت‌ها بسیار سراغ داریم.<sup>۳</sup>

۲- احساس حقارت نسبت به دین، یکی از اهداف تهاجم فرهنگی به جوامع دینی و اسلامی، ایجاد احساس حقارت در افراد آن جامعه نسبت به مسائل دینی و اسلامی است. دشمن طوری تبلیغ می‌کند که انسان عامل به احکام دین را عقب مانده و وا پس‌گرا معرفی نماید و بی‌تفاوتی و بی‌اعتقادی و پیشرفته و همگام با پیشرفت‌های روز معرفی نماید.<sup>۴</sup>

۳. کم‌رنگ کردن اعتقاد به ولایت فقیه: تهاجم فرهنگی در شرایط خاص جامعه اسلامی ما مهم‌ترین و بزرگ‌ترین وجهه فرهنگی انقلاب را که همان ولایت فقیه است را مورد هجوم قرار داده است. دشمن فهمیده که بزرگ‌ترین ضربه را از این نهاد دینی خورده است لذا سعی در تضعیف و کم‌رنگ کردن باور و اعتقاد مردم نسبت به این اصل دارد. هدف استراتژیکی دشمن، تضعیف ارتباط

---

(۱) جلیل، مسگرنژاد، همان، ص ۶۶.

(۲) اصغر، افتخاری، علی اکبر، کمالی، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، صص ۷۳-۷۰.

(۳) عباس فیروزی، کتاب مبانی جنگ نرم و ریشه‌یابی آن در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، قم، ناشر: شکوفه یاس، ۱۳۸۹، صص ۵۶-۵۵.

(۴) ابوالفضل، امیری، تهدید نرم، تهاجم فرهنگی، نانوی فرهنگی، چاپ هفتم، تهران، ناشر: پگاه، ۱۳۸۹، صص ۱۳۶-۱۳۵.

اصغر، افتخاری، همان، ص ۷۸.

احساس ولایت پذیری ملی نسبت به ولایت فقیه است. امام راحل در این باره می فرماید: «اولی که دست رویش می گذارند، دست می گذارند روی ولایت فقیه، اول دست آن جا می گذارند برای این که یک طرح اسلامی است و آن ها از اسلام می ترسند.»<sup>۱</sup>

«ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله است. و این ها از ولایت رسول الله می ترسند»

۴. القای نژاد برتر: تمام تبلیغات جهان غرب در رسانه های گروهی و در فیلم هایی که تولید می کنند بر این اساس تنظیم می شود، که آن ها نژاد برتر هستند، دشمن با هجوم فرهنگی در کشورهای جهان سوم می خواهد خود را به عنوان آقا و سرور معرفی کند. تئوری نژاد غربی به عنوان نژاد برتر، از جمله فرضیه هایی است که اندیشمندان غربی برای اثبات آن به آزمایش یافته های آزمایشگاهی نیز متوسل شده اند. در مقابل این چنین تبلیغ می کنند که شرقیان اقوامی وحشی و عقب مانده هستند.<sup>۲</sup>

۵. انگیزه رهبری جهان: از دیگر اهداف غرب در تهاجم فرهنگی به دیگر کشورها این است که خود رهبری جهان را به دست آورد. بر این اساس در تولیدات هنری، فیلم های تلویزیونی و سینمایی و در امواج رادیویی این هدف را دنبال می کنند که خود را رهبر و حاکم جهان معرفی کنند.<sup>۳</sup>

۶. هدف اقتصادی: می توان گفت که اهداف گذشته مقدمه رسیدن به هدف نهایی است و آن تسلط بر منابع اقتصادی کشورهای دیگر است. استعمارگران در نهایت، هدفشان از هجوم نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، همانا دست یافتن به امکانات بیشتر است.<sup>۴</sup>

اهمیت فرهنگ: برای بیان اهمیت فرهنگ در خانواده ابتدا به بیان رهنمودهایی از مقام معظم رهبری می پردازیم: «فرهنگ مثل آب و هواست. فرهنگ یعنی همین رسوم و آدابی که بر زندگی ما و شما حاکم است. به طور کلی ذهنیت حاکم بر یک جامعه به معنای وسیع آن، فرهنگ جامعه را تشکیل می دهد، اعم از این که این ذهنیت از درون آن جوشیده باشد، یا از خارج وارد شده باشد، یا با زوایایی از فرهنگ آن جامعه آمیخته شده باشد»<sup>۵</sup> یا کوب بروکهاوت نیز می گوید: «سه قدرت

---

(۱) عباس فیروزی، همان، ص ۵۶.

(۲) ابوالفضل، امیری، همان، ص ۷۶.

(۳) عباس فیروزی، همان، ص ۵۶.

(۴) ابوالفضل، امیری، همان، ص ۷۶.

(۵) محمدرضا، سالاری فر، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ناشر: سمت، ۱۳۸۴، ص ۲۳.

بزرگی که واقعیت هستی بشر درونه تاریخ را تعیین کرده است، عبارتند از: دین، دولت و فرهنگ»<sup>۱</sup>  
از آن جا که فرهنگ اسلام از اندیشه پیروان آن پیداست، استکبار جهانی همواره در پی نابودی  
اندیشه های ناب اسلامی است. عناصر فرهنگ بیگانه همیشه از کشورهای دیگر وارد کشورهای  
اسلامی نمی شود، چه بسا این عناصر در داخل کشور و جامعه خودی وجود داشته باشد و میراث و  
آداب و رسوم نسل های قبل از اسلام به اسم اسلام وارد فرهنگ اسلامی شده باشد، ولی هیچ  
ارتباطی با اسلام نداشته باشد. بنابراین باید فرهنگ اسلامی را شناخت و آن چه را غیر اسلامی یا  
ضد اسلامی است از فرهنگ جدا کرد تا روشن شود که با چه چیز باید مبارزه کرد و ناخواسته عناصر  
اصلی فرهنگ اسلام از بین نرود.

---

(۱) چنگیز، پهلوان، فرهنگ شناسی، تهران، ناشر: قطره، ۱۳۷۸، ص ۱۶.

فصل دوم ویژگی ها

و

ابزارهای تهاجم فرهنگی

## ۲-۲-۱) ابزارهای تهاجم فرهنگی

استکبار جهانی برای رسیدن به اهداف خود در یورش فرهنگی، از فناوری ها و ابزارهای پیشرفته استفاده می کند که به برخی از آن ها اشاره می شود:

### ۲-۲-۱-۱) رادیو

این رسانه ی جهان شمول و فراگیر، وسیله ای است که قدرت های استکبری با آن می توانند از بی سواد ترین و عامی ترین افراد تا متخصصان و تحصیل کرده های کشور را تحت پوشش خبری و تهاجمی خود قرار دهند. ۱.

### ۲-۲-۱-۲) تلویزیون

امروزه تلویزیون از بزرگترین و کاربردی ترین ابزار شکل گیری فرهنگ در جهان است. بنابر گفته صاحب نظران، تلویزیون در جهان با برنامه های خود، در عمل، فرهنگ ابتذال را در بین مردم گسترش داده است. برنامه های نامناسب و به ویژه برنامه های غربی، بیشترین نقش را در بروز جرایم اخلاقی و جنایی داشته است.

گروهی از محققان و استادان دانشگاه آمریکا در نشستی به عنوان «تلویزیون آموزش و تربیت» اعلام کردند که اگر والدین بتوانند فرزندان خود را از دیدن برنامه های تلویزیون منع کنند، تنها در آمریکا ده هزار قتل، هفتاد هزار حمله و زد و خورد و هفتصد هزار دزدی جلوگیری کرده است. طبق پژوهش ها با توجه به این که بیشترین بینندگان تلویزیون، کودکان کمتر از پانزده سال می باشند، بسیاری از فیلم ها و مجموعه های تلویزیونی که از کشورهای غربی وارد شده اند، مروج پوشش نامناسب، بدحجابی، و بی بند و باری اند و پیامدهای منفی زیادی بر فرهنگ دینی مردم گذاشته اند. فعالیت های ارزشی صدا و سیما در سال های اخیر برای تولید برنامه های مفید، قابل انکار نیست، ولی هنوز برخی برنامه ها با تأثیر از فرنگ غرب، ساخته و پخش می شود. ۲.

### ۲-۲-۱-۳) سینما

سینما نیز بر سهم خود، تأثیر زیادی بر فرهنگ جامعه دارد. به گفته برخی کارشناسان پس از جنگ جهانی دوم، سینما مهم ترین نقش را در نفوذ استعمار فرهنگی در کشورهای آسیایی آفریقا و آمریکای لاتین داشته است. به همین دلیل رژیم طاغوت برای انحراف اذهان عمومی و تثبیت پایه های فرهنگ سیاسی حکومت خود در جهت نفی ارزش های دینی، بیشترین بهره برداری را از این وسیله تبلیغی و فرهنگی کرد. امروزه سینما، برای خدمت به صهیونیسم فرهنگی و مقابله با هویت

۱) حسین، متفکر، جنگ روانی، چاپ چهارم، قم، ناشر: زمزم هدایت، 1385، ص 175.

۲) حمید، ضیائی پرور، جنگ نرم 2، ویژه جنگ های رسانه ای، چاپ ششم، تهران، ناشر مؤسسه ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، 1383، ص 140/ حسین، متفکر، همان، ص 178.

اسلامی و ایرانی صدها فیلم ساخته است. پس از انقلاب اسلامی، با وجود فیلم های ارزشی خوبی که هنرمندان مؤمن سینما عرضه کردند، گروهی از هنرمندان و هنرپیشه های رژیم گذشته، با حضور دوباره در صحنه های مختلف هنری، از جمله سینما به ترویج اهداف و امیال خویش پرداختند و نیروهای با ایمان و شایسته و جوانان مستعد و حزب اللهی به بهانه نداشتن تخصص، طرد و منزوی شدند. در چنین شرایطی، بروز و گسترش فساد و بدحجابی از دریچه سینما، عادی است. پس از انقلاب اسلامی، فیلم های سینمایی بیش از پیش در دسترس خانواده ها قرار گرفت. استفاده نادرست از ویدئو، پیامدهای منفی زیادی بر ارزش های دینی و اعتقادی مردم در دهه دوم انقلاب داشته است.<sup>۱</sup>

## ۲-۲-۱-۴) اینترنت

رسانه های نوین تاثیر مهمی بر ماهیت زندگی روزمره داشته اند؛ کاربرهای اینترنت گستره ای از تاسیس پایگاه های هوادارن برای مبادله ی اطلاعات درباره ی موضوعاتی نظیر موسیقی، ورزش، فیلم، تا مکاتبات فرا محلی میان جنبش اجتماعی نوین سراسر جهان و سایر گروه های را شامل می شود. تاثیر احتمالی و تصویری ارتباطات اینترنتی بر فرایند کنش متقابل و شکل های روابط جمعی را می توان مشاهده کرد.<sup>۲</sup>

## ۲-۲-۱-۵) ماهواره:

ماهواره در بسیاری از کشورها تخریب کننده ارزش های دینی و ملی است. در ایران، میزان تخریب ارزش های دینی در قرن های جدید چشم گیر است. مسئولان فرهنگی باید بدانند که امروزه غرب می کوشد با کمک فناوری های پیشرفته و بهره گیری از ماهواره و با ایجاد آشفتگی در زبان و آداب و سنن و تاریخ، هویت جوانان را تغییر دهد. در نشریه نیوزویک آمریکا آمده است: انقلاب جدیدی در ایران در حال شکل گیری است. امروزه جوانان ایرانی به یمن رادیوها و دیش های ماهواره، از جهان خارج با خبرند و این عوامل نیرویی را برای یک انقلاب فرهنگی و سیاسی تشکیل می دهد. در اخبار بی بی سی چنین گزارش می کند: چنین به نظر می رسد که ماهواره در ایران در ضربه زدن به مظاهر اسلام، از همه گروه های مخالف حکومت، قدرت بیشتری دارد. ماهواره پدیده ای است که در برابر ارزش های اسلامی قد علم کرده است

ارائه تصویرهای مستهجن و مبتذل و خلاف عفت عمومی از طریق ماهواره و نمایش آن ها، یکی از عوامل گسترش بی بند و باری و به فحشا کشیاندن جوانان از نوع جرایم جنسی است. دشمن که همواره اشاعه فرهنگ دینی و اعتقاد به خداوند و معنویات را مانع اصلی هدف خودمی بیند، برای کم

۱) همان، ص 142 / عباس، فیروز، همان، ص 65.

۲) بنت، اندی، فرهنگ و زندگی روز مره، مترجم: لیلیا، جو افشان، چاپ اول، تهران، ناشر: اختران، 1386، ص 143. ۲



رنگ کردن این اعتقادات، با ایجاد خلل در اعتقادات قشر جوان، در به انحراف کشاندن و بی هویت کردن آنان می کوشد. در منطق قرآن، بازگو کردن زشتی ها و ارائه ترویج آن ها نهی شده است؛ زیرا موجب آشکار سازی زشتی هو و برملا شدن آن ها می شود. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «کسی که گناه را نشر دهد، رانده است و کسی که گناه را پنهاندارد، مشمول آمرزش الهی است» شبکه های ماهواره ای در قالب میان برنامه ها و آگهی ها مظاهر اخلاقی را تبلیغ می کنند.<sup>۱</sup>

## ۲-۲-۲) ویژگی های تهاجم فرهنگی:

تهاجم رسانه ای تنها تهاجمی است که حتی در شرایط صلح نیز بین کشورها به صورت غیر رسمی ادامه داشته و هر کشوری از حداکثر توان خود برای پیشبرد اهداف سیاسی خویش با استفاده از رسانه ها، بهره گیری می کند. رسان های ظاهراً رادیو و تلویزیون ها، مفسدان مطبوعاتی، خبرنگاران خبرگذاری ها، شبکه های خبری و سایت های اینترنتی جریاندارد، امام واقعیت آن است که در پشت این جدال ژورنالیستی، چیزی به نام «سیاست رسانه ای یک کشور» نهفته است که مستقیماً توسط بودجه های رسمی مصوب پارلمانها یا بودجه های سری سازمان های اطلاعاتی و امنیتی و سرویس های جاسوسی تغذیه می شود. سربازان جنگ رسانه ای، متخصصان تبلیغات و کارگزاران رسانه ها هستند. تهاجم رسانه ای، بدون خونریزی، آرام و بهداشتی و تمیز تلقی می شود، که بر صفحات روزنامه ها و میکروفون رادیوها، صفحات تلویزیون ها و عدسی دوربین ها جریان دارد. مردمی که تحت بمباران این تهاجم رسانه ای قرار دارند، حتی ممکن است خود از وجود جنگ سنگینی که بر فضای تنفسی آن ها جریان دارد، بی اطلاع باشند هدف آن رسانه ای، اگر چه در نهایت تغییر کارکرد و عمل کرد دولت ها است، اما به طرز مملوسی به جای هدف قرار دادن مستقیم دولت ها، ملت ها را هدف بمباران خود قرار می دهد. این عقیده وجود دارد که اگر بتوان افکار عمومی را نسبت به موضوع یا پدیده ای قانع کرد یا به آن ها سمت و سو و جهت خاصی بخشید، مسلماً دولت ها نیز تحت فشار عمومی به آن سمت کشیده خواهند شد. تهاجم رسانه ای برخلاف جنگ های نظامی که عمدتاً میان دو یا «چند کشور به عنوان ائتلاف با یک کشور» جریان میابند می تواند میان یک گروه از کشورها با گروه بزرگ دیگری از کشورها با ویژگی های مشخص جریان یابد.

رساع های غرب علیه جهان اسلام، علیه کشور های جهان سوم، دو نمونه بارز از موضوعی هستند که می توانیم آن را به «تهاجم رسانه ای» تعبیر کنیم.<sup>۲</sup>

۱) محمد، مهدی، صفورایی پاریزی، عالی بنت الهدی، فصلنامه تخصصی ظهور، مؤسسه ی آموزش، قم، 1391، صص 72-76. ۱

۲) حمید، ضیائی پرور، جنگ نرم 2، ویژه جنگ های رسانه ای، همان، صص 66.

اینترنت در خدمت تروریست ها: به رغم سخت گیری شدید دولت ها برای محدود و مسدود کردن منابع مالی از طریق اینترنت بین این گروه ها و منابع تأمین کننده آن ها و نیز نحوه ی ارائه دستورات لازم از سوی سران و فرماندهان این گروه ها به عوامل آن ها در کشورهای مختلف صورت می گیرد. رادیو مسکو در گزارشی پیرامون نحوه مبادلاتی مالی این گروه ها گفت: این مبادلات که از طریق اینترنت و به وسیله سفارش های دروغین کالا صورت می گیرد، دارای کدهای رمزی است که فقط اعضای آن گروه ها قادر به تشخیص آن ها هستند. سفارش کالا، تحت عنوان یک شرکت تجاری از یک شرکت تجاری دیگر صورت می گیرد و نوع کالا و میزان هزینه آن مشخص می گردد در حالی که در این میان، فقط پول است که به وسیله کارت های اعتباری رد و بدل می شود و از کالا هیچ خبری نیست هم چنین وجود سایت های اختصاصی این گروه ها بر روی اینترنت به آن ها کمک می کند تا پیام ها، دستورالعمل ها و ریز برنامه های فعالیت هایشان را به اعضا بدهند و برای این که شناخته نشوند و پایگاه هایشان توسط مأموران امنیتی کشف نشود، آدرس های اینترنتی خود را به سرعت تعویض می کنند و اصولاً آدرس های اینترنتی واقعی ندارند. از ویژگی های تهاجم فرهنگی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ۲-۲-۱) تغییر باورها

در پی تغییر قالب های لورهای جامعه مورد هجوم قرار می گیرد. با تغییر باورهای اساسی جامعه، قالب های تفکر و... اندیشه دگرگون شده و مدل های رفتاری جدیدی شکل می گیرد. مدل های رفتاری جدید به گونه ای است که به جای رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی، رفتارهای چالشی جایگزین شده و این رفتارها به سمت ساختار شکنی جهت می یابد. ۲

#### ۲-۲-۲) آرام، تدریجی و زیر سطحی

جنگ نرم دفاعی، شتابان و پر تحرک در یک مقطع نیست. این جنگ به صورت آرام شروع شده و به صورت تدریجی به سمت جلو حرکت می کند، آرام و تدریجی بودن این جنگ به گونه ای است که بسیاری آن را تشخیص نمی دهند. جنگ نرم زیر سطحی، غیر آشکار و به همین دلیل نامحسوس است. ۳

#### ۲-۲-۳) نماد ساز

۱) حمید ضیائی پرور، جنگ نرم 1، ویژه جنگ های رسانه ای، همان، ص 28.

۲) داوود رنجبران، جنگ نرم، چ: ششم، تهران، ناشر: ساحل اندیشه 1388، صص 29-35.

۳) حمید، ضیائی پرور، جنگ نرم 2، ویژه جنگ های رسانه ای، همان، ص 144/ حسین، متفکر، جنگ روانی، همان، ص 178.

نماد سازی با بهره گیری از نمادهای تاریخی و گذشته برای ارائه و نمایش تصویری مطلوب از خود، یک ویژگی برجسته از جنگ نرم است. تلاش می شود تصویری شکست خورده، نا امید و مأیوس از حریف ارائه شود و در مقابل مهاجم با نماد سازی و تصویر سازی خود را پیروز و موفق نشان می دهد. در این ویژگی عملیات روانی در حد اعلی خود انجام می شود.<sup>۱</sup>

#### ۲-۲-۲-۴) پایدار و با دوام

نتایج جنگ نرم در صورت موفق بودن، پایدار و بادوام خواهد بود. هدف اصلی در جنگ نرم تغییر باورها و اعتقادات است. چنان چه این تغییر حاصل گردد، بهر احتی تغییر مجدد و بازگشت به حالت اولیه میسر نمی باشد. در جنگ نرم و نظامی، یک سرزمین تصرف شده را ظرف چند ساعت، می توان پس گرفت. اما در جنگ نرم، اگر دشمنان موفق به تصرف افکار و دل های جامعه ی هدف گردند، به راحتی نمی توان آن را پس گرفت و تغییر مجدد زمان بر می باشد.<sup>۲</sup>

#### ۲-۲-۲-۵) بی تحرک و جاذب

جنگ نرم که به صورت تدریجی و آرام شروع می شود، در نقطه ای به دلیل ایجاد جاذبه های کاذب، خود جامعه هدف را برای تحقق اهداف به کار گرفته و از این طریق بر دامنه ی تحرکات آن افزوده می گردد. در واقع با گذشت زمان، بسیاری از بازیگران و حتی بازیگردانان جنگ نرم به صورت خواسته یا ناخواسته از درون جامعه هدف به استخدام کارگزاران اصلی جنگ نرم در می آیند.<sup>۳</sup>

#### ۲-۲-۲-۶) هیجان ساز

با نماد سازی، اسطوره سازی ها و خلق ارزش های جدید، در جنگ نرم از احساسات جامعه هدف نهایت استفاده انجام می گیرد. مدیریت احساسات، یک رکن در مهندسی جنگ نرم به حساب می آید. در مدیریت احساسات، تلاش می شود از احساسات و عواطف جامعه هدف به عنوان پلی برای نفوذ در افکار و اندیشه ها برای ایجاد تغییر و دگرگونی در باورها استفاده شود. احساسات و عواطف به دلیل تحرک پذیری، زمینه های خلق بحران را فراهم می سازد.<sup>۴</sup>

۲-۲-۲-۷) آسیب محور آسیب های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، میدان مانور جنگ نرم است. دشمنان در جنگ نرم با شناسایی نقاط آسیب جامعه هدف، در حوزه های ذکر شده، فعالیت های خود را سامان داده و با خلق آسیب های جدید، بر دامنه تحرکات خود می افزایند.<sup>۵</sup>

۱) همان.

۲) داوود رنجبران، جنگ نرم، همان، صص 29-35.

۳) همان.

۴) حمید ضیائی پرور، جنگ نرم 1، ویژه جنگ های رسانه ای، همان، صص 28.

۵) حسین، متفکر، جنگ روانی، همان، صص 178.

## ۲-۲-۲-۸) چند وجهی

پر دامنه بودن و برخورداری از وجوه مختلف از دیگر ویژگی های جنگ نرم است. در این جنگ، از تمامی علوم، فنون ها، شیوه ها و روش های شناخته شده و ارزش های موجود استفاده می گردد. ۱.

## ۲-۲-۲-۹) تضاد آفرین

جنگ نرم از محیط های آسیب دار در جامعه هدف شروع می شود و با ایجاد گسل های متعدد در بخش های گوناگون جامعه و از طریق متفاوت کردن باورها، ارزش ها و شکل دهی به رفتارهای جدید، اعضای یک جامعه در برابر همه قرار می دهد. تضادهای به وجود آمده از طریق به وجود آمده از طریق جنگ نرم، هم بستگی اجتماعی و وحدت ملی را بر هم می زند و زمینه های بروز بحران و درگیری های داخلی را فراهم می سازد. بنابراین تخریب وحدت ملی یکی از پیامدها و ویژگی های جنگ نرم است. ۲

## ۲-۲-۲-۱۰) تردید آفرین

در جنگ نرم ایجاد تردید و بدبینی به بسیاری از مسائل یک اصل و قاعده است. حرکت در این جگم با خلق تردید و ایجاد ناامیدی و یأس شروع می شود. برای توفیق در این جنگ، با تکیه بر سنت ها و لیکن با نو پردازی به صورت ظریف و آرام، در باورها و اعتقادات اساسی تردید ایجاد می شود. و به مرور بر دامنه این تردیدها افزوده شده تا در نهایت به ایجاد تغییرات اساسی در باورها و ارزش ها دست یابد. ۳

## ۲-۲-۲-۱۱) استفاده از ابزار روز

در جنگ نرم از پیشرفته ترین تکنیک های روز استفاده می گردد. فضای مجازی و سایبری، محیط اصلی جنگ نرم در شرایط کنونی به حساب می آید. این فضا امکان اغواگری با ایجاد جاذبه های گوناگون و خلق بسته های لازم برای سوار شدن به امواج احساسات را به خوبی فراهم می سازد. ۴

## ۲-۲-۲-۱۲) هدفمند و برنامه ریزی شده

---

(۱) همان.

(۲) حمید ضیائی پرور، جنگ نرم 1، ویژه جنگ های رسانه ای، همان، ص 28.

(۳) حجت الله، مرادی، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، چاپ دوم، ناشر: ساقی، 1389، ص 130.

(۴) حسین، منفکر، جنگ روانی، همان، ص 178.

اگر جنگ را یک نوع رویارویی، مقابله و کشمکش بین دو طرف تصور کنیم، در این جنگ هریک از طرفین به دنبال اهدافی هستند.

مقام معظم رهبری در مورد هدفمند عمل کردن دشمن می فرماید: «آن‌ها ابزارهای متعددی را به کار گرفتند، من وقتی به وسعت ابزارهای دشمن نگاه می‌کنم، می‌فهمم چه قدر برای این‌ها قضیه اهمیت دارد» در حال حاضر بودجه تبلیغاتی یک ساله آمریکا به ۹۰ میلیارد دلار می‌رسد و با ده هزار کانال ماهواره و صدها پایگاه رادیو و تلویزیون و با ده‌ها زبان زنده دنیا به اضافه روزنامه‌ها، مجلات و کتاب‌ها و... تبلیغ می‌کند. مجموعه این دستگاه‌ها، مؤسسات و امکانات باعث شده که یک نویسنده آمریکایی ماشین تبلیغات آمریکا را نیرومندترین سیستم شستشوی مغزی جهان بنامد. «هرگاه تهاجمی، جنگ نرم را علیه مجموعه‌ای آغاز نماید، در جامعه هدف به دنبال دست‌یابی به چهار هدف عمده می‌باشد:

#### ۲-۲-۱) ایجاد تغییر در اعتقادات و باورها

مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف جنگ نرم را باید ایجاد تغییر دگرگونی در باورها و اعتقادات جامعه هدف جنگ نرم دانست. اعتقادات و باورها، اساس حرکت یک جامعه به شمار می‌آیند. هر انسانی براساس باورها و اعتقادات خود به‌زندگی‌اش جهت می‌دهد. بنابراین اگر کسانی بخواهند در مسیر حرکت یک ملت و جامعه خلل یا تغییری ایجاد کنند، باید به سراغ تغییر باورها و اعتقادات آنان بروند. بنابراین در جنگ نرم اساسی‌ترین هدف، ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات است. ۲.

#### ۲-۲-۲) ایجاد تغییر در افکار و اندیشه‌ها

چنانچه دشمنان یک ملت، با جنگ نرم بتوانند در باورها و اعتقادات یک ملتی رسوخ کرده و با ایجاد شک و تردید، آن باورها و اعتقادات را مخدوش و متزلزل نمایند، زمینه‌ها و بسترهای لازم برای هدف بعدی، یعنی ایجاد تغییر در چگونگی فکر کردن و اندیشیدن در حوزه‌های گوناگون فراهم می‌شود. بنابراین هدف عمده دیگر در جنگ نرم، ایجاد تغییر در افکار جامعه است. ۳.

#### ۲-۲-۳) ایجاد تغییر در رفتار

رفتارهای یک جامعه، مبتنی بر اعتقادات، باورها و چگونگی فکر کردن و اندیشیدن افراد آن جامعه می‌باشد. با تغییرات اساسی در این مبانی، مدل‌های رفتاری در حوزه‌های گوناگون تغییر

---

(۱) احمد، طهماسبی، شیخون فرهنگی، همان، صص 37-43/ ابوالفضل، امیری، تهدید نرم تهاجم فرهنگی ناتوی فرهنگی و راهکارها، همان، صص 118-120.

(۲) داوود رنجبران، جنگ نرم، همان، صص 29-35.

(۳) همان.

می کند. در واقع مدل های رفتاری در هر جامعه ای، براساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی فکر و اندیشه در آن جامعه شکل می گیرد. بدیهی است که با تغییر هر نوع باور و اندیشه ای، مدل های رفتاری جدید براساس باورها و افکار جدید جایگزین مدل های قبلی می گردد.<sup>۱</sup>

### ۲-۲-۲-۲ ایجاد تغییر ساختار سیاسی

هدف نهایی در جنگ نرم علیه یک ملت، ایجاد تغییر و دگرگونی در ساختارهای سیاسی آن جامعه و جایگزین کردن ساختارهای جدید می باشد. اهداف ذکر شده در یک فرایند و به صورت خطی دنبال می گردد. با ایجاد تغییر در باورها، افکار و رفتارهای یک جامعه، به صورت طبیعی مدل رفتارهای حمایتی از ساختار سیاسی موجود، تغییر پیدا کرده و مدل های چالشی جایگزین آن می شود. در یک جامعه مردم در شرایطی با نظام سیاسی خود به چالش بر می خیزند که دیگر آن را مشروع ندانند و از نظر آنان مسئولان سیاسی مقبولیت خود را از دست داده باشند. بنابراین مشروعیت زدایی و مقبولیت زدایی برای ایجاد بحران، نا آرامی و بی ثبات سازی در جامعه هدف از کار ویژه های اصلی جنگ نرم به حساب می آید. هرگاه یک نظام سیاسی، مشروعیت و مقبولیت خود را در بین ملتش از دست بدهد، بهراحتی زمینه های لازم برای تغییر آن ساختار و نظام سیاسی و جایگزین شدن یک نظام و ساختار جدید فراهم می گردد. دشمنان انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی، در دهه ی اول انقلاب، تمامی قدرت سخت افزاری خود را برای شکست انقلاب و ساقط کردن جمهوری اسلامی، به صحنه آورده و به شکل های گوناگون از قبیل راه اندازی غائله های تجزیه طلبی در مناطق قومیتی، راه اندازی تروریسم داخلی، طراحی کودتای نظامیو تجاوز نظامی در قالب جنگ تحمیلی، تلاش کردند به اهداف خود برسند. ناکامی دشمنان در همه ی این اقدامات، سبب گردید آنان به این جمع بندی برسند تا زمانی که مردم ایران براساس باورها و اعتقادات دینی و اسلامی خود عمل نمایند، مدافع نظام اسلامی و و لایت فقیه بوده و هیچ قدرتی قادر به شکست جمهوری اسلامی و نظام ولایت فقیه نخواهد بود. بنا براین بر اساس چنین جمع بندی بود که دشمنان از دهه ی دوم انقلاب با هدف ایجاد تغییر در باورها و اعتقادات مردم ایران تهاجم فرهنگی خود را آغاز کرده و اکنون تهدیدات آنان علیه ملت ایران، وارد مرحله جنگ نرم شده است. آنان بر این تصور هستند که با ایجاد تغییر در موارد پیش گفته، می توانند در کفایت جمهوری اسلامی را ساقط و یک نظام غیر دینی جایگزین آن کنند.<sup>۲</sup>

### ۲-۲-۲-۱۳ نامرئی و نامحسوس

۱) حجت الله، مرادی، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، همان، صص 132.

۲) داوود رنجبران، جنگ نرم، همان، صص 29-35.

تهاجم فرهنگی واقعیتی است که وجود پنهان آن بسیار فراتر از ابعاد آشکار آن است. دشمن با بهره گیری از سیاسی نفوذ و ضربه، ملت مورد تهاجم را ناخود آگاه تسلیم نموده و آنان را به تمکین در برابر خواست قدرت ها وادار می نمایند. روش های فرهنگی همواره آرام و خزنده هستند و در برخورد های سطحی، حساسیتی را بر نمی انگیزند، ضمن این که درک اهداف و نقشه های مجریان آن ها نیز به راحتی امکان پذیر نیست. مستر همفر جاسوس انگلیس در کشورهای اسلامی می گوید دبیر کل گفت: جنگ های صلیبی فایده ای نداشت؛ همان گونه که قوم مغول نتوانستند اسلام را ریشه کن سازند. زیرا عملیات آنان، دفعی، بدون برنامه و نقشه قبلی بود. آن ها عملیات نظامی انجام می دادند که نگی علنی و آشکار بود، از این روی در مدتی کوتاه از بین رفتند. اما امروزه حکومت با عظمت ما در فکر این است که اسلام را از داخل با یک نقشه ی مطالعه شده و دقیق با بینش و به مرور زمان نابود سازد. البته این برنامه نیز در آخر کار نیازمند یک لشکر کشی و یورش هست؛ ولی این کار موقعی انجام می گیرد که بلاد اسلامی را سقوط داده و از هر سو کلنگ ویرانی بر پیکر اسلام وارد آورده ایم که دیگر قدرت جمع آوری قوا و مقابله در برابر جنگ نداشته باشد. مقام معظم رهبری در باره این خصیصه فرهنگی می فرماید: «تهاجم فرهنگی مثل خودکار فرهنگی، یک کار آرام و بی سر و صدا است. اگر شما و ملت و عناصر فرهنگی بیدار نباشید خدای ناخواسته صدای فرو ریختن ارزش های معنوی که ناشی از تهاجم پنهانی و زیرکانه ی دشمن است، هنگامی در می آید که دیگر قابل علاج نیست» تهاجم فرهنگی با داشتن این ویژگی توانسته است در ملل مختلف کارساز باشد و خودی ها از این غافل باشند.<sup>۱</sup>

### ۲-۲-۱۴) دراز مدت و دیر پا

تهاجم فرهنگی به همان میزان که نتیجه و محصول خود را دیر به دست می آورد، اثری هم که بر جای می گذارد دیر پا و دراز مدت است و به آسانی از روح و فکر جامعه زایل شدنی نیست. یکی از صاحب نظران در این باره معتقد است: «فرهنگ امری دیرپا و پایدار است و در جهت تکوینی نیز درازمدت پدید می آید. این طور نیست که در فاصله ی زمانی کوتاه شکل بگیرد و یا از بین برود، بدین لحاظ این امر از اموری است که به زمان نیاز دارد و افرادی هم که در این زمینه فعالیت می کنند به ناچار باید صبور، بردبار و آینده نگر باشند باید سال ها به جدیدیت تلاش کنند به انتظار این که روزی نظاره گر اثرات، فعالیت ها، زحمات و تلاش های طاقت فرسای خویش باشند و گاهی اتفاق می افتد که نتایج کار مدت ها پس از مرگ ایشان نمودار می شود»<sup>۲</sup>

۱) احمد، طهماسبی، همان، صص 37-43 / ابو الفضل، امیری، تهدید نرم تهاجم فرهنگی ناتوی فرهنگی و راهکار ها، همان، صص 118-120.

۲) همان.

## ۲-۲-۱۵) ریشه ای و عمیق

اگر فرهنگ را سنگ زیرین بنای یک جامعه و تمدن بدانیم که می دانیم؛ دشمن در صدد است با سلیقه ی خود آن را کج نموده و ریشه ی فرهنگ پربار اسلامی را از بیخ و بن بر کند تا با قطع آن تمامی شاخه های سیاسی، اقتصادی، حقوقی و... از بین برود، از این رو باید دانست که تهاجم فرهنگی هم ریشه ای و عمیق است و لحظه ای غفلت از آن زیان های جبران ناپذیری را به مملکت وارد می سازد.۱

## ۲-۲-۱۶) همه جانبه

ویژگی دیگر تهاجم فرهنگی همه جانبه بودن آن است یعنی از یک طرف اگر حمله ای از طرف دشمن صورت گیرد، تنها در یک بعد سیاسی، اجتماعی یا اقتصادی، نیست. و از طرفی شامل همه اقشار جامعه خواه کودک، زن و مرد و خواه و خواه پیر و جوان باشد، شامل می شود. دشمن برای وسعت بخشیدن به این حمله ها از هر ابزار و وسیله ای اسفاده می کند. دشمن برای رسیدن به این منظور بیشتر از ابزاری نظیر: مطبوعات، رسانه ها، سینما، ورزش، نوع آرایش و پوشش و... با قصد شمول بخشیدن به تهاجم خویش بهره می گیرد.

## ۲-۲-۱۷) توجه خاص و اساسی به جوانان و زنان

حضرت امام (ره) در وصیت نامه ی سیاسی الهی خویش به این ویژگی اشاره می فرمایند: «نقشه آن است که جوانان را از فرهنگ و ادب و ارزش های خودی منصرف کنند و به سوی شرق یا غرب بکشانند و دولت مردان را از بین این ها انتخاب و به سرنوشت کشورها حکومت دهند تا به دست آن ها هر چه می خواهند انجام دهند. روزنامه نگار و نویسنده ی روزنامه نیویورک تایمز در گزارش خود می نویسد: جمعیت کنونی ایران به سه قسمت تقسیم می شوند:

۱. نسل اول: کسانی که علیه شاه انقلاب کرده اند و اکنون پیر و فرتوت شده اند.

۲. نسل دوم که جنگ هشت ساله را اداره کرده اند.

۳. نسل سوم که دوران حکومت جمهوری اسلامی رشد یافته اند. وی نسل اول را به استبداد و حکومت زورمدارانه بر ملت متهم می کند و نسل دوم را باخته می نامد و توصیه می کند که آمریکا باید نسل سوم امید بسته و با سرمایه گذاری بر روی این نسل، تغییرات دلخواه خود را به وجود بیاورد و نظام جمهوری اسلامی را کنار بزند.

---

(۱) عباس، فیروز، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، ص 65.



بخش سوم

آسیب های مهاجم فرهنگی

و

نقش زنان در مقابله

با مهاجم فرهنگی

## فصل اول

# آسیب های تهاجم فرهنگی

## نسبت به زنان

مسأله سبک زندگی با مسائل سیاسی عجین شده است. به دلیل اینکه اگر در کشوری یک سیستم سیاسی بتواند بر سیستم دیگری پیروز شود، قطعاً فرهنگ و سبک زندگی خود را هم به جامعه و سیستم تحمیل می‌کند و وقتی یک شبکه ماهواره‌ای یا سایت اینترنتی یا نشریه و رسانه از طریق یک کشور اداره می‌شود قطعاً از آن سیستم و منافعش حمایت می‌کند و به دنبال اهداف او حرکت خواهد کرد، مثلاً وقتی که دولت انگلیس شبکه بی‌بی‌سی فارسی را با هزینه میلیاردی به زبان فارسی تأسیس می‌کند خیلی ساده لوحانه است اگر خیال کنیم به خاطر دلسوزی برای مردم ما این کار را کرده است لذا هر کشوری و نظامی و مردمی باید به دنبال منافع و اهداف خودشان باشند. ما زمانی می‌توانیم سبک زندگی و هویت ایرانی و اسلامی خود را حفظ کنیم که با بالا بردن آگاهی و رشد فکری و اعتقادی مردم، خود خانواده‌ها را مسئول حفظ هویت خود و بچه‌هایشان کنیم. از زمانی که تلویزیون اختراع شد و در تمام جهان پخش شد سبک زندگی مردم عوض شد مالکان این شبکه‌ها و افرادی مثل رابرت مرداک مؤسس فارسی وان که ده‌ها شبکه و خبرگزاری دارد دنبال این هستند که در راستای اهداف اندیشه لیبرالیستی خود یک همسان سازی فرهنگی ایجاد کنند و الگوی خاصی در زندگی از خوردن، پوشیدن، آرایش، ارتباطات، سلیقه‌ها و رفتارهای اجتماعی سیاسی ارائه دهند یعنی تقریباً الان اکثر مردم دنیا آن طوری رفتار می‌کنند که گردانندگان این شبکه‌ها می‌خواهند.

ما تأثیر ماهواره را بر روی شیوه همسررداری، تربیت فرزندان، مراسم عروسی، لباس، مد، آرایش، روابط اجتماعی، و حتی بازار می‌توانیم مشاهده کنیم.

یکی از سیاست مداران غربی می‌گوید ما اگر نتوانستیم دیوار بلند چین را برداریم اما رسانه‌های ما توانستند این سد را بشکنند و مظاهر زندگی غربی مثل نوع غذا، موسیقی غربی، رفتارهای اجتماعی را در کشور چین گسترش دهند.

امروزه حیا با خیلی از خانه‌ها خداحافظی کرده و جای خود را به دجال خانه (ماهواره) داده و چقدر پدر و مادر و خانواده‌ها دسته جمع بی‌حیاحی را می‌بینند و سکوت می‌کنند امروزه بی‌حجابی چنان مد شده است که خانواده‌ها از هم گوی سبقت می‌گیرند. امروزه در کشور ما هم شاهد این آسیب‌ها هستیم که برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

### ۳-۱-۱) پست انگاشتن نقش‌های زنانه

یکی از مهم‌ترین عوامل آسیب‌زای زنان در تهاجمات فرهنگی که موجب می‌شود زنان جامعه ما متأثر از فرهنگ غرب شوند و توان رویارویی و مقابله با آن را از دست دهند، مسأله پست انگاشتن

نقش‌های زنانه است. نقش‌های حیاتی همچون زایش که استمرار نسل بشریت بدان بسته است و تربیت فرزند که زن را در جایگاه انحصاری مربی بشریت می‌نشانند و تدبیر منزل و گرم نگه داشتن کانون خانواده که سلول تشکیل دهنده جامعه است.

نگرش پست‌انگارانه به نقش‌های عظیم حیاتی، علاوه بر این که زنان را از استمرار ایفاء این نقش‌ها هم راه با عزت و رضایت بازمی‌دارد، سبب می‌شود نقش خود را در هدایت اعضای خانواده و مقابله با تهاجمات فرهنگی بسیار کم رنگ بیان‌کنند و نهایتاً به جای فعال برخورد کردن دچار انفعال گردند و به جای مقابله با ضد ارزش‌ها خود رنگ و روی ارزش‌های غربی را بگیرند. مادری که برای نقش مادری خود در منزل ارزش و اهمیت قائل نباشد و نداند که چقدر در سعادت یا شقاوت جامعه می‌تواند مؤثر و مفید باشد، طبیعی است که توان رویارویی با تهاجمات فرهنگی را در خود نمی‌بیند. متأسفانه یکی از تلاش‌های عمده استحاله‌گران فرهنگی برای کاستن نقش زنان در عرصه‌های مختلف تأثیرگذاری، این بود که نقش مادری را یک نقش غیرفعال و منفعل قلم داد نمایند. وقتی نظریه‌پرداز فمینیسم خانم «سیمون دوبوار» مطرح می‌نماید که مادری یک نقش منفعل، در قبال نقش فعال آقایان می‌باشد و از عمده‌ترین توصیه‌های ایشان به زنان این است که زیر بار مسئولیت مادری نروند و دست و پای خود را با مشکلات ناشی از این مسأله نبنند. این القاء و این طرز تفکر، آرام آرام مسأله مادری و اهمیت و تأثیر آن را در جامعه در منظر زنان روبه افول می‌گذارد و به جایی می‌رسد که یک خانم خانه‌دار فقط صرف این که مشغله دیگری جز مادری و خانه‌داری ندارد، این را برای خود یک ننگ و ضدارزش می‌داند و دچار اضطرابات روانی و مشکلات عدیده‌ای می‌گردد و کار خود را یک کار غیرمفید تلقی می‌کند و تمام تلاش او مصروف این می‌گردد که در هر صورت یک شغلی را برای خود دست و پا کند تا احساس کند که عضوی مفید و مؤثر در جامعه می‌باشد. حتی اگر این شغل از نظر رتبه اجتماعی در پائین‌ترین مرتبه باشد، او آن را مفید می‌داند ولی مسئولیت مادری و کار با ارزش خانه‌داری را یک کار غیرمفید و غیرضروری می‌بیند و به این شکل نقش‌آفرینی زنان در عرصه حیات بی‌ارزش قلمداد می‌شود، و این خود از عمده‌ترین آسیب‌های فرهنگی در عرصه تهاجمات می‌باشد.

از نظر روانشناسان وقتی فردی نقش خود را در جامعه یک نقش غیرمفید و غیرارزشمند بداند، دچار نوعی احساس حقارت، خود کم‌بینی و از خود بیگانگی می‌شود و درصدد جبران این مسأله برمی‌آید و متأسفانه عمدتاً برای جبران، سعی می‌کند با پناه آوردن به فرهنگ بیگانه و تشبه به آنان

و ایجاد مشغله‌های کاذب مثل رفتن به ویدئوکلپ‌ها، سالن‌های بدنسازی و مسائلی از این قبیل، جبران احساس حقارت و کهنتری خود را نماید.

و این مسأله خود، برداشتن اولین گام برای اثرپذیری از فرهنگ غرب می‌باشد و آرام ، آرام بدون این که خود متوجه شود در عرصه تأثیرپذیری از فرهنگ غرب قرار می‌گیرد و آسیب‌پذیر می‌شود و باید توجه داشت که دشمن هم بیش‌ترین کمین‌گاه‌های خود را در این مراکز قرار داده است. ۱.

### ۳-۱-۲) نادیده انگاشتن نهاد خانواده

ازدواج و تشکیل خانواده، مطمئن‌ترین راه سلامت و امنیت جامعه است. هنگامی که مبانی خانواده مستحکم باشد و جوانان به ازدواج و تشکیل خانواده بپردازند، انحطاط، سرگردانی، طغیان، تجاوز جنسی و شیوع بیماری‌های خطرناک جنسی به طرز چشم‌گیری کاهش می‌یابد. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی و پژوهش‌های کانون‌های اصلاح و تربیت ایران، بیشتر افرادی که به نوعی به انحراف کشیده می‌شوند از فضای گرم و عاطفی خانواده محروم بوده و آغوش پدر و مادر را تجربه نکرده‌اند ۲ هر گونه تغییر مثبت یا منفی در خانواده، در جامعه بزرگ انسان‌ها نیز تأثیر مستقیم دارد. ثبات یا بی‌ثباتی خانواده مستقیماً بر جامعه تأثیرگذار است. در جوامعی که ارزش‌های خانواده متزلزل می‌گردد بی‌شک ارزش‌های اخلاقی عمومی نیز سقوط خواهد کرد.

ادل هارل متخصص انستیتوی امور شهری در واشنگتن در این رابطه خاطرنشان می‌کند حدود ۳۰٪ از پرونده‌های قتل و تجاوز و دزدی و حملات خشونت‌آمیز مربوط به کسانی است که دارای خانواده‌های از هم گسیخته‌اند که با پدر و مادر زندگی نمی‌کنند. به گفته هارل، نفوذ فرهنگ گانگستری در بین جوانان که محصول خانواده‌های از هم پاشیده است، از عوامل مهم افزایش جنایات در آمریکاست.

تحقیقات در مراکز کانون اصلاح و تربیت هم نمایانگر همین مسأله است. به هر حال، یکی از عوامل مهمی که توفیق مهاجمان را در تأثیرگذاری بالا می‌برد و زنان جامعه را آسیب‌پذیر می‌نماید، ایجاد تزلزل در کانون‌های خانواده است چرا که در صورت تزلزل در کانون خانواده به عنوان مهم‌ترین نهاد اجتماعی، تحول کلی در نظام ارزشی و فرهنگی جامعه ایجاد می‌شود. الان این گونه‌القاء

---

۱) [www.hawzah.net/tahajomefarhangy.blogfa.com](http://www.hawzah.net/tahajomefarhangy.blogfa.com)

۲) همان.

می‌شود که رفتارهای ناهنجار و ستمهای روا شده بر زن به خاطر وجود نهاد خانواده و ازدواج قانونی و شرعی است و سعی بر این است که قداست و سلامت این نهاد ارزشمند شکسته شود و عرضه تئوری‌های ناهنجاری چون «ازدواج آزاد»، جدانگاری مناسبات جنسی از روابط خانگی و باروری و تولیدمثل، خانواده‌های تک‌والدینی، معاشقه آزاد و ... آفت دیگری است که پی‌آوردها و عوارض جبران‌ناپذیر فراوانی را برای جامعه بشری سبب شده است که مهم‌ترین آنها ایجاد بحران روحی زنان بی‌عاقبت و عقبه، بی‌پناه و پشتیبان، غم زده و شکست خورده در حوزه عاطفی از عمده‌ترین معضلات این مسأله است.

وجود همین بحران برای برخورد منفعلانه زنان در قبال فرهنگ غرب کفایت می‌نماید و همین مسأله موجب می‌شود که دشمن بیشترین موفقیت را در تغییر فرهنگ زنان به دست آورد و در چنین فضایی امکان هر گونه مقابله و رودررویی با تهاجمات فرهنگی در زنان از بین می‌رود. به همین جهت است که غرب برای ایجاد همسانی بین فرهنگ زنان جامعه ما با فرهنگ خودشان، در پی دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده می‌باشد. به عقیده خانم «سیمون دوبوار» نظریه‌پرداز فمینیسم آن چه زن را در قید بندگی نگه می‌دارد، دو نهاد عمده ازدواج و مادری است! وی نظام خانواده را به عنوان رکنی برای حیات اجتماعی و پرورش انسان‌های سالم به شدت مورد حمله قرار می‌دهد و ازدواج را نوعی فحشای عمومی و عامل بدبختی زنان می‌داند!

فمینیست‌های رادیکال هم، نسخه جدایی زنان از مردان را برای رهایی زن از زیر سلطه مرد می‌پیچند. و نظریه زوج آزاد را به عنوان مهم‌ترین راه کار برای رهایی از بردگی ازدواج می‌دانند. چرا که این ازدواج نوعی همزیستی مشترک میان زن و مرد است که بر مبنای آن، هیچ مسئولیت حقوقی بر عهده طرفین نمی‌آید، بلکه فقط پاسخی به نیازهای جنسی، بدون در نظر گرفتن وجوه عاطفی آن است.

اما در اسلام، خانواده هسته اصلی جامعه است و محبوب ترین بنا در نزد خداوند، بنای خانواده است و ازدواج یکی از مهم‌ترین سنت‌های نبوی و جزء عوامل اصلی برای حفظ دین به حساب می‌آید که اعراض از آن، مسلمانان را از صف پویندگان راه رسالت خارج می‌نماید

آن چه که آسیب‌پذیری زن را در مقابل تهاجمات بی‌امان دشمن افزایش می‌دهد، تزلزل خانواده و نادیده انگاشتن نقش این نهاد مهم اجتماعی و مهم‌تر از آن کم رنگ کردن نقش محوری مادر در کانون خانواده است، زنان را با واژه‌های بسیار دلپذیر و غرور آفرین، از کانون‌های گرم خانواده به بهانه‌های مختلف به بیرون از منازل می‌کشاند و ضمن این که کانون خانواده را از حضور گرم و عاطفی مادران محروم می‌کنند، آرام آرام فرهنگ خود را به آن‌ها القاء می‌نمایند.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۳) بی‌اعتنایی به ارزش‌های اخلاقی

اهمیت اخلاق و تزکیه نفس در سلامت انسان ها و جوامع مختلف و نجات آنها از مشکلات و مفسدات اجتماعی و تهاجمات فرهنگی بر کسی پوشیده نیست. در فرهنگی که بر اساس بینش اومانیستی و لیبرالیستی، انسان را به آزادی بدون قید و بند دعوت می‌نماید و به او می‌گوید هر چه می‌خواهی بخور و هر چه می‌خواهی بپوش و هر کاری را که تمایل داری انجام ده، بر اساس این بینش دیگر معنای معقولی برای صحبت از حجاب و عفت و... نمی‌ماند، در چنین فرهنگی اصل بر برهنگی است و حجاب حالتی است که انسان در پذیرش یا رد آن آزاد است. با این مبنا دیگر مسأله‌ای به نام اخلاق، نهاد خانواده و ارزش‌های دیگر قداستی نخواهد داشت. در چنین فضایی افراد در مقابل تهاجمات فرهنگی، آسیب‌پذیر می‌شوند و شدیداً متأثر از فرهنگ بیگانه.

یکی از تلاش‌های عمده دشمن برای توفیق یافتن در تحقق اهداف شومش، مسأله ایجاد حالت بی‌اعتنایی به ارزش‌های اخلاقی است. او می‌کوشد تا با شکستن قداست و حرمت ارزشها در منظر فرد، او را نسبت به مسائل ارزشی، لابلالی و دچار اباحه‌گری نماید و فرد وقتی دچار اباحه‌گری گردید، دیگر امکان مقابله با تهاجمات بی‌امان فرهنگی را هم از دست می‌دهد و دقیقاً دشمن همین طرح شوم را در رابطه با زنان جامعه اسلامی ما به اجرا گذاشت. با نقش‌ها و تاکتیک‌های بسیار کارشناسانه و دقیق، ابتدا هجمه‌ای ناجوانمردانه به نظام ارزشی زنان وارد نمود و با ایجاد شبهه و تردید نسبت به مقدساتی مثل حجاب، عفت، حیا و... باور زنان را نسبت به این ضرورت‌های دینی دچار تزلزل نمود و بعد هم مسأله ارزشی مهم حجاب را به عنوان یک عامل ضدارزش و وسیله دست و پا گیر و عاملی برای به بندگی کشیدن زن مطرح نمود و سپس با رواج الگوهای ساخته شده دست

---

۱) tahajomefarhangy.blogfa.com / حمید ضیائی پرور، جنگ نرم 1، ویژه جنگ‌های رسانه

ای، همان، ص 38.

خود، زنان را به سوی بدحجابی و بی‌حجابی کشاند و متأسفانه در این عرصه توانست توفیقات زیادی را هم به دست آورد. وقتی دژ مستحکم حیا و عفت در هم ریخته شد، متأسفانه دیگر هیچ گونه امکان مقابله با تهاجمات فرهنگی برای زنان وجود ندارد و آرام آرام آنان را به سوی هت‌ک حرمت و ذبح تمامی ارزشهای اخلاقی و انسانی سوق می‌دهند.

نگاهی دقیق به تلاش گسترده دشمن در سالهای اخیر به تخریب ارزش‌های دینی و اخلاقی در مراکز علمی - فرهنگی، مؤید این مطلب است. اگر هر روز می‌بینیم که یکی از ارزشهای دینی در بردهای دانشجویی ناجوانمردانه مورد هجوم قرار می‌گیرد و شبهات پی در پی به نظام فکری و اعتقادی دختران دانشجو وارد می‌گردد، آیا انتظار می‌رود در این فضا دانشجوی تازه‌واردی که به دلیل اشتغال به تحصیل در طول دوران دبیرستان، کمتر به فکر تقویت بنیان‌های فکری و عقیدتی خود بوده است و در این زمینه دچار عوام‌زدگی می‌باشد، هنگام مواجهه با این محیط مسموم، بتواند مقاومت نماید. طبیعی است که ما در دانشگاه‌ها شاهد فروپاشی نظام اعتقادی دختران جوان باشیم و تعارض‌های شدیدی که آنان دچار می‌گردند و نهایتاً رنگ باختن ارزش‌های دینی و اخلاقی آنها در چنین فضای آلوده، امری اجتناب‌ناپذیر است و کسانی که از نزدیک با این قشر سروکار دارند، دقیقاً شاهد این فاجعه بزرگ می‌باشند.

به هر حال یکی از راهبردهای مؤثر دشمن در نبرد فرهنگی، ایجاد روحیه بی‌اعتنایی نسبت به ارزشهای اخلاقی است. با رواج این مسأله که ارزش‌ها اموری اعتباری هستند و پایه و اساسی ندارند و تابع یک سلسله شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص هستند و از هیچ گونه قداست و حرمتی برخوردار نمی‌باشند، آرام آرام خود را بر فرهنگ ارزشی جوانان ما می‌گذارند و زنان هم با تأثیرپذیری از فرهنگ بیگانه، دگرگون می‌شوند. در این صورت است که دیگر زنان ما حاضر نخواهند شد که برای حفظ ارزش‌های دینی و اخلاقی پایداری نمایند.

دشمن برای تخریب ارزش‌ها با استفاده از تئوری محتاج‌نان کردن و سرگرم نمودن به لهویات، به گونه‌ای برنامه‌ریزی نمود که با ایجاد نیازهای کاذب اقتصادی و همچنین ایجاد سرگرمی‌های پوچ، یک اقدام مؤثر جهت تغییر ارزش‌ها در قشر زنان ایجاد نمود. به صورتی که برخی زنان جامعه ما به این باور رسیدند که صرف وجود یک حقوق و اکتفاء به درآمد همسر، کفایت امور اقتصادی را نمی‌نماید پس باید حتماً به دنبال اشتغال بود و این فکر به صورت جدی در جامعه زنان ایجاد شد و در واقع با توجه به نیازهای کاذب اقتصادی که ایجاد شد، واقعا هم حقوق مردان پاسخگوی رفع



نیازها نبود و از سوی دیگر با ایجاد این تفکر که زنان نیاز به تنوع، تفریح و ... دارند آنان را از منازل بیرون کشیدند. نتیجه این اقدام، سست شدن بنیان خانواده و بازداشتن آنها از اصیل‌ترین نقش آنها که همان نقش همسری و مادری است، گردیده و با یورش به نظام ارزشی زن، سعی کردند او را دچار تغییر در نظام ارزشی نمایند تا جایی که دیگر هیچ گونه اثری از پایبندی و احساس مسئولیت و ایثار و فداکاری که از ویژگی‌های زن ایرانی و مسلمان در قبال خانواده بود، باقی نماند و چه بسا اگر به هوش نباشیم و اقدامات لازم را معمول نداریم، به آنجا برسند.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۴) ضعف ایمان و خدا فراموشی

#### ۳-۱-۴-۱) خود فراموشی

سؤال مهمی که برای انسان متفکر ضروری می‌نماید این است که: آیا عالم بر انسان تأثیر می‌گذارد یا او بر عالم؟ خداوند می‌فرماید: «ولا تكونوا کالدَّینِ نسوا اللهَ فأنسَهُمُ أنفُسَهُمَ ولئکَ هُمُ الفسِقونَ»؛ «هم چون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آن‌ها را به خود فراموشی گرفتار کرد، آن‌ها فاسقند»

#### ۳-۱-۴-۲) خدا فراموشی

از آن جا که انسان بالفطره خداجوست؛ شیطان از طریق هواپرستی، بسترهای مختلفی را برای انحراف این سرشت به کار می‌گیرد که ماهواره یکی از آن‌هاست. ماهواره با برنامه نامناسب نیز باعث خدا فراموشی در انسان می‌شود. خداوند درباره‌ی کارهای منافقان می‌فرماید: «مردان منافق و زنان منافق، همه یک گروهند، آنها امر به منکر و نهی از معروف می‌کنند؛ و دست‌هایشان را (از انفاق و بخشش) می‌بندند؛ خدا را فراموش کردند، و خدا نیز آن‌ها را فراموش کرد.»

اگر آمار طلاق، دزدی و انحرافات اخلاقی و... را در بین زنان جامعه نسبت به گذشته بالا می‌بینیم به جهت این است که در پی تهاجمات فرهنگی دشمن، خدا فراموشی در بین افراد جامعه پدید آمده است.

عدم توجه به آخرت و یاد خداوند، مهم‌ترین عامل برای ایجاد زمینه تاخت و تاز شیطان و شیطان‌نماهاست. همان طور که در آیه مبارکه قرآن آمده است: «و من یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین ... ؛ هر کس از یاد خدا رخ بتابد شیطان را برمی‌انگیزیم تا یاور و همنشین دائم وی باشد»، در اثر فراموشی خداست که رفتاری‌ها و ناهنجاری‌ها در جامعه گسترش پیدا می‌نماید. اگر یک نگاه جامعه‌شناسانه و دقیق به معضلات اجتماعی و انحرافات اخلاقی داشته باشیم بسیاری از آنها ریشه در همین مسأله دارد. چرا که یکی از عوامل عمده و مهم بازدارنده انسان از گناه و مفاسد،

(۱) [www.hawzah.net/tahajomefarhangy.blogfa.com](http://www.hawzah.net/tahajomefarhangy.blogfa.com)

ذکر و یاد خداست. همان طور که در آیه مبارکه آمده است، اگر یاد خدا نباشد همنشین انسان شیطان می‌شود و طبق آیات دیگر قرآن، کار شیطان: ایجاد گمراهی<sup>۱</sup>، غرور<sup>۲</sup>، عداوت و بغضاء<sup>۳</sup>، نزاع و درگیری<sup>۴</sup>، امر به فحشاء و منکر<sup>۵</sup>، زیبا جلوه دادن اعمال سوء<sup>۶</sup>، جدال و درگیری<sup>۷</sup>، تبتذیر و اسراف<sup>۸</sup>... می‌باشد.

اگر در بین زن و شوهر عداوت و نزاع و درگیری و جدال وجود دارد و تحمل و مقاومت خانم‌ها در قبال مشکلات و مسائل اجتناب ناپذیر زندگی دنیایی کاهش یافته است و یا فحشاء و منکر در جامعه رواج پیدا نموده و اعمال زشت و ناپسند به عنوان هنجار و ارزش در جامعه نمود پیدا نموده است و تبتذیر و اسراف به جای صفت ارزشمند قناعت قرار گرفته و کم‌تر روحیه صبر و تحمل و ایثار و هم‌دلی و همکاری در جامعه وجود دارد آیا چیزی جز فراموشی یاد خدا و نزدیکی به شیطان است؟ و آیا این‌ها جز نتایج نزدیکی دایم و همنشینی با شیطان است. جامعه ما کم و بیش تبدیل به جامعه‌ای شده است که در یک مقاطع خاصی رویکرد مقطعی نسبت به یاد و ذکر خدا دارد و افراد با حضور در محافل و مجالس مذهبی، این نیاز روانی خود را پاسخ می‌دهند. ذکر و یاد خدا به صورت مقطعی به طور طبیعی نمی‌تواند در بازدارندگی انسان از فحشاء و فساد و مسائل ضداخلاقی تأثیرگذار باشد و تنها زمانی یاد و ذکر خداوند می‌تواند ما را از فحشاء و زشتی‌ها بازدارد که به صورت مستمر و دایم باشد و در حال حاضر جامعه ما فقط در اوقاتی خاص اکتفا به ذکر و یاد خدا می‌نماید و در بقیه اوقات آن گونه زندگی می‌کند که خود می‌خواهد و یاد خداوند را به فراموشی می‌سپارد؛ این است که از آثار خوب این مسأله هم بی‌بهره می‌ماند. البته دشمن با ایجاد اشتغالات فکری و

---

(۱) ۶۰ / نساء.

(۲) ۱۲۰ / آل عمران.

(۳) ۹۱ / مائده.

(۴) ۵۳ / اسراء.

(۵) ۲۱ / نور.

(۶) ۳۸ / عنکبوت.

(۷) ۱۲۱ / انعام.

(۸) ۲۷ / اسراء.

ذهنی کاذب و غیرواقعی سعی در فراموشی یاد خدا می‌کند چرا که در این صورت است که می‌تواند نقشه‌های شیطانی خود را به اجرا گذارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۴-۱-۳) افسردگی و بیماری های روانی

افسردگی یکی دیگر از بیماری هاست که می‌تواند دامنه گیر روح بشر در اثر مشاهده ماهواره باشد به علت این که ماهواره، هرگونه تحرک و فعالیت را از انسان گرفته و روح او را از هرگونه فعالیت و تحرک باز میدارد و در واقع به جای این که روح بشر را فعال و رسیدن به کارهای مثبت بکند او را منفعل و بی تحرک می‌کند که روح در اثر آن پس از مدتی افسرده می‌گردد. خداوند می‌فرماید: «آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد؛ و آن کس را که به خاطر (اعمال) خلافش) بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آن چنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود.»

### ۳-۴-۱-۴) تغییر الگوی فرهنگی

با توجه به جوان بودن جمعیت کشور، علاوه بر تأثیر شبکه های ماهواره ای بر نحوه نگرش جوانان به بسیاری مسائل از جمله مد لباس و آرایش نیز هستیم. نکته قابل توجه در این زمینه این است که الگوهای جمعی در جامعه به شدت در حال تضعیف و فرد گرایی و توجه به خود، در حال رشد است. آراستگی و زیبایی ظاهر جوان امروز که مورد پسند اوست به گون های متفاوت الگوهای جمعی است که فرهنگ سنتی جامعه برای او ترسیم می‌کند. یکی از دلایل پر رنگ شدن این موضوع، گسترش روز افزون استفاده از ماهواره در خانواده ها می‌باشد. در جامعه جوانی مثل ایران، انتخاب نوع پوشش و سبک آرایش، بی تأثیر از برنامه های ماهواره نیست. با نگاهی کوتاه به این مسأله متوجه می‌شویم که نفوذ فرهنگ غرب آرام آرام وارد کلیه اندام های درخت کهن سال فرهنگ ایران می‌شود و خود را به سرعت ناباورانه ای به عنوان بخشی از فرهنگ جوانان عرضه می‌کند. بدحجابی زنان که طبعا پیامدهایی هم چون آرایش و عشوه‌گری و امثال آن همراه دارد مردان مخصوصا جوانان را در یک حال تحریک دائم قرار می‌دهد تحریکی که سبب کوبیدن اعصاب آن ها و ایجاد هیجان های بیمارگونه عصبی و گاه سر چشمه امراض روانی می‌گردد.<sup>۳</sup>

۱) طهورا، ص 80/ حمید ضیائی پرور، جنگ نرم 1، ویژه جنگ های رسانه ای، همان، ص 38.

۲) حمید ضیائی پرور، جنگ نرم 1، ویژه جنگ های رسانه ای، ص 28.

۳) احمد، بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ج 3، تهران، ناشر: انتشارات الاسلامیه، 1382، ص 293.

### ۳-۱-۴-۵) افزایش آمار طلاق

یکی از آثار منفی در روابط آزاد دختر و پسر افزایش آمار طلاق است. زیرا در این گونه روابط اگر به ازدواج بینجامد بر اثر ظواهر، احساسات، بدون در نظر گرفتن معیار های صحیح ازدواج بوده و بعد از گذشت مدتی که از زندگی مشترک می گذرد تازه متوجه می شوند ازدواج آن ها بر پایه ی عشقی سطحی صورت گرفته است، و علاقه وافر اجازه نداده تا عیب های طرف مقابل را ببینند و در نتیجه اختلافات شروع و منجر به طلاق می شود. ۱ اگر پسر از رابطه ی قبلی همسر خود با فرد دیگری بی خبر باشد و بعد متوجه شود بی اعتمادی در روابط زناشویی شکل می گیرد، از سوی دیگر کسانی که روابط خارج از تعهد را تجربه کرده باشند در زندگی مشترک هم متعهد به حفظ اصول خانوادگی نیستند در نتیجه باعث ایجاد طلاق می شود: نکته دیگری که غالباً از آن غفلت می شود آن است که در ازدواج های سالم، دختر و پسر اولین رابطه جنسی را در کنار هم و با هم تجربه می کنند و آن جذابیت اولیه به افزایش ارتباط عاطفی آنان می انجامد. ۲

یکی دیگر از عوامل افزایش طلاق؛ پیامدهای مخرب بد حجابی در جامعه، آسیب دیدن کانون گرم خانواده است. وقتی مردان هر روز با انواع و اقسام خانم ها، آرایش ها، مدها، مدل ها، لباس ها و چهره ها در محل کار، خیابان ها، دانشگاه ها و حتی در وسایل نقلیه رو به رو می گردند. انگیزه آن ها نسبت به همسرانشان کاهش می یابد چنان چه طنزهای و عشوه گری بعضی از دختران و زنان در کوچه و بازار مورد توجه مردی قرار گیرد. آن زمان است که به اشکال تراشی و بهانه گیری از همسر خود روی می آورد و زمینه برای از هم پاشیده شدن خانواده فراهم می شود. بررسی ها نشان می دهد که با افزایش بد حجابی در جامعه علاوه بر این که آمار طلاق زیاد می گردد ازدواج های بدون شناخت و سطحی نیز که بیشتر آن ها بعد از مدتی بر طلاق منجر می شود. نویسنده کتاب بهشت جوانان به نقل از سرپرست مجمع قضایی خانواده می گوید: آیا برای ازدواجی که نطفه آن در دیدارهای سطحی خیابان بسته می شود و ملاک ها تنها صورت ظاهر و به رخ کشیدن ثروت و نشان دادن پیراهن و شلوار بر اساس مد روز باشد. سرنوشتی جز این را می توان انتظار داشت. «۳ آمارهای قطعی و مستند نشان می دهد که با افزایش بدحجابی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا بطور مداوم بالا رفته است، زیرا عملاً زنان به صورت کالای مشترکی (لااقل در

۱) محمد، سقزاده، حمزه کریم خانی، هجوم خاموش، چاپ هشتم، قم، ناشر عطریاس، ۱۳۹۱، ص ۲۰۳.

۲) نگاه ویژه، باز خوانی، روابط دختر و پسر [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net).

۳) اسد الله، محمدی نیا، بهشت جوانان (آنچه باید یک زن و مرد بدانند)، قم، ناشر سبط اکبر (ع)، ۱۳۷۹، ص ۱۲۶-۱۲۵.

مرحله غیر آمیزشی جنسی) در آمده‌اند دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۵) بدحجابی

در دهه ی دوم و سوم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بی حجابی و بد حجابی به یکی از دغدغه های مردم و مسئولین نظام اسلامی تبدیل شد. یکی از روزنامه نگاران فمینیست داخلی برای باور است که سازمان های مردم نهاد دانش جویی در حال افزایش است و شکستن چارچوب های حجاب، از جمله فعالیت های آنان است. «یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِّأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً» «لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَ الْمُرْجِفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَنُغْرِبَنَّكَ ... قَلِيلاً» «ای پیغمبر، به همسران و دخترانت و به زنان مومن بگو جلباب (روسری) های خویش را به خود نزدیک سازند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد اذیت قرار نگیرند، بهتر است و خداوند آمرزنده و مهربان است. اگر منافقان و بیمار دلان و آن ها که اخبار دروغ و شایعات در شهر پخش می کنند، دست از کار خود بردارند، ...»

البته کسی که شخصیت خود را در بد حجابی و نمایش جاذبه ها خلاصه نماید و با خود آرایبی و عشوه گری در جامعه ظاهر شود نه فقط استعداد های انسانی خود را ضایع کرده که استعدادهای معنوی افراد جامعه را نابود می سازد و اخلاق و انسانیت را به ورطه نابودی می کشد. علت بد حجابی برخی از زنان جامعه، گم کردن هدف والای زندگی، که از آن غافل نموده و در مادیات و شهوات و اخلاق فاسد غرق شده اند. شهید مطهری در این بار می فرماید: «زن ایرانی به بهانه «تجدد» و «تقدم» و «مقتضیات زمان هر روز و هر ساعت با وسایلی که در دنیای سرمایه داری تهیه می شود، خود را در معرض نمایش می گذارد تا بتواند چنین مصرف کننده لایقی برای کارخانه های اروپایی باشد. اگر زن ایرانی بخواهد خود را فقط برای قانونی و یا برای حضور در مجالس زنان بیاراید، نه مصرف کننده لایقی برای سرمایه داران غرب خواهند بود و نه وظیفه ماموریت دیگر را که عبارت از انحطاط اخلاق جوانان ضعف اراده آنان و ایجاد رکود فعالیت اجتماعی، به نفع استعمار غرب انجام خواهد داد.»<sup>۲</sup> اثر منفی بدحجابی در جامعه ابتدا دامن گیر خانواده ها می شود و الفت میان زن و شوهر را نشانه می گیرد.<sup>۳</sup> هنگامی که جامعه زن را با اندام بدحجاب بخواهد، طبیعی است روز به روز تقاضای آرایش بیش تر و خود نمایی افزون تر از او دارد، و هنگامی که زن را از طریق جاذبه جنسیتی وسیله تبلیغ کالاها و دکور اتاق های انتظار، و عاملی برای جلب جهان گردان و

۱) احمد، بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، همان.

۲) مرتضی، مطهری، مسئله حجاب، تهران، صدرا، ۱۳۷۹، ص ۸۶.

۳) طه‌پور، همان، صص ۷۰-۶۹ / محمد، جواد، جاویدی، تاملی بر مفهوم حجاب در ادیان، چاپ دوم، قم، ناشر پژوهشکده ی مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۹، ص ۲۶.

سیاحان و مانند اینها قرار بدهد، در چنین جامعه‌ای شخصیت زن تا سر حد یک عروسک، یا یک کالای بی‌ارزش سقوط می‌کند، و ارزش‌های والای انسانی او بکلی به دست فراموشی سپرده می‌شود، و تنها افتخار او جوانی و زیبایی و خود نمائیش می‌شود.<sup>۱</sup> به این ترتیب مبدل به وسیله‌ای خواهد شد برای اشباع هوسهای سرکش یک مشت آلوده فریب‌کار و انسان نماهای دیو صفت! در چنین جامعه‌ای چگونه یک زن می‌تواند یا ویژگی‌های اخلاقیش، علم و آگاهی و دانائیش جلوه کند، و حائز مقام والائی گردد؟!

### ۳-۱-۶) بد حجابی و سلطه‌گری

دشمنان سوگند خورده‌ی اسلام، توطئه‌ی ریشه‌داری را برای جهان اسلام و کشورهای اسلامی تدارک دیده و بر آن تحمیل کرده‌اند و از هر وسیله و هر نحوی که شده، سعی دارند مسلمانان را از معنویت جدا کنند و از گسترش فرهنگ اصیل اسلامی جلو‌گیری نمایند، چپاول‌گران و سردمداران کفر به کمک روان‌شناسان و جامعه‌شناسان خود، به ریشه‌ی اصلی، که زن مسلمان هویت امت اسلام است پی برده‌اند، و نتیجه گرفته‌اند که اگر زن هویت و معنویت خود را از دست بدهد؛ در حقیقت جامعه‌ی اسلامی بی‌هویت شده خود را گم کرده، به خوبی هویت و فرهنگ بیگانه را می‌پذیرد و برای اهداف منحرف‌کننده‌ی دشمنان اسلام می‌شود و فرهنگ دشمن در ژرفای وجودش رخنه می‌کند. بدین جهت ترویج بد حجابی، اشاعه‌ی فرهنگ و برهنگی؛ طرد الگوهای دینی و مذهبی، جای‌گزین کردن الگوهای عروسکی و هنر پیشه‌های غربی، تشبیه زن مسلمان به زن متجدد غربی، بیگانگی زن مسلمان از خویشتن، تغییر یک جوهر متعالی، مطرح شدن زن به عنوان یک ابزار یا کالای استراتژیک جهت تامین منافع سرمایه‌داری و .... همه و همه یک مقوله‌ی تاجر انگیز حاکمیت فرهنگ منحن واراداتی استکباری بر کشورهای جهان سوم بخصوص کشورهای اسلامی و امت مسلمان جهان بوده است.<sup>۲</sup>

بد حجابی علل گوناگونی دارد. که یکی از علل آن تهاجم فرهنگی بیگانه و خود باختگی است. زدایش حجاب از اندام زن، با هدف هویت‌زدایی از زن مسلمان انجام می‌شد، تا بیش‌تر از آن که زن حافظ‌آمال مکتب و شخصیتش باشد، برآوردند امیال و اهداف سلطه‌جویانه جباران گردد. به این اظهار نظر که نشان‌گر گوشه‌ای از طرح استعمار پیر یعنی انگلستان است دقت کنید: «در مسئله‌ی

۱) احمد، بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، همان.

۲) فاطمه، فاطمی، استعمار فرهنگی و شیوه‌های نفوذ در جوامع زیر سلطه از طریق فرهنگ برهنگی، قم، ناشر سازمان

تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰، صص ۱۶-۱۷.

بی حجابی زنان باید پوشش فوق العاده به عمل آوریم تا زنان مسلمان به بی حجابی و رها کردن چادر مشتاق شوند. باید به استناد شواهد و دلایل تاریخی ثابت کنیم که پوشیدگی زن از دوران عباسی متداول شده و مطلقاً سنت اسلام نیست. مردم همسران پیامبر را بدون حجاب می دیده اند و زنان صدر اسلام در تمام شئون زندگی دوش به دوش مردان فعالیت داشته اند. پس از آن که حجاب زن با تبلیغات وسیعی از میان رفت وظیفه ی ماموران ما آن است که جوانان را به عشق بازی و روابط جنسی نامشروع با زنان هدایت کنند و زنان غیر مسلمان کاملاً بدون حجاب ظاهر شوند تا زنان مسلمان از آن تقلید نکنند.»<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۶-۱) کاهش ازدواج

وقتی در جامعه بدحجابی افزایش یابد، طبیعتاً روابط نامشروع نیز زیاد می شود و زمانی که مردان بخش زیادی از نیاز جنسی خود را از غیر روابط مشروع و قانونی (ازدواج) تامین کنند، میل و رغبتی به ازدواج ندارند؛ چرا که تشکیل خانواده و پذیرش مسئولیت نوعی محدودیت و گرفتاری برای آن ها بوجود می آورد. برخی از متفکران معتقدند: « یکی از فلسفه های حجاب این است که جذابیت زن ها برای مردان حفظ شود زیرا در غیر این صورت مردان هرگز به ازدواج حاضر نخواهند شد. »

### ۳-۱-۶-۲) افزایش روابط و فرزندان نامشروع

وقتی با بد حجابی، جاذبه های جنسی در اجتماع زیاد شد؛ زیرا دیگر جوانان به نگاه یا چشم چرانی اکتفا نمی کنند و تا مرحله ای پیش می روند که از ضوابط و شرع دست می کشند و به روابط نامشروع گرفتار می گردند و این همان بحرانی است که امروزه در غرب بیداد می کند. تحقیقات نشان می دهد که آمار روابط جنسی نامشروع غرب را به چالش کشانده و به مصیبت های لاعلاجی گرفتار نموده است. بیماری های مقاربتی مثل ایدز، فرزندان نامشروع، سقط جنین و ... در کشور های اروپایی آمار بسیار بالایی را به خود اختصاص داده است. ۲ گسترش دامنه فحشاء، و افزایش

---

۱) بهشت جوانان، همان، صص ۲۱۰-۲۰۵ / یوسف، غلامی، جلوه نمایی زنان و نگاه مردان، قم، ناشر لاهیجی ، ۱۳۸۱، صص ۶۹-۴۹ / ۹ / فتیحه، فتاحی زاده، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، چاپ دوم، قم، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۷۶، صص ۱۸۰/سینا، واحد، قره العین (درآمدی بر تاریخ بی حجابی در ایران)، قم، ناشر نور ، ۱۳۶۳، صص ۴۰.

۲) همان.

فرزندان نامشروع، از دردناک ترین پیامدهای بی‌حجابی است و دلایل آن مخصوصاً در جوامع غربی کاملاً نمایان است.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۷) ایجاد بد بینی نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم جوامع مورد هجوم

از موثرترین راه‌های هجوم فرهنگی دشمنان انسانیت و بشریت، ایجاد جو بدبینی نسبت به فرهنگ و آداب و رسوم آن‌ها است. معمولاً این روش با تبلیغات گسترده هم‌راه است. راه‌ها و شیوه‌های این مطلب نیز گوناگون است. مثلاً تبلیغ می‌شود که قوانین و احکام دست و پاگیری در جامعه‌ی مسلمین وجود دارد که عامل عقب‌ماندگی ایشان است. اگر مسلمین بتوانند این زنجیر را بگسلند آن‌گاه راه برای پیشرفت ایشان باز می‌شود از جمله‌ی آن‌ها حکم دست و پاگیر حجاب زنان که باعث شده است روحی از جامعه‌ی مسلمین عملاً در این محدوده زندانی شوند و نتواند در پیشرفت جامعه سهمی داشته باشند. در این زمینه مستر همفر جاسوس معروف انگلیس در خاطرات خود چنین می‌نویسد: «زنان مسلمان دارای حجابی محکم هستند که نفوذ فساد در میان‌شان ممکن نیست که در این صورت باید زنان مسلمان را فریب داده، از زیر چادر بیرون کشید، با این بیان که حجاب یک عادت است از خلفای بنی‌عباسی! و یک برنامه اسلامی نیست! و لذا زنان پیامبر را می‌دیدند که با زنان صدر اسلام در اسلام در هر کاری با مردان شرکت می‌کردند پس از آن که زنان را از چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا در میان مسلمانان، فساد رواج یابد.»<sup>۲</sup>

لذا تنها راه موفقیت این است که زنان را از این قید حجاب بیرون آورید. آن‌گاه شاهد پیشرفت‌ها مختلف خواهید بود. این یک نمونه از استدلالات دشمن اسلام برای بد بین کردن مسلمین نسبت به احکام اسلامی است. مسئله‌ی کشف حجاب رضا خان به طور قطع موضوع ساده‌ای نبود. در آن‌جا نیز دشمنان قبل از اقدام به این کار تبلیغات گسترده‌ای براه انداختند که حجاب مانع پیشرفت است. حجاب زن را عقب‌مانده نگه می‌دارد و با تبلیغات و حیل‌های گوناگون جو را آماده کردند سپس اقدام به آن کار کردند. امام خمینی(ره) در جمع بانوان این چنین می‌فرمودند: «نقشه این بود که با توطئه‌ی کشف حجاب در زمان رضا خان، این قشر عزیز را که جامعه را باید بسازند، تبدیل کنند به یک قشری که فاسد کنند.»<sup>۳</sup>

(۱) احمد، بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، همان.

(۲) همفر، خاطرات همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مویدی، تهران، ناشر امیر کبیر، ۱۳۷۷، ص ۸۴.

(۳) روح‌الله، موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۰ / محمد جواد جاویدی، تاملی بر فرهنگ حجاب در ادیان، چاپ دوم، تهران، ناشر پژوهشکده‌ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۹، ص ۱ / حجت‌الها، مرادی، کتاب قدرت نرم و جنگ نرم از نظریه تا عمل، همان، ص ۵۵۷.



### ۳-۱-۸) ارتباط و دوستی با جنس مخالف

یکی از آسیب های تهاجم فرهنگی و برنامه های دشمن برای تسلط بر کشورمان، ملعبه قرار دادن مسائل جنسی و کشاندن جوانان به التذاذ جنسی در بین جوانان است. از این طریق آنان را به این مسائل مشغول می کند و قدرت تفکر و خلاقیت را از بطن جامعه بر می دارند. بنابراین ارتباط دختر و پسر، بدون ازدواج و مشغول شدن آن ها به این گونه کارها از دیگر توطئه های دشمن است. همان طور که مستر همفر در خاطرات خود می گوید: « پس از آن که زنان را از چادر بیرون آوردیم، باید جوانان را تحریک کنیم که دنبال آنان بیفتند تا در میان مسلمانان، فساد رواج یابد. برای پیشبرد این نقشه، لازم است اول زنان غیر مسلمان را از حجاب بیرون آوریم تا زنان مسلمان از آن ها یاد بگیرند.»<sup>۱</sup> رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمودند: « هیچ چیز را مربوط به زمان های بعد، خطرناک تر از اختلاط و ارتباط مردان و زنان نمی بینند.»<sup>۲</sup>

روابط بین دو جنس مخالف باید در چار چوب خانواده باشد و اگر از این چار چوب و ضوابط خارج شود سبب انحراف اخلاقی و در نتیجه فساد فردی و اجتماعی خواهد شد، پس چون این گونه روابط منجر به فساد می شود، اسلام این گونه روابط را نمی پذیرد. و فرهنگ و عرف جامعه ی اسلامی تنها زمانی اجازه ی رفت و آمد و هم راهی دو فرد از جنس مخالف را می دهد که تحت ضوابط و عقد شرعی محرم باشند.<sup>۳</sup>

### ۳-۱-۹) دل سردی نسبت به تشکیل خانواده

غریزه ی جنسی و نیاز به محبت و عاطفه از عوامل تشکیل خانواده است، حال اگر این نیاز ها از راهی آسان تر، کم هزینه تر، متنوع تر و با کم ترین مسئولیت فردی و اجتماعی تامین شود دیگر انگیزه ی قوی برای ازدواج باقی نمی ماند. یکی از جامعه شناسان معاصر ضمن تاکید این مطلب می گوید: « اگر این نیازها با توجه به بی بند و باری و انحطاط فرهنگی حاکم بر غرب، به راحتی قابل

---

(۱) همفر، خاطرات همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، همان/ ناهید، طبیعی، عطر عفاف نگرش نو بر عفاف و حجاب، قم، ناشر جامعه الزهرا، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴/ واحد تحقیقات موسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳، ص ۱۴.

(۲) حسین بن محمد تقی، نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، چاپ اول، قم، ناشر: مکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲، ص ۳۰۶/ علی نقی، فقیهی، تربیت جنسی، قم، ناشر دارالحدیث، ۱۳۸۷، ص ۳۷۶.

(۳) محمد، سقازاده، حمزه کریم خانی، همان، ص ۲۰۳.

دست رسی باشد، و فرد هر وقت و هر گونه که خود خواست این نیاز را ارضاع کند، دیگر چه ضرورتی دارد ازدواج کند؟»<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۱۰) افزایش خشونت و آزار جنسی

پوشش ناقص و بد برخی از زنان و دختران به منزله ی چراغ سبزی است؛ برای افراد لایبالی و ولگرد که نشان دهنده ی، تمایل زنان بد حجاب به کارهای خلاف و گناه آلود، در اذهان آنان می باشد. و همین نکته ی ذهنی و روانی از نظر آنان مجوز اذیت و آزار این گونه زنان می باشد. از آن جا که حوزه ی لذت جویی مردان بیش تر امور غریزی است، به همین سبب، نگاه مردان کم ترین تفلوت ظاهری زنان را در می یابد و با خود آرایبی و نمایش اندام های تحریک آمیز خود، زمینه ی هوی و هوس و گرایش به شهوت را در مردان ایجاد می کنند و سبب آزار و اذیت بی توجهی، با کم توجهی به شخصیت و حقوق آنان از سوی مردان می گرداند.<sup>۲</sup>

### ۳-۱-۱۱) عدم کنترل و نظارت اجتماعی

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار در رفتار و فرهنگ جامعه، مسأله کنترل و نظارت اجتماعی است. اصل کنترل اجتماعی مفهومی مهم در جامعه شناسی است. امروزه دانشمندان غربی به ویژه اندیشمندان اجتماعی، به طور جدی آن را مطرح و پیگیری می کنند و در سه دهه اخیر مسأله کنترل اجتماعی بسیار جدی در حوزه فکر و اندیشه صاحب نظران تعقیب می شود. چنان که «دورکیم» می نویسد:

«انسان هر چه بیشتر داشته باشد، بیشتر هم می خواهد و برآورده شدن هر نیازی به جای کاستن از آرزوهای انسان، نیازهای تازه ای را برمی انگیزد. از این سیری ناپذیری طبیعی نوع بشر، چنین برمی آید که آرزوهای انسان را تنها با نظارت های خارجی، یعنی با نظارت اجتماعی می توان مهار کرد.»

دورکیم در ضرورت کنترل تا آن جا پیش می رود که یکی از عوامل ناهنجاری را عدم نظارت و کنترل اجتماعی می داند. لوئیس کوزر به نقل از دورکیم می نویسد:

---

۱) علی، اسلامی نسب بجنوردی، رفتارهای جنسی انسان بر اساس اصول روان شناسی، روان پزشکی و...، اصفهان، ناشر: حیان، ۱۳۷۶، ص ۸۷.

۲) حسین، مهدی زاده، پرسمان حجاب (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، قم، ناشر صهبای یقین ، ۱۳۸۷، ص ۱۶۱/ یوسف، غلامی، اخلاق و رفتارهای جنسی، چاپ اول، قم، ناشر معارف ، ۱۳۸۴، صص ۲۲۱-۲۲۰ / [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

«هر گاه نفوذ نظارت کننده جامعه به گرایش‌های فردی، کارآیی خود را از دست بدهد و افراد جامعه به حال خود واگذار شوند جامعه به بی‌هنجاری دچار خواهد شد.»

در آموزه‌های دین اسلام هم مسأله نظارت و کنترل اجتماعی به صورت خیلی جدی مطرح شده است. از رسول اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) در این خصوص روایات متعددی وارد شده است. از جمله این روایت را امام صادق (علیه السلام) از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«هرگاه هنجارشکنی، حریم‌شکنی و معصیت خدا به صورت علنی و آشکار صورت پذیرد، هر چند هنجارشکنان اندک و اکثریت مردم، افرادی قانونمند و هنجارمند باشند، ولی این اکثریت نظارت و کنترل را رها کنند، عذاب خواهند شد.»

آن گاه امام صادق (علیه السلام) خود دلیل عذاب اکثریت بی‌توجه به نظارت اجتماعی را این چنین بیان فرمود: «و ذلك انه يذل بعلمه دين الله و يقتدى به اهل عدوة الله» . یعنی خدا اکثریت هنجارمند، ولی بی‌توجه به نظارت اجتماعی را به این دلیل عذاب می‌کند که آنان با ترک نظارت و کنترل بر افراد هنجارشکن، به کجروان جامعه فرصتی می‌دهند تا به صورت علنی و آشکار، دین خدا و عقاید و باورهای عمومی مسلمانان را به تدریج ضعیف و هنجارشکنان احساس پیروزی کنند و فرهنگ دینی به حاشیه برود و فرهنگ کجرو غالب گردد.

حضرت علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) نیز در وصیت خویش به فرزنداناش در خصوص بی‌توجهی به نظارت و کنترل انحرافات یادآور می‌شود که هرگاه نظارت بر رفتارها را رها کنید، نتیجه آن تسلط انسانهای هنجارشکن و کجرو و منحرف بر جامعه صالحان است. در آن صورت طلب خیر و استمداد از خدای سبحان سودی ندارد و خدا پاسخ مثبت نخواهد داد. زیرا تسلط افراد کجرو و منحرف بر فرهنگ جامعه، نتیجه سستی و بی‌توجهی شما به وظیفه اجتماعی خود، یعنی نظارت و کنترل اجتماعی می‌باشد.

در نامه ۳۱ نهج البلاغه حضرت بخصوص ضرورت کنترل و نظارت همسران به عنوان مدیر خانه بر خانم‌ها را به فرزندشان امام حسن (علیه السلام) سفارش می‌کند:

«زنان را در پرده حجاب نگاهشان دار تا نامحرمان را ننگند [از اختلاط‌های فسادآور مانع شوید]، زیرا که دقت در پوشش، عامل سلامت و استواری آنان است. بیرون رفتن [و تبرّج و خودنمایی آنان در اجتماع] زنان بدتر از آن نیست که افراد غیرصالح را در میان شان آوری.»<sup>۱</sup>

همان طور که ملاحظه می‌کنید این رهنمود امام ضرورت کنترل و نظارت بر خانواده را گوشزد می‌کند. به هر حال بر صاحبان فکر و اندیشه این مسأله پوشیده نیست که هر جامعه‌ای برای آن که از سلامت لازم برخوردار باشد و بتواند فرهنگ اصیل خود را حفظ نماید، باید از نظارت و کنترل اجتماعی برخوردار باشد. و اگر مرزهای کشور به سوی تمامی ابزارهای حرمت‌شکن، باز باشد و مسئولان کشور هیچ گونه محدودیت و کنترل بر ورود فرهنگ بیگانه در کشور نداشته باشند، طبیعی است که نتیجه این سهل‌انگاری غلط چیزی جز به نابودی کشاندن حیات فرهنگی آن جامعه از طریق دشمنان نخواهد بود.<sup>۲</sup>

### ۳-۱-۱۲) عدم آشنایی با حقوق و جایگاه زنان در اسلام

به نظر نگارنده یکی از عواملی که توفیق مهاجمان را در عرصه تهاجمات فرهنگی افزایش داد، عوامزدگی زنان و دختران جوان در حوزه بینش و معرفت دینی بود. دشمن با سوء استفاده از این نقطه ضعف بارز در بین زنان و دختران جوان، شروع به سم پاشی و ایجاد شبهات و تردیدهای مکرر نسبت به جایگاه و حقوق زنان در اسلام کرد. آنان با تمسک به برخی از روایات و آیات و با بهره‌گیری از بعضی از متون دینی، هجومی گسترده بر نظام عقیدتی زنان بالاخص دختران دانشجو وارد کردند و متأسفانه دختران جوان جامعه دینی هم با توجه به اینکه از کمترین اطلاعات در زمینه مسائل زنان برخوردار بودند، شدیداً تحت تأثیر این القائات سوء و به ظاهر مدافعانه و حق‌طلبانه قرار می‌گرفتند و نگرش منفی نسبت به دین و اعتقادات در آنان ایجاد می‌شد و این مسأله زمینه‌گرایش به مظاهر غرب و غرب‌زدگی و رویکرد آنان به سوی دگراندیشان را فراهم می‌نمود. متأسفانه اقدام لازم جهت آشنایی زنان با حقوق و جایگاه خود در اسلام صورت نگرفته است. مسأله‌ای که مکرر مقام معظم رهبری روی آن تأکید ورزید ولی اقدام جدی و مؤثری در این راستا صورت نپذیرفت و

(۱) نهج البلاغه.

(۲) حسین، مهدی زاده، پرسمان حجاب (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، ص ۱۶۶ / یوسف، غلامی، اخلاق و رفتارهای جنسی، همان، صص ۲۲۱-۲۲۰ / [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net)

کمتر زمینه برای ارتقاء سطح علمی و معرفتی زنان ایجاد شد. شاید گفته شود ایجاد این همه فرصت‌های تحصیلی برای دختران و زنان، ایجاد دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه ویژه زنان، زمینه‌سازی جهت ارتقاء سطح علمی زنان بوده است؛ در حالی که باید به این مهم اذعان داشت که آن چه در این راستا صورت گرفت، هیچ کدام منجر به روشنگری و ارتقاء سطح علم و معرفت و بینش زنان نشد بلکه منجر به ارتقاء سطح مدرک آنان شد، ولی کم تر به تقویت بنیان‌های دینی و اعتقادی آنان پرداخته شد، از این رو وقتی در معرض تهاجمات گسترده و سهمگین دشمن در حوزه مسائل زنان قرار می‌گیرند، کم تر توان دفاع و ایستادگی از خود نشان می‌دهند و غالباً دچار انفعال می‌گردند. از این رو باید یک نهضت فراگیر و مؤثر در راستای ارتقای بینش زنان نسبت به رسالت‌های آنان و جایگاه بلند و رفیعی که در آموزه‌های دینی برای این قشر قائل شده و حقوق زنان، صورت گیرد و به نظر می‌رسد که هر چه سطح معرفت و شناخت زنان ارتقاء یابد، از میزان آسیب‌پذیری آنان از فرهنگ بیگانه کاسته خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۱۳) عدم اشتغال مفید و عدم استفاده درست از فرصت‌ها

یکی از عوامل آسیب‌زا و زمینه‌ساز انحرافات اجتماعی - اخلاقی، وجود بی‌کاری و فرصت‌هایی است که افراد برنامه‌ریزی منسجم و صحیح و اصولی برای آن ها ندارند. چرا که فرصت‌های زیاد بدون برنامه، عامل جذب شیطان و نقشه‌های شیطانی است از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) وقتی جوانی را دید که بی‌کار نشسته و از روی بیهودگی با چوب روی زمین خط می‌کشد، طبق نقل فرمود: «این حالتی است که خداوند از روی غضب و خشم به تو نگاه می‌کند و بهترین فرصت است برای اینکه شیطان به سراغ تو بیاید.»

تحقیقات و تجربیات نشان می‌دهد، بیشترین افرادی که در معرض انحراف اخلاقی قرار می‌گیرند، کسانی هستند که از اوقات بی‌کاری بیشتری برخوردارند. متأسفانه یکی از عمده‌ترین مشکلات زنان در جامعه ما، وجود اوقات بی‌کاری و بدون برنامه در زندگی آنان است؛ زیرا با ماشینی شدن زندگی، مسؤلیت‌های خانه‌داری کاهش یافته است.

یکی از عمده‌ترین رسالت‌های متولیان تعلیم و تربیت، این است که تدابیری جهت ایجاد اشتغالات و سرگرمی‌های مفید و مؤثر برای زنان را فراهم نمایند. لازم به ذکر است که منظور از اشتغال، الزاماً ایجاد یک شغل رسمی و بیرون از منزل نیست، بلکه منظور ایجاد زمینه‌هایی است

---

(۱) همان.

برای اینکه زنان با استفاده از آن ها، بتوانند فرصت‌های بی‌کاری و اوقات فراغت خود را به صورت مفید پر کنند مثلاً برگزاری کلاس‌های بسیج. هم چنین ایجاد مراکز امن فرهنگی، با اهداف تربیتی صحیح می‌تواند ضمن این که موجب ارتقاء سطح علمی - فرهنگی زنان گردد، وسیله‌ای برای پر کردن وقت خانم‌ها و دختران جوان باشد و با ایجاد فرصت‌های شغلی که خانم‌ها ضمن این که در منزل هستند و به امور خانه و خانه‌داری می‌پردازند، بتوانند بخشی از اوقات خود را به این امور اختصاص دهند تا ضمن کمک اقتصادی به خانواده، بتوانند از اوقات بی‌کاری خود به خوبی بهره‌گیرند.

وجود اوقات بیکاری علاوه بر آن که می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات باشد، از نظر روحی و روانی هم تأثیر بسیار منفی روی زنان دارد و یکی از علل عمده وجود ناراحتی‌های اعصاب و افسردگی که به صورت فزاینده در خانم‌های خانه‌دار رو به افزایش است، همین مسأله می‌باشد. البته توجه به این نکته در این بخش اهمیت دارد که ضرورت ایجاد اشتغال نسبی، مفید و مؤثر برای زنان، نباید ما را دچار افراط و تفریط نماید و با ایجاد اشتغالات زیاد، موجب خستگی جسمی و روحی زنان گردیم و نشاط و سلامت آنان را برای سرپرستی معنوی خانواده کاهش دهیم و زمینه ایجاد مشکلات و مسائل عدیده دیگری را فراهم نماییم. به هر حال، باید توجه داشت که اشتغال زنان با گستره و رویه‌ای خلاف عرف و فرهنگ ملی و بی‌انطباق با مبانی دینی و سیره پیشوایان دینی (علیه السلام)، معضلاتی را گریبان گیر خانواده و جامعه می‌کند. باید به این مهم توجه داشت که اسلام، بار تأمین هزینه‌های زندگی را از دوش خانم‌ها برداشته و مردان عهده‌دار این مسئولیت مهم می‌باشند. لذا ضرورت ندارد که خانم‌ها به صورت اجباری به دنبال کار بگردند و آن چه که به عنوان یک ضرورت مطرح می‌شود ایجاد برنامه‌ها و اشتغالاتی مفید جهت استفاده بهینه از اوقات فراغت خانم‌ها است که باید به جد به آن پرداخت و برای آن برنامه‌ریزی نمود.

در این راستا فرهنگ عریان گرای و جدا کردن زن از پوشش و حجاب، تشویق می‌شود و به علاوه نگاهی به دنیای تبلیغات غربی‌ها چه در سطح سینما و تلویزیون و سایر رسانه‌ها نشان می‌دهد که از زن به طرز وسیع و غیر قابل باوری استفاده‌ی ابزاری می‌شود. در این تبلیغات زن در کانون توجه فرار گرفته و سوژه‌ی اصلی قرار می‌گیرد که هدف اصلی آن ارائه‌ی الگوی افسار گسیخته و بی‌بند و بار از زن می‌باشد.<sup>۱</sup> یک زن مسلمان و محجبه، پوشش و حجاب خود را به

۱) عبدالله جاسبی، گفتمان «مجموعه مقالات و مصاحبه‌ها»، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، دفتر فرهنگ مقاومت ۱۳۸۰

عنوان مانعی در قبال فعالیت ها و تحرکات اجتماعی و فرهنگی و سیاسی اش به حساب نمی آورد و اصولاً مقصود از تشریح حجاب برای زنان ایجاد محدودیت برای آن ها نبوده و نیست و کسانی که می کوشند چنین وجه و انگیزه ای به ماهیت حجاب زن بدهند، قطعاً از ضرورت حجاب برای یک زن مطلع نیستند و یا این که با غرض ورزی خاصی این موضوع را مطرح می کنند. در واقع باید دانست نگرش اسلام به زن به عنوان یک انسان، موجب می گردد تا تکلیف خاصی برای وی قائل شود تا به این وسیله او را از هر گونه نگاهه انحرافی و متأثر از شهوت و غریزه جنسی مصون بدارد. این تکالیف، به زن شخصیت و منزلت خاصی می بخشد و هرگز محدودیتی برای او در راه ایفای رسالتش در جامعه ایجاد نمی کند. ۱.

### ۳-۱-۱۴) بلوغ زودرس

بلوغ زود رس از دیگر پیامدهای دیدن برنامه های ماهواره است. برنامه های برخی شبکه های ماهواره ای موجب بلوغ زودرس بچه ها می شود. اگر فرزندان ما صحنه های مبتذل و رقص و صحنه های تحریک کننده را ببینند و شرایط ازدواج برای آنها فراهم نباشد سعی می کنند عطش خود را از راه دیگری فرو بنشانند کم کم زمینه خود ارضایی یا ارتباط های غیر اخلاقی برای آنها فراهم می شود. برنامه های برخی شبکه های ماهواره ای موجب بلوغ زودرس بچه ها می شود. اگر فرزندان ما صحنه های مبتذل و رقص و صحنه های تحریک کننده را ببینند و شرایط ازدواج برای آنها فراهم نباشد سعی می کنند عطش خود را از راه دیگری فرو بنشانند کم کم زمینه خود ارضایی یا ارتباط های غیر اخلاقی برای آن ها فراهم می شود دیدن ( صحنه های که هیچ گونه حریمی را رعایت نمی کنند: زنان بد حجاب، عشق های مثلثی، زنان عریان و نیمه عریان، فیلم های سکس و ...) چنین صحنه هایی برای جوان یا نوجوانی که شرایط ازدواج ندارند و آگاهی آنان از این گونه مسائل عطش کاذبی ایجاد می کند بنابراین خواهد کوشید این عطش را از راه های دیگر فرو نشاند همین مسئله با عث بلوغ زود رس و مشکلات اخلاقی دیگری مانند روابط نادرست و ... را به وجود می آورد. ۲.

« به طور کلی، کودکان « ظرفیت جنسی طبیعی » خود را تا سن بلوغ کسب نمی کنند. اما کودکان نسبت به بسیاری از تحریکات جنسی (اعم از شوخی ها، رفتار ها و صحنه های جنسی)،

۱) همان ص 118.

۲) محمد، سفازاده، هجوم خاموش، آسیب شناسی نسل جوان، همان، ص ۵۳.

حساس و تاثیر پذیرند و بدین صورت، پیغام های تحریک کننده ی جنسی در حافظه ی آن ها وارد و تا ابد ثبت می شود. چنین مساله ای در صورت تکرار می تواند به بروز افکار و رفتار های جنسی زود رس در کودک شود، و این چیزی نیست جز پایان زودرس دوران شیرین کودکی.» که این بلوغ زودرس عواض بسیاری دارد که ما در این جا قصد پرداختن به آن را نداریم.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۱۵) ترویج خشونت

یکی از مهم ترین و آشکارترین آسیب های فیلم ها و برنامه های شبکه های ماهواره ای و بازی های رایانه ای خشن غربی، افزایش خشونت در جامعه است.

همین چند وقت پیش رسانه ها خبری را منتشر کردند که جوانی تحت تأثیر برنامه های ماهواره خواهر زاده کودک خود را به قتل رساند. در برنامه های این شبکه ها صحنه های خشن بدون توجه به سن مخاطب نمایش داده می شود و مسلماً افراد چه بخواهند و چه نخواهند این برنامه ها در ضمیر ناخود آگاه آنها تأثیر می گذارد گاهی خصوصاً در فیلم های سه بعدی چنان هنرمندانه صحنه ها را ساخته اند که افراد انگار که آموزش خشونت می بینند و در صحنه های مشابه آن صحنه، ناخودآگاه رفتاری مشابه آن را انجام خواهند داد.

### ۳-۱-۱۶) سست شدن بنیاد خانواده

از آن جا که نهاد خانواده سهم بسزایی در شکل گیری و تحقق تمدن اسلامی دارد، دشمن بر اهمیت این کانون پر مهر پی برده و با انتشار فیلم ها نا مناسب سعی در تضعیف نهاد خانواده دارد و با تبلیغات گسترده در جهت عفت زدایی از جوامع دینی و اسلامی تلاشی گسترده دارد. هیچ زنی نباید مجاز باشد تا در خانه بماند و فرزندانش را بزرگ کند. «... برنامه های ماهواره ارزش های اخلاقی و خانوادگی و اجتماعی را به شدت تهدید می کند و بسیاری از افرادی که زمان زیادی از شبانه روز را به تماشای برنامه های ضد اخلاقی ماهواره و اینترنت اختصاص می دهند، به یقین از همین راه، به انحراف های گوناگون مبتلا می شوند.»

مسلم است برنامه هایی که بدحجابی، روابط نامشروع، سقط جنین، طلاق، خیانت زن و شوهر به یک دیگر را موجه جلوه داده است. در کشور هایی که این چیزها ضد ارزش است به نمایش گذاشته می شود! قبح مسائل کم کم از بین می رود و خانواده دیگر محل آرامش نیست مرد دیگر به وسیله

---

(۱) فرود حمیدیان اعتیاد به اینترنت و موبایل (بررسی عواض وابستگی به اینترنت، موبایل و بازی های کامپیوتری)، تهران، نشر قطره، ۱۳۸۷، صص ۷۶-۷۷ [WWW.Phmghafeleh.blogfa.Com](http://WWW.Phmghafeleh.blogfa.Com) آسیب های ماهواره بر خانواده.



ی همسر خود راضی نمی گردد، هر کس در پی هوس رانی و خوش گذرانی خوش است و اساس خانواده متزلزل می شود.

متأسفانه ورود بدون کنترل ماهواره در خانواده‌ها را به تعبیری می‌توان ورود یک فرد نامحرم و لایبالی و دوست ناباب برای بچه‌ها و خانواده تشبیه کرد که به دنبال اختلاف بین زن و شوهر است و به ناموس او چشم طمع دارد، و دین آن‌ها را می‌گیرد، اعتقادات آن‌ها را ضعیف می‌کند، مرزهای حیا و غیرت را می‌شکند، حقایق سیاسی و اجتماعی را وارونه جلوه می‌دهد، وقت آن‌ها را می‌دزد و آنها را به هم دیگر بدبین می‌کند.

مجاز شمردن خیانت زن به شوهر و عادی سازی روابط با جنس مخالف، عادی سازی روابط دختر و پسر قبل از ازدواج، زشتی زدایی از حاملگی بدون روابط قانونی و ازدواج، اهانت به والدین و بی توجهی به آن‌ها، نفوذ جادو و طلسم در زندگی؛ همه نشان می‌دهد که شبکه‌های ماهواره‌ای بطور هدفمند عفت و غیرت و روابط خانوادگی سالم را نشانه گرفته است.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۱۷) زیاد شدن آمار دختران فراری

یکی از کارکردهای سریال‌ها و فیلم‌های پخش شده در ماهواره این است که القا می‌کنند که آزادی دختران در خارج از خانه است. آن‌ها با روشی هنرمندانه به دختران ما القاء می‌کنند که خانواده‌های سنتی و دینی مانع آزادی آن‌ها هستند یعنی دختران جوانی که به صورت سنتی در خانه با محدودیت‌هایی روبه‌رو هستند که مقداری از آن‌ها هم ضروری و لازم است، این‌ها را دچار حس زندانی بودن در خانه می‌کنند.

در فیلم‌ها دختران موفق را کسانی نشان می‌دهند که خارج از خانه آزاد هستند و دخترانی که داخل خانه هستند را نا موفق و افسرده نشان می‌دهند و کم‌کم این حالت که معمولاً هم از طرف خانواده‌ها مدیریت نمی‌شود به عقده و افسردگی منجر می‌شود و به فرار و رویگردانی جوان از خانواده کشیده می‌شود در خانواده‌هایی که دارای مدیریت صحیح نیستند، سبب فرار یا روی گردانی

---

(۱) محمد، سقزاده، حمزه کریم خانی، هجوم خاموش، همان، ص ۵۴/ ویلیام، گاردنر، جنگ علیه خانواده، مترجم: معصومه، محمدی، ناشر حوزه علمی، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه‌ی خاوران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۷، ص ۱۰۱.

دختران از فضای امن خانه می‌گردد و دخترانی که از طرف خانواده جدا شدند انواع آسیب‌ها و انحرافات در انتظار آن‌هاست.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۱۸) اختلافات خانوادگی و شکستن حریم‌های خانواده

یکی دیگر از خطرهایی که سریال‌های ماهواره‌ای دارند این است که در بسیاری از این فیلم‌ها افراد با انزوا طلبی و حتی مقابله با افراد خانواده و حتی خیانت به خانواده می‌توانند به موفقیت برسند.

این فضا کم‌کم خانواده را به سمت بدبینی‌ها و کم‌اهمیت شدن نقش پدر، ایجاد اختلاف بین زوجین و دور شدن فرزندان از خانواده می‌کشد وقتی پدر و مادری با دختر و پسر جوانشان فیلمی را می‌بینند که یک معاشقه و لو خفیف صورت می‌گیرد این مسأله پرده‌های حجاب و عفاف را از بین می‌برد و فقط خدا می‌داند که در خانواده‌هایی که قبح این مسائل بشکند چه اتفاق ناگواری می‌تواند به دنبال داشته باشد.

### ۳-۱-۱۹) زنان خیابانی

دستگاه تبلیغاتی استعمار گران غرب، باروش‌های پر جاذبه‌ی تبلیغاتی، عقب ماندگی زنان را از کاروان دانش و هنر به حجاب ارتباط داده و پیشرفت و ترقی را در برهنگی و بی‌حجابی قلمداد کردند، لذا حجاب‌ها را دریدند و زن‌ها را با بدن نیمه‌عریان به صحنه‌های مختلف ابتذال کشیدند تا چشم‌ها را آلوده و دل‌ها را تیره و بنیان خانواده را درهم بشکنند.<sup>۲</sup>

وقتی همه افراد خانواده بدون کنترل و محدودیت پای برنامه‌های ماهواره می‌نشینند که برای خانواده مناسب‌سازی نشده و بی‌حجابی و بی‌حیائی در آن موج می‌زند و هیچ حریمی در روابط زن و مرد نیست کم‌کم حجاب به عنوان یک ارزش تلقی نمی‌شود و زنان و دختران خانواده با کم‌حجابی یا بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شوند و زمانی که کم‌کم بدحجابی زیاد شد و چشمان هوس‌باز هم با نگاه‌شان این روند را تشویق کردند جامعه به فضای خود نمائی برای مردان نامحرم

---

۱) شبیخون فرهنگی، احمد، طهماسبی، همان، ص ۹۶. / آسیب‌های ماهواره بر خانواده.

WWW.Phmghafeleh.blogfa.Com

۲) رضا، تقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، همان، ص ۳۶۹.

تبدیل می‌شود و کم کم رابطه‌های دور از خانواده و زنان خیابانی و روابط پنهانی مردان و زنان متأهل و به یک امر عادی تبدیل می‌شود.

در چند سال اخیر آرایش‌های بسیار زننده زنان متأهل و دختران جوان که ایران را رکورد دار مصرف لوازم آرایشی بهداشتی جهان کرده است و بروز رفتارهای دوستانه و بیان کلمات دوستانه به نامحرمان در جامعه به شدت زیاد شده است؛ و حتی زنان متأهل از روابط نامشروع نیز ابایی نداشته باشند.

مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «ادیان برای شهوات ضابط و قاعده و حدود و قیود دارد. پس در هر جامعه‌ای را مبارزه‌ی ساده و آسان با ادیان این است که راه عنان گسیختگی و مهار گسیختگی شهوات را باز کنند در ایران این کار را شروع کردند. یکی از راه‌هایش که جزء مهم‌ترین کارها بود، «کشف حجاب» بود. کار دیگر این بود که رابطه‌ی محدود زن و مرد را بشکنند.»<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۲۰) تبلیغ تنوع‌طلبی و هوس رانی

دوستی زمانی که به صورت هوس در آید، شخص ایمان خود را از دست می‌دهد و تنوع‌طلبی در انتخاب دوست پسر، و خدعه و فریب دادن عادت او می‌شود و از تشکیل زندگی و قبول مسئولیت شانه خالی می‌کند.

در سریال‌های ماهواره، بازی گرانی را نمایش می‌دهند که زیبایی خیره‌کننده‌ای دارند و دائماً زیبایی‌های جسمی و ظاهری آن‌ها به نمایش گذاشته می‌شود به گونه‌ای که محرک شهوت افراد باشد. در طرف دیگر قضیه عموم سریال‌هایی که برای ایرانیان و مسلمانان ساخته می‌شود طوری طراحی شده که افراد ضمن داشتن زندگی زناشویی خودشان، حق چشیدن رابطه‌ای خارج از این زندگی را نیز داشته باشند. همین مساله به خصوص در مردان موجب این می‌گردد که حتی برای تفریح هم که شده به دنبال رفع عطش تنوع‌طلبی شان باشند. حتی اگر به دلایلی از این کار خودداری کنند، ذهن شان درگیر باشد. کم رنگ‌ترین اثر این آسیب کم رنگ شدن رابطه عاشقانه بین زن و شوهرها و عدم رضایت و تمایل جنسی خواهد بود. آن‌چه در شبکه‌های ماهواره‌ای به ویژه شبکه من و تو و فارسی وان مشاهده می‌شود این است که بازیگران فقط به دلیل زیبایی‌شان جلوی دوربین هستند و در تمام برنامه زیبایی‌های صورت و اندام او نمایش داده می‌شود و احساسات

---

۱) حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ج ۶، سازمان مدارک فرهنگی، ص ۷۶-۷۵ / شبیخون فرهنگی، احمد، طهماسبی، همان، ص ۱۰۲ / WWW.Khamenei.ir

جنسی و شهوت مخاطب را به صورت غیر مستقیم تحریک می‌کند و مخصوصاً آقایان را تحریک می‌کند که برای تفریح و تنوع هم که شده دنبال این مسائل باشند و حتی اگر دنبال این مسائل هم نروند ذهنشان درگیر خواهد شد. کمترین اثر این مسأله این است که روابط زن و شوهرها کم‌رنگ شده و رضایت جنسی از هم دیگر نخواهند داشت و یک ناآرامی و ناامنی روانی و بی‌اعتمادی به هم دیگر در افراد خانواده ایجاد خواهد شد و کم‌کم فرزندان تحت تأثیر این برنامه‌ها پدر و مادر اصیل و سنتی و مذهبی خود را بی‌کلاس و عقب افتاده می‌دانند و خانواده دچار بحران خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۲۱) تبلیغات ضد دینی و ضد اسلامی

شبکه‌های متعدد در زمینه تبلیغ وهابیت تکفیری و بر علیه شیعه، ترویج مسیحیت تبشیری، ترویج مذاهب خرافی مثل شیطان پرستی و تبلیغ حزب صهیونیستی بهائیت، تبلیغ سکولاریزم و القای شخصی بودن دین، ایجاد شک و تردید حتی در مسلمات دین اسلام فعالیت می‌کنند.

### ۳-۱-۲۲) نهادینه کردن بی‌غیرتی

یکی از ویژگی‌های مهمی که اسلام و دیگر ادیان آسمانی حتی کسانی که اهل دین‌داری نیستند برای یک مرد ارزش می‌دانند غیرت است و تقریباً همه مردان جامعه ما روی ناموس خود حساسیت دارند و ناموس یکی از ویژگی‌های آشنای فرهنگ ماست. یکی از موانع اصلی انحراف و یکی از سدهای محکم فرهنگی جامعه ما در برابر فساد و انحراف همین غیرت است.

اگر مردی حساسیت خود را نسبت به ناموس از دست بدهد می‌تواند زمینه ساز انحراف بشود چرا الان بعضی از مردان جامعه ما هیچ حساسیتی نسبت به آرایش و پوشش‌های زننده همسران و دختران و نوامیس خود ندارند؟

این موضوع مهمی است آیا این مردان نمی‌دانند که مردانی که از چشمان خود مراقبت نمی‌کنند چگونه و با چه نگاه لذت جویانه‌ای به ناموسشان نگاه می‌کنند؟

پس چرا با علم به این مسأله باز هم جلوگیری نمی‌کنند و شاید هم خودشان همسرشان را به این نوع پوشش دعوت می‌کنند؟

---

۱) WWW.Phmghafeleh.blogfa.Com آسیب‌های ماهواره بر خانواده/ دختران می‌پرسند چرا؟! (آثار زیان بار رابطه

بین دختر و پسران از نظر علمی، روانشناسی، اجتماعی و سیاسی)، ص ۱۰.

این به خاطر ضعف غیرت است و آن ویژگی مردانه است که این ویژگی زنانه را حفظ می‌کند و غرب در شبکه‌های ماهواره‌ای به ویژه در فارسی وان و من و تو به شدت بر این مسأله با حساسیت تمرکز دارد که غیرت مردان ما را ضعیف کنند چون آن‌ها می‌دانند تا غیرت مردان باشد عفت و حیای زن لکه‌دار نمی‌شود.

### ۳-۱-۲۳) اعتیاد به ماهواره

متأسفانه اعتیاد به ماهواره مثل اعتیاد به مواد مخدر به یکی از بیماری‌ها و بحران‌های عصر ما تبدیل شده است و ارزش‌های اخلاقی و خانوادگی را تهدید می‌کند. وقتی به صحبت‌های بسیاری از دختران و پسران فراری گوش می‌دهی علت فرار همه آن‌ها یک چیز مشترک است و آن هم نابه سامانی خانواده که عواملی همچون خشونت و آزارهای فیزیکی، اعتیاد، طلاق و فقر اقتصادی و فرهنگی دارد. گرچه بررسی‌ها و تحقیقات نشان می‌دهد که نبود آموزش مهارت‌های زندگی در مدرسه و یا به هنگام نبودن این آموزش‌ها نیز در فرار نوجوانان از منزل و انحرافات دینی و اخلاقی، تاثیر به‌سزایی دارد. در سال‌های اخیر برخی از باندهای شیاد و خلافکار با هنجارشکنی و تضعیف باورهای دینی و اعتقادی نوجوانان و جوانان به دنبال جذب آن‌ها هستند که اولین قدم مثبت برای آنان در این راه فرار نوجوان از منزل است. بنابر نظر اکثر کارشناسان اجتماعی دختران و پسرانی که از منزل فرار می‌کنند بهترین طعمه برای باندهای فساد و فحشا، فروش مواد مخدر و بزهکاری و سرقت هستند. بنابراین برنامه ریزان فرهنگی و مسئولان باید با نهادینه کردن آموزش مهارت‌های زندگی در مدارس و خانواده‌ها، زمینه و عوامل ترک منزل از سوی نوجوانان و جوانان را از بین ببرند. لازم به ذکر است که نه تنها غرب با انواع و اقسام ترفندها و جاذبه‌های پوشالی از قبیل ضد ارزش کردن خانواده، توسعه و گسترش شبکه‌های مبتذل اجتماعی و ماهواره و در اختیار قرار دادن راحت و ارزان آیین شبکه‌ها به مردم همت گمارده، بلکه خود ما نیز با فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی موجب ترویج مدگرایی و ارائه مدهای آرایشی و پوشش زننده، پرخاش‌گری و ستیزه‌جویی، و تمایل به سوی شبکه‌های اجتماعی که هدفدار هستند می‌شویم و به جهت دهی آنان کمک می‌کنیم مثلاً گوگل از روی کلمات مورد جستجو افکار سنجی آمارگیری می‌کند و از روی کلمات مورد جستجو نگرانی جوانان را از موضوعی خاص مورد بررسی قرار داده و برای دشمنان گرامی دهد تا در کجا سرمایه‌گذاری کنند و فیس‌بوک و دیگر شبکه‌های اجتماعی نیز همین کار را انجام می‌دهند و به نوعی به تخلیه اطلاعاتی مردم می‌پردازند که اگر طرز درست استفاده از امکانات را به فرزندان یاد بدهیم درگیر معضلاتی چون فرار و جذب دختران به خانه‌های فساد نخواهیم شد و ناتوی فرهنگی و یا به عبارتی جنگ نرم دشمن را بی‌ثمر و بی‌اعتبار خواهیم کرد.<sup>۱</sup>

(۱) طهورا، همان، صص ۷۳-۷۲.

### ۳-۳-۲۴) مد گرایی و مصرف گرایی

لباس پوشاک از نخستین نیازهای انسان است و نوع آن را جامعه، زمان، آب و هوا، توانایی اقتصادی و شئون اجتماعی تعیین می‌کند. قدیمی‌ترین نمونه‌ی مد در جهان مد لباس و افرادی و گروهایی می‌کوشیدند از این راه به نوآوری دست بزنند جوانان به علت تنوع طلبی خواستار چیزهای تازه‌اند م‌بیش از سایرین پیگیر مد‌های جدیدند؛ به گونه‌ای که امروزه لباس‌ها پیوسته دست‌خوش تغییر است. استکبار جهانی برای چیرگی بر کشورهای مورد نظر خود، نسل جوان آن کشورها را هدف قرار داده، لباس‌های مبتذل خود را با قیمت مناسب‌تر در اختیار آنان می‌گذارند. مد‌ها جدید از راه‌های مختلفی چون شبکه‌های تلویزیونی، ماهواره، اینترنت و ... قابل دست‌رسی است. مد پرستی، افزون بر این که راه‌غرب برای رسیدن به هدف تجارت و فروش کالاهای خود است، اهداف سیاسی و رخنه در فرهنگ و تمدن جامعه را نیز دنبال می‌کند در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «امام حسین (علیه السلام) فرمود: خداوند به یکی از پیامبران خود دست‌ورداد تا به پیروان مومن خود بگوید: «لباس دشمن من را نپوشید، خوراک دشمن من را نخورید، راه و روش دشمنان من را نپیماید تا همانند آنان در ردیف دشمنان من قرار نگیرید.»<sup>۱</sup>

### ۳-۱-۲۵) آرایش صورت و مو

گروهی از زنان و جوانان می‌کوشند با آرایش مو و صورت، خود را از دیگران متمایز نشان دهند. در سال‌های اخیر، با نفوذ ماهواره و اینترنت، مدهای عجیب و مستهجن مو، در میان جوانان شایع شده است و بسیاری از مردان، موی سر و صورت خود را شبیه زنان می‌آرایند و یا از مدهایی که ماهیت آن را نمی‌شناسند، استفاده می‌کنند.<sup>۲</sup>

### ۳-۱-۲۶) مصرف گرایی

از دیگر عواملی که باعث نشر فرهنگ مبتذل غرب و در نتیجه تضعیف هویت دینی خانواده می‌شود، روحیه مصرف گرایی است. در جامعه مصرف گرایی که کالاهای خود را از دیگر و به ویژه از مغرب زمین تامین می‌کند، مردم و جوانان از ارزش‌های دینی و اخلاقی خود فاصله می‌گیرند و دور می‌شوند. ورود سیل کالاهای خارجی از قبیل لوازم خانگی، اتومبیل، سیگار و لباس، هزینه‌های گزافی را بر جامعه تحمیل می‌کند.<sup>۳</sup>

---

(۱) همان.

(۲) همان، ص 73.

(۳) طهورا ص ۷۴ / حجت اله، مرادی، قدرت و جنگ نرم؛ از نظریه تا عمل، همان، ص ۵۵۷.



## فصل دوم نقش زنان

در مقابله با تهاجم فرهنگی



امروزه نقش موثر زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیش گیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. زیرا زنان در فرهنگ سازی بیش ترین نقش را دارند و همین نقش موثر و کلیدی موجب شده است که نوک تیز حمله ی مهاجمان در جهانی شدن و استحاله فرهنگی متوجه زنان جامعه گردد. آنان به خوبی در یافتند که اگر موفق به تغییر فرهنگ زنان یک قوم گردند می توانند تمامی فرهنگ آن جامعه را متاثر کرده و تغییر دهند. از این رو مهاجمان فرهنگی تمامی تلاش خود را مصروف تغییر فرهنگ زنان آن جامعه می نمایند. بر همگان روشن است همان طور که زنان قادر به سازندگی فرهنگ خانواده و جامعه می باشند به همان نسبت توان تخریب فرهنگ جامعه را دارند و طبیعی است که زنان جامعه از عمده ترین و تاثیر گذار ترین عناصر مقابله با تهاجمات فرهنگی می باشند. در واقعه بانوان، فرماندهان نبرد با تهاجم فرهنگی هستند.

### ۳-۲-۱) تقویت ایمان و رعایت تقوای الهی

اولین و مهم ترین و در عین حال موثر ترین اقدام جهت مقابله با تهاجم فرهنگی رعایت تقوای الهی است. اگر فرهنگ خداترسی و خدا را حاضر و ناظر دیدن، در میان افراد جامعه رشد پیدا کند، مطمئناً چنین جامعه ای هیچ گونه آسیبی از دشمنان نخواهد دید؛ چون ایمان و تقوا سبب می شود، انسان از آلودگی های اخلاقی مصون بماند. تقوای پیشگی یعنی مبارزه با شیطان، مبارزه نفس و به همان نسبت که جنگ فرهنگی و جنگ علیه ارزش های اسلامی خطرتر ناک تر از جنگ نظامی است، مبارزه با نفس و شیطان و دشمن درون نیز مهم تر از مبارزه با دشمن بیرون است. خداوند می فرماید: «يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»؛ «هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می کند.»<sup>۱</sup> روزی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) به یارانش رو کردند و فرمودند: «شما را به جهاد اکبر فرامی خوانم حال که از جهاد اصغر(جنگ تن به تن) برگشته اید. یاران آن حضرت با تعجب پرسیدند: ای رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) جهاد اکبر چیست؟ که از این جهاد سنگین رزمی بالا تر است و ما باید انجام دهیم؟ فرمودند: مبارزه با نفس.» مشخص است که در نگاه رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) تزکیه نفس و زدودن ردائل اخلاقی و کسب فضائل به مراتب بارزتر از جنگ با دشمنان است.<sup>۲</sup>

امام خمینی (ره) در این زمینه می فرماید: «سازندگی های روحی مقدم بر همه سازندگی هاست. جهاد سازندگی از خود افراد باید شروع بشود و خودشان را بسازند و با شیطان باطنی جهاد

(۱) ۲ و ۳ طلاق .

(۲) اصغر، افتخاری، قدرت نرم فرهنگ و امنیت، همان، ص ۳۳۴.

کنند که این جهاد منشأ همه جهادهایی است که بعد واقع می‌شود. انسان تا خودش را بسازد نمی‌تواند دیگران را بسازد و تا دیگران ساخته نشوند، نمی‌شود که کشور ساخته بشود.<sup>۱</sup>

پس اگر انسان‌ها به خودشان توجه داشته باشند و با شیطان درونشان جهاد نکرده باشند، نه تنها نمی‌توانند جامعه را اصلاح بکنند بلکه موجب فساد جامعه نیز می‌شوند<sup>۲</sup>، ایشان معتقدند کارگزاران هر کشور باید اصلاح را از خودشان شروع کنند، اگر هواهای نفسانی اسباب این بشود که گله‌ها به شکایت‌ها، شکایت‌ها به مخالفت‌ها برسد، آن روزی است که عزای همه کشور را باید گرفت و گناهش گردن کسانی است که نفسانیت را زیر پا گذاشته اند<sup>۳</sup>

مطالب بالا رابطه تنگاتنگ مقابله با تهاجم فرهنگی را نشان می‌دهد. از نظر امام خمینی (ره): « فرهنگ، هویت و موجودیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهد<sup>۴</sup> و توسعه فرهنگی شرط اصلی و زیر بنای ابعاد دیگر توسعه است. و فرهنگ مورد نظر امام فرهنگ اسلامی<sup>۵</sup> است. وظیفه فرهنگ اسلامی انسان‌سازی است هم چنان که ماموریت انبیاء نیز برای آدم‌سازی بوده است.»<sup>۶</sup>

به عقیده بانو امین، تنها زنانی می‌توانند به اصلاح اجتماع بپردازند که خود ساخته باشند. او نگارش کتاب روش خوش بختی تالیف کوشید زنان را به راه بکشاند در این جهت، زنان را از تجمل، مدپرستی و اوصاف رذیله اخلاقی بر خذر داشت و به آنان توصیه کرد که برای خود سازی به این شیوه عمل کنند: « نخست سکوت و تفکر کن، دوم، برای افزایش حکمت، کم بخور، سوم، برای تقویت نفس و جلای روح، کم بخواب و شب زنده دار باش و چهارم، از صاحبان اخلاق فاسد فاصله بگیر و پنجم، همیشه بیاد خدا باش. »<sup>۷</sup>

تقویت ایمان از طریق بالابردن سطح رشد علمی و فکری زنان جامعه نسبت به مسائل اعتقادی، تبلیغ، نشر و ترویج مسائلی که در تشدید عواطف و احساسات دینی زنان تأثیر زیادی دارد، مانند

(۱) روح الله، موسوی، صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۳۷۹.

(۲) همان.

(۳) همان، ج ۱۷، ص ۵۳۳.

(۴) همان، ج ۱۵، ص ۲۴۳.

(۵) همان، ج ۸، ص ۸۵.

(۶) همان، ج ۷، ص ۴۲۷.

(۷) مرتضی، شیروودی، نقش سیاسی- اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، همان، ص ۶۱.

نماز جماعت، جلسات قرآن، هیأت‌های مذهبی، دور نگاه‌داشتن جامعه از ارزش‌های ضد اسلامی و غیرخدایی با ترویج ارزش‌های دینی در یک سطح گسترده و فراگیر و ... به بیان یکی از متفکران اسلامی، حفظ باورها و ارزش‌های اسلامی با احیای جلسات مذهبی یکی از راه‌های مقابله با هجوم فرهنگی است. اعتقاد به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهان، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در خانواده پدید می‌آورد و میزان مصونیت آن‌ها را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می‌دهد. به عبارت دیگر خانواده‌ها با تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در فرزندان در زمینه مذهب و سیاست می‌توانند آن‌ها را به سنگری نفوذ ناپذیر در برابر بمباران فرهنگی دشمن تبدیل نمایند و سود جویان غرب را ناکام و ناامید سازند. بی‌تردید، چنین ایمانی فرزندان را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می‌شود و از کج روی و ناهنجاری‌ها باز می‌دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۲) رعایت ضوابط و آداب نگاه کردن

اگر در نگاه کردن مراعات احکام شرعی نشود به عنوان موثرترین ابزار گناه باعث سقوط ارزش‌های اخلاقی می‌شود. فاصله بین نگاه و گناه بسیار کم است، اصولاً خود نگاه اگر هم راه با مراعات احکام شرعی آن نباشد همان گناه است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید در مورد نگاه کردن به نامحرم ابتدا راجع به مردان مومن می‌فرماید: «و قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم.»<sup>۲</sup> و سپس راجع به زنان مومن می‌فرماید: «و قل للمؤمنات یغضن من ابصارهن.»<sup>۳</sup>

غض در لغت بمعنی کم کردن آمده ولی غالباً استعمال می‌شود در پوشیدن چشم بمعنی کم کردن نظر.<sup>۴</sup> و معنای جمله این است که به مؤمنین امر کن که چشم خود را بپوشند، و تقدیر آن این است که: «ایشان را امر به غض و چشم‌پوشی کن که اگر امر بکنی چشم خود را می‌پوشند»، و این آیه به جای این که نهی از چشم‌چرانی کند، امر به پوشیدن چشم کرده و فرقی ندارد، آن امر این نهی را هم افاده می‌کند و چون مطلق است نگاه به زن اجنبی را بر مردان، و نگاه به مرد اجنبی را بر زنان تحریم فرموده.<sup>۵</sup>

---

۱) محمد تقی، مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، تحقق عبدالجواد، ابراهیمی، قم، موسسه آموزش و پژوهش امام خمینی، ۱۳۷۶، ص ۱۲۷/ داوری اردکانی، رضا، تبادل فرهنگی و فرهنگ جهانی غربی، درباره غرب، چاپ اول، تهران، ناشر: هرمس، ۱۳۷۹، ص ۸۸/ حجت اله، مرادی، قدرت نرم و جنگ نرم از نظریه تا عمل، همان، ص ۵۵۷/ عباس، فیروزی، کتاب مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، ص ۱۹۵.

۲) نور / ۳۰.

۳) نور / ۳۱

۴) امیرابوالفتح، حسین جرجانی، آیات الأحکام (الجرجانی)، ج۲، تهران، ناشر: نوید، بی تا، ص: 360  
۵) محمدباقر، موسوی همدانی، ترجمه میزان، قم، ناشر: جامع مدرسین حوزه علمیه، 1374، ج۱5، ص: 160.

و در حدیث حواء رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: ای حوا! حلال نیست از برای زن که داخل خانه شخص نامحرم شود و چشم خود را از او پر نماید و با نامحرم در یک جا طعام بخورد.

۱

اصل لفظ «غض» به معنای نقصان در دیدن و شنیدن است. «غض طرفه» یعنی چشمش او را فرو خوابانید. پس خداوند در این دو آیه به طور صریح به پیامبر گرامی اسلام می فرماید که ای رسول ما به مردان مومن بگو که چشمان شان را از زن نامحرم بپوشانند و هم چنین به زنان مومن بگو که چشمانشان را از نگاه نامحرم بپوشانند. رعایت همین دستور اخلاقی در جامعه اسلامی باعث می شود بسیاری از گناهان بعدی واقع نشود.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «انظره منهن مسموم من سهام ابلیس»؛ «نگاه بد تیر

زهرآگین از تیر های شیطان است.»<sup>۲</sup>

و نیز رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «هر مسلمانی که یک باره به زنی بنگرد آن گاه چشم از او باز دارد. خداوند با عبادتی او را انس دهد که لذت و شیرینی آن را در قلب خویش احساس کند.»

پس معلوم می شود مهم ترین اصل اخلاقی که برای مقابله با تهاجم فرهنگی در جامعه ی اسلامی باید مراعات گردد آداب نگاه کردن مرد و زن نامحرم به یک دیگر است اگر تربیت اسلامی و براساس ارزش های اخلاقی باشد. تربیت یافتگان آن تربیت در این گونه موارد بر اساس موازین شرعی عمل نموده و مرتکب گناه و معصیت نمی شوند و در نتیجه بدنبالش گناهان دیگر نیز صورت نمی گیرد.<sup>۳</sup>

### ۳-۲-۳) رعایت ضوابط و آداب سخن گفتن

یکی دیگر از دستورات اخلاقی قرآن مجید برای حفظ صحت و سلامت جامعه و ایجاد تقوا در افراد، به طوری که با رعایت آن دشمنان در تهاجم فرهنگی ناموفق باشند، رعایت آداب سخن گفتن افراد نامحرم با یک دیگر است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید می فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا»<sup>۴</sup>؛ «ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید. اگر خداترس و پرهیزکار باشید، پس زن ها نازک و نرم با مردان سخن مگویید مبادا آن که دلش بیمار (هوی و هوس) است به طمع افتد و درست و نیکو سخن گویند.»

(۱) همان، ص: 491

(۲) ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، چاپ سیزدهم، تهران، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۶۰، ص ۶۳۶.

(۳) عباس فیروزی، کتاب مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۱۹۸-۱۹۶.

(۴) احزاب/ ۳۲.

خداوند زنان را در این آیه از این که در هنگام سخن گفتن با مردان، با نرمی و نازکی کلام، سخن بگویند نهی فرموده است زیرا در این صورت ایجاد شک و تهمت و برانگیختن شهوت در مردانی می شود که مریض القلب هستند. اگر زنان در جامعه اسلامی مراعات این دستور را بکنند از بسیاری فسادها جلو گیری می شود.

حضرت علی(علیه السلام) می فرمایند: «بهترین خصلت های زنان بدترین خصلت های مردان است که عبارتند از کبر و ترس.»<sup>۱</sup>

«تکبر برای همه حرام و گناه است مگر برای زن. تکبر برای مرد حرام است برای زن نسبت به مرد بیگانه، مستحب است، باید این گونه برخورد کند.»<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۴) مراعات ضوابط و آداب لباس پوشیدن

اسلام دینی بزرگ و همه جانبه است و برای تمام مسائل فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... برنامه دارد و احکامی را وضع کرده است. یکی از احکام و دستورات اسلام در حوزه فردی و اجتماعی و فرهنگی، احکام پوشش و حجاب زنان و مردان است.

پوششی که در ادیان و مذاهب و در کتاب اسمانی ما قرآن آمده است، نوعی از پوشش است برای حفظ کرامت انسانی، حفظ صفات انسانی و مصون ماندن از هوا و هوس و ... و به طور کلی یک پوشش برای سعادت زندگی فردی و اجتماعی است، پوششی که در عین داشتن خصوصیات مورد نیاز یک پوشش، پوششی تعالی بخش و کامل باشد. هدف اسلام از بیان نوع پوشش زنان و مردان، ارائه یک پوشش مناسب برای سعادت دنیوی و اخروی است.

طریقه لباس پوشیدن مردان و زنان در جامعه اسلامی از جمله امور مهمی است که اگر موازین شرعی در آن رعایت شود بسیاری از گناهان و فساد های بعدی ایجاد نمی شود. مصدر «لبس» در عربی به معنی به اشتباه افتادن و چیزی را با چیز دیگر همانند پنداشتن و چیزی را با چیز دیگر گرفتن است و به معنی «شبهه و اشکال و عدم وضوح» آمده است. پس لباس وسیله ای است برای از نظر دور داشتن شکل اصلی بدن و تغییر شکل دادن آن، و آن را به شکل و گونه ی دیگر در آوردن و همانند با چیزی دیگر کردن و وسیله ای برای از بین بردن وضوح و مشخصات بدن.

خداوند در قرآن مجید می فرماید: «وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ...»<sup>۳</sup>؛ «ای رسول، زنان مومن را بگو... زینت و آرایش خود به آن چه ظاهر می شود بر بیگانه آشکار نسازند و باید

(۱) نهج البلاغه.

(۲) عباس فیروزی، کتاب مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، ص ۱۹۸.

(۳) نور/ ۳۱.

سینه و دوش خود را با مقنعه بپوشانند...» این آیه حدود پوشش را مشخص می کند. در ذیل این آیه شیعه و سنی روایت کرده اند که: « روزی در هوای گرم مدینه زنی جوان و زیبا در حالی که طبق معمول روسری خود را به پشت گردن انداخته و دور گردن او پیدا بود از کوچه عبور می کرد. مردی از اصحاب رسول خدا از طرف مقابل می آمد. آن منظره ی زیبا سخت نظر او را جلب کرد و چنان غرق تماشای او شد که از خودش و اطرافش غافل گشت و جلوی خودش را نگاه نمی کرد. آن زن وارد کوچه ای شد و جوان با چشم خود او را دنبال می کرد. همان طور که می رفت ناگهان استخوان یا شیشه ای که از دیوار بیرون آمده بود به صورتش اصابت کرد و صورتش را مجروح ساخت. وقتی به خود آمد که خون از سر و صورتش جاری شده بود. با همین حال به حضور رسول خدا رفت و ماجرا را به عرض رساند. این جا بود که آیه ی مبارک نازل شد: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ...» ۱.

زنان را هم مانند مردان به چشم پوشی و عفت و پاکدامنی امر فرموده است. ام سلمه گفت: خدمت رسول خدا بودم و میمونه نیز آن جا بود. پسر امّ مکتوم، حاضر شد، و این داستان، بعد از آن بود که آیه حجاب نازل شده و ما مأمور به حجاب شده بودیم، پیامبر به ما فرمود خود را بپوشانید و حجابتان را حفظ کنید. ما گفتیم یا رسول الله، مگر فرزند ام مکتوم نابینا نیست؟ فرمود آیا شما هم نابینا هستید و او را نمی بینید. ۲.

اما این که فرمود: « وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا» کلمه « ابداء» به معنای اظهار است و مراد از زینت زنان، مواضع زینت است، زینت و مواضع زینت خود را پنهان نمایند از مردم اجنبی جز آنچه که ظاهر و آشکار است و مراد از زینت مواضع زینت است نه طلا و آلات زیور و زینت که مورد حرمت نخواهد بود و مراد از ظاهر رخسار و دو دست و پا است؛ زیرا اظهار خود زینت از قبیل گوشواره و دست بند حرام نیست، پس مراد از اظهار زینت، اظهار محل آن ها است. ۳.

«زینت» چیزی است که زن خود را به آن می آراید، از قبیل زیور آلات یا سرمه کشیدن و یا خضاب کردن و غیر اینها. و زینت بر دو قسم است: زینت ظاهری و زینت باطنی و گفته اند پوشاندن زینتهای ظاهری واجب نیست.

(۱) نور / ۳۱.

(۲) مرتضی، مطهری، مسئله ی حجاب، همان، ص ۱۴۰-۱۳۹ / محمدباقر، موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص: ۱۶۱ / ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۷، تهران، ناشر: فرهانی، ۱۳۶۰، ص: ۱۳۰ / محمد حسین، حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۱، تهران ناشر: کتاب فروشی لطفی، ۱۴۰۴م، ص: ۳۶۵ / احمد، بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص: ۲۸۹ / محمد ابراهیم، بروجردی، تفسیر جامع ج ۴، ص: ۴۸۶.

(۳) محمد باقر، موسوی همدانی، ترجمه المیزان، ج ۱۵، ص: ۱۶۰ / محمد حسین، حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱۱، ص: ۳۵۹ / عباس، کریم حسینی، تفسیر علین، قم، ناشر: انتشارات اسو، ۱۳۸۲ ص: ۳۵۴.

بر زنان واجب است خمارهای خود را که معنی آن بعدا خواهد آمد بر سینه‌های خویشان بیفکنند «وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» و این وجوب از کلمه «لیضربن» مفهوم می‌شود که امر غایب و برای وجوب به کار رفته است. آری با توجه به معنی کلمه «خمر» که در جمله مورد بحث است تردیدی نیست که حجاب در اسلام واجب و لازم است. به عبارت دیگر: مدرک وجوب حجاب از نظر قرآن مجید همین جمله مورد بحث می‌باشد. جالب اینکه این جمله نوع حجاب یعنی آن لباسی را که زن باید به منظور و به عنوان حجاب بپوشد تعیین نکرده است. یعنی نفرموده: حجاب عبارت است از چادر، و چادر عبارت است از این که در این زمان پوشیده می‌شود. و یا این که حجاب فقط منحصر به روسری است که جمله مورد بحث می‌گوید. و اگر می‌بینیم جمله مورد بحث می‌گوید: بر زنان واجب است که اطراف روسری‌های خود را به سینه‌های خود بیفکنند نه به خاطر تعیین کیفیت حجاب، یا نوع لباس آن است. بلکه چون نوع لباس و روسری‌های زنان زمان نزول قرآن به این کیفیت بوده لذا سخن از «خمرهن» به میان آمده است.

پس با دقت به آن چه در بالا گفته شد به این نتیجه می‌رسیم که حجاب عبارت است از محجوبه بودن و پوشیده بودن زنان و لباس حجاب به هر نحوی و به هر نوعی و به هر رنگی که باشد مانعی ندارد. ولی مشروط بر اینکه نوع حجاب، فریبنده نباشد، و جلب توجه نکند، و نیز از نوع حجاب کفار نباشد که پوشیدن آن در اسلام ممنوع شده باشد. رسول خدا (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) چنان که سیوطی در کتاب (جامع صغیر) آورده- می‌فرماید: «من تشبه بقوم فهو منهم» «یعنی کسی که خود را به قومی شبیه کند از آن قوم خواهد بود». جالب این که پیامبر خدا نحوه تشبه را تعیین نفرموده است و این بیانگر آن است که اگر انسان، خود را به هر نحوی از انحاء شبیه به کفار نماید مشمول این حدیث شریف خواهد شد. خواه از نظر قیافه، یا از لحاظ لباس و ... و بدیهی است که هیچ مسلمان واقعی و راستین دوست ندارد از دار و دسته کفار باشد.<sup>۱</sup>

در این آیه مراد از زینت، مواضع زینت است زیرا نفس آشکار کردن و ظاهر کردن وسایل زینت مثل دستبند و گوشواره حرام نیست بلکه آن چه حرام است ظاهر نمودن مواضعی از بدن است که آن را زینت می‌کنند.

این امر و نهی که از طرف خداوند تبارک و تعالی صادر شده است از جمله دستورات اخلاقی است که مراعات آن در جامعه اسلامی گذشته از این که باعث ایجاد روح تقوا در انسان می‌شود عامل حفظ صحت و سلامت جامعه از امراض روحی و فسادهای گوناگون نیز است. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «بهترین زنان شما، کسی است که فرزند بسیار آورد، مهربان باشد، شریک و مطیع شوهر باشد، و بدترین زنان شما کسانی هستند که آرایش و زینت‌های خود را ظاهر

۱) محمدجواد، خمینی، تفسیر آسان، تهران، ناشر: انتشارات الاسلامیه، 1363، ج 14، ص: 75.

کنند، تکبر و منفق باشند و از آن‌ها جز به اندازه‌ی کلاغی که خط سفید به گردن دارد، به بهشت نمی‌روند. ۱»

مقام معظم رهبر فرمودند: «زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود و در عین حال، در متن و مرکز، نقش‌آفرینی کرد و فتوحات بزرگ به ارمغان آورد». اندلسی دیگر را بوجود آورد اگر در جامعه اسلامی زنان مسلمان خود را ملزم به رعایت این دستورات اخلاقی نمایند در آن صورت تهاجم فرهنگی دشمنان اثری نخواهد بخشید.

دین مبین اسلام نسبت به رعایت حجاب اسلامی از طرف زنان بیش‌تر تاکید کرده و برای حفظ سلامت جامعه اسلامی به طور صریح آن را در قرآن مجید بیان فرموده است. برخی از متفکران معتقدند: «یکی از فلسفه‌های حجاب این است که جذابیت زن‌ها برای مردان حفظ شود زیرا در غیر این صورت مردان هرگز به ازدواج حاضر نخواهند شد.»

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «چهار طایفه را خداوند از فوق عرش لعن فرموده و ملائکه آمین گفتند، کسی که تزویج نکند و خود را محصور نماید برای این که اولاد پیدا نکند و زنی که خود را شبیه مردان کند و مردی که خود را شبیه زن‌ها کند و کسی که مؤمنی را فریب دهد به سائل بگوید بیا و بگیر چون آید بگوید ندارم. به کور بگوید دایه را ملاحظه کند و دابه نباشد، و سؤال خانه‌ای را بگیرد خانه دیگر نشان دهد.» ۲»

مقام معظم رهبری در زمینه‌ی حجاب می‌فرمایند:

«زنان ما چادر را انتخاب کرده‌اند. البته ما هیچ وقت نگفتیم که حتماً چادر باشد و غیرچادر نباشد. گفتیم که چادر بهتر از حجاب‌های دیگر است. زنان ما می‌خواهند حجاب خودشان را حفظ کنند. چادر را هم دوست دارند و چادر «لباس ملی» ماست. چادر بیش از آن که یک حجاب اسلامی باشد، یک حجاب ایرانی است! مال مردم ما و لباس ملی ماست. ۳»

مقام معظم رهبری «مدظله» درباره‌ی نقش زنان محجبه در پیروزی انقلاب اسلامی می‌فرمایند: «ما دیدیم که خانم‌ها در انقلاب، به معنای واقعی کلمه، سربازان خط مقدم انقلاب بودند. این چیزی است که من به عنوان مبالغه نمی‌گویم، بلکه در جریان انقلاب، شاهد بودیم که زن در کشورمان سرباز خط مقدم انقلاب شد. اگر زن‌ها با انقلاب سازگار نبودند و این انقلاب را نمی‌

۱) ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، همان، ص ۲۱۳.

۲) عبدالحسین، طیب، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، تهران، ناشر: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۵۲۵.

۳) رضا، تقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، همان، ص ۳۸۸-۳۸۷/ مجتبی احمدی و هم کاران، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم:

واکاوی مختصات منازعه نرم در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، تهران، ناشر: کیهان، ۱۳۸۸/ ص ۲۵۸.



پذیرفتند و به آن باور نداشتند، مطمئناً این انقلاب واقع نمی شد، اعتقاد من این است که اگر آن ها نبودند اولاً نیمی از گروه انقلابیون مستقیم در میدان نمی آمدند و ثانياً به طور غیر مستقیم روی فرزندان و شوهران و برادران و کلاً روی محیط خانه هاشان اثر می گذاشتند و به کلی این کار انجام نمی گرفت، زیرا زن در محیط خانه دارای تاثیر فرهنگی زیادی است. این حضور آن ها بود که توانست ستون فقرات دشمن را بشکند و مبارزه را به معنای واقعی کلمه پیش ببرد. بعد در میدان های سیاست ما دیدیم و می بینیم خانم هایی را که دارای قدرت تحلیل و سخن وری و آماده برای پذیرش مسئولیت در نظام اسلامی هستند این کار البته رو به گسترش است. «۱»

تمام تلاش ها، برنامه ها، تبلیغات در جامعه ی اسلامی باید حول این مسئله باشد که هر چه بیش تر زنان را نسبت به وظایف دینی خود آگاه نمایند تا آن ها آگاهانه خود را ملزم به رعایت دستورات اخلاقی اسلام در مورد حجاب اسلامی بدانند. اگر چنین شد آن جامعه از هرگونه آسیب فرهنگی دشمنان در امان خواهد بود. همان طور که آیت الله خامنه ای می فرماید: «باید توجه کنید هیچ بحثی در زمینه های مربوط به پوشش زن، متاثر از هجوم تبلیغاتی غرب نباشد زیرا اگر متاثر از آن شد خراب می شود.»<sup>۲</sup>

لباس هر انسان پرچم کشور وجود اوست، پرچمی است که او بر سر در خانه ی وجود خود نصب کرده است و با آن اعلام می کند که از کدام فرهنگ تبعیت می کند. هم چنان که هر ملتی با وفا داری و احترام به پرچم خود، اعتقاد خود را به هویت ملی و سیاسی خود ابراز می کند، هر انسان نیز مادام که به یک سلسله ارزش ها و بینش ها، معتقد و دل بسته باشد لباس مناسب با آن ارزش ها را از تن در نخواهد کرد.<sup>۳</sup>

دشمنان دین و آئین آسمانی اسلام و ایران از حجاب زنان واهمه دارند، حجاب زن مسلمان هم چون سلاح ها جنگی سپری در مقابل چشم طمع دشمنان است، تا زمانی که زنان مسلمان حجاب دارند، دشمن نمی تواند به هم لکت آن ها ضربه بزند، اما امان از روزی که در این ترفند شوم یعنی مد گرایی و برداشتن حجاب و چادر از سر زنان مسلمان موفق شود در آن صورت جامعه را به سوی فساد و فحشاء سوق خواهد داد و استقلال و اراده را از آن ها سلب خواهد کرد و هرگونه که بخواهد

---

(۱) همان/ محمد تقی، مصباح یزدی، تهاجم فرهنگی، تحقیق: عبدالجواد ابراهیمی، قم، ناشر: مؤسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.

(۲) عباس، فیروزی، کتاب مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۱۹۹-۲۰۰/ اسماعیل، شفیعی سروستانی، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، همان.

(۳) رضا، تقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، همان، ص ۳۶۸.

با آن‌ها رفتار خواهد نمود. تنها عامل ناکامی دشمنان در این آرزوی شومشان آگاهی زنان مسلمان و مقید بودن آن‌ها به دستورات و احکام شرع مقدس اسلام است.<sup>۱</sup>

اولین نگهبان زن خود اوست که با پوشش مناسب و حجاب کامل می‌تواند خود را از آفات و خطرات احتمالی در جامعه محفوظ نگه داشته و نگذارد کسی به حریم او تجاوز نماید. حجاب زینت و نگهبان زن است. هنگامی که زنان مسلمان به مبارزه‌ی با استعمار برمی‌خیزند، تشخیص می‌دهند که برای مبارزه با استعمارگران لازم است به هویت فرهنگی خود برگردند و همان عاملی را که استعمار موجب تهی کردن آن قرار داده و از بازگشتش رنج می‌برند دوباره زنده کنند، زیرا حجاب همیشه شعار ضد قدرت‌های سلطه‌گر بوده است.<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۵) رعایت واجبات دین

### ۳-۲-۵-۱) اقامه فریضه‌ی نماز و ارتباط با مسجد

#### نماز

مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین عمل عبادی انجام فریضه‌ی نماز است. اگر واقعا فریضه‌ی نماز آن‌طور که شایسته آن است اجرا شود هیچ‌گونه فساد و فحشایی در جامعه بوجود نخواهد آورد. خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ»<sup>۳</sup>؛ «و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد و قطعاً یاد خدا بالاتر است». نماز یکی از عبادات بزرگ اسلامی و ستون دین است مظهر کامل خشوع و خضوع در برابر ذات اقدس الهی است. عبادتی که در ضمن آن، انسان در پیشگاه مقدس حق تعالی می‌ایستد و به بندگی خویش در مقابل خالق خود اعتراف می‌کند و حرف دلش را می‌گوید و از درگاه مقدس آن ذات الهی، کمک می‌خواهد و پیشانی در آستانه پاک او به خاک می‌ساید و حوائج را از او می‌طلبد.

امام صادق (علیه السلام) در باره‌ی اهمیت خواندن نماز فرمودند: «اولین عمل انسان که مورد محاسبه قرار می‌گیرد نماز است پس اگر نماز قبول شد اعمالش نیز قبول می‌شود و اگر نمازش مردود شد بقیه اعمالش نیز مردود می‌شود.»<sup>۴</sup>

مقام معظم رهبر «مد ظله» فرمودند: «انسان همیشه به نماز، محتاج است و در عرصه‌های خطر، محتاج تر.»

عواقب نخواندن نماز عصر: روزی زنی دیوانه وار و فریاد کنان خدمت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) آمد و عرض کرد: «ای رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)! به یارانت بفرماید از نزد شما

۱) رضا، کریمی، حکمت حجاب، قم، ناشر: نسیم حیات، ۱۳۶۹، صص ۶۶-۶۰.

۲) همان، صص ۳۷۷-۳۷۶.

۳) عنکبوت/ ۴۵.

۴) محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۶.

بروند که من با شما عرضی دارم. اصحاب رفتند. آن زن عرض کرد: یا رسول الله (صلی الله علیه و آله وسلم)! گناه بسیار بزرگی مرتکب شده ام. حضرت فرمودند: رحمت پروردگار بزرگ تر از گناه توست. سپس پرسیدند: گناهت چیست؟ آن زن گفت: شوهردار بوده ام مرتکب زنا شدم از نطفه ی حرام حامله شدم بچه به دنیا آمد، او را خمره ی سرکه خفه کردم و سرکه ی نجس را به مردم فروختم! ... رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: آیا می خواهی بدانی چرا درون این چاه افتادی و این گناهان را مرتکب شدی؟ من گمان می کنم که تو نماز عصر نمی خوانی. «۱ نماز هم مانند تقوا سبب می شود، انسان از گناه و آلودگی های اخلاقی مصون بماند. که این خود یکی از راه های مقابله با تهاجم فرهنگی است. بنابراین؛ زنان علاوه بر این که خودشان باید به نماز اهمیت بدهند فرزندان شان را طوری تربیت کنند که به مسائل شرعی خود از جمله نماز که نقش بسیار مهمی در دوری از گناه دارد، اهمیت دهند. ۲»

### ارتباط با مسجد

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «اذا نزلت العاهات والآفات غوفی اهل المساجد»؛ «آن گاه که آفت ها و تباهی ها بر جامعه فرودارد، تنها اهل مسجد در سلامت و عافیت باشند. « مسجد خانه ی خدا و محل آرامش، امنیت و راز و نیاز با خدا و محل تجمع مسلمانان است حضور در مسجد و شرکت در برنامه های عبادی، بخصوص نماز جماعت فواید و برکات فردی و اجتماعی و معنوی زیادی برای مومنین بخصوص جوانان (دختران) داشته و خواهد داشت. همان طور که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) در حدیث فرمودند؛ در هر زمانی که آفت ها و تباهی ها بر جامعه، بخصوص زنان و جوانان فرودارد. مثل امروز که ماهواره ها و رسانه های بیگانه، مردم را بمباران برنامه های غیر اخلاقی و مبتذل خود می کند، بهترین پناهگاه و محلی که سلامتی روحی، اخلاقی و رفتاری ما را بیمه می کند. ذکر خدا و پناه آوردن به مسجد و این محل امن الهی است. امام خمینی (ره) فرمودند: «مساجد را پر کنید و نماز را به جماعت بخوانید. «۳ مساجد سنگرند، همان طور که در انقلاب و پیروزی آن موثر بوده. مقام رهبری «مدظله» در این باره فرمودند: «مساجد همیشه پایگاه دین داری و حرکت مردم در جهت دین بوده است. شما خودتان یادتان است که انقلاب از مساجد شروع شد...» بنابراین؛ برای تقویت جبهه فرهنگی و مقابله با تهاجم فرهنگی نیز

۱) مهدی، نصیریان دهریزی، گنجینه عفاف، چاپ هشتم، قم، ناشر: اندیشه صادق، ۱۳۸۸، ص ۶۰.

۲) ابوالفضل، امیری، تهدید نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، همان، صص ۱۳۶-۱۳۵.

۳) روح الله، موسوی، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

بسیار موثرند و تا زمانی که مساجد فعال و پر تحرک باشند. دشمن نمی تواند علیه ما کار اساسی و مهمی انجام دهد. ۱

### ۳-۲-۵ (تولی و تبری)

از مفاهیم سازنده و اصطلاحات ارزنده که در نظام تربیتی و سیاسی اسلام و نیز در حفظ و تامین امنیت فرهنگی، آثار و نتایج فراوانی را به دنبال داشته، مفهوم «تولی» و «تبری» بوده است. در فرهنگ اسلامی «تولی» به معنای پذیرش «ولایت خدا و اولیای خدا» است؛ به عبارت دیگر، آنان که خانه ی دل را از محبت خدا و دوستان خدا انباشته اند و این دوستی را در رفتار اجتماعی و سیاسی خود منعکس می سازند تولی دارند.

«تبری» واژه متضاد «تولی» است که به معنای دوری جستن و بری بودن باشد و در فرهنگ سیاسی اسلام، کسی دارای تبری است که ولایت و سرپرستی دشمنان خدا و اولیای خدا را نپذیرند و قلب و فکر خود را از بغض و دشمنی نسبت به دشمنان خدا و دوستانش پر نموده باشند. اصطلاح دیگری که همین مفهوم تولی و تبری را دارد و در کتاب های حدیثی شیعه بابی تحت این عنوان کشف شده است، اصطلاح «حب» و «بغض» است با این عبارت: «الحب فی الله و البغض فی الله.»<sup>۲</sup>

روزی رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) یاران خود را مورد خطاب قرار داده و فرمودند: «کدام یک از دستگیره های ایمان استحکام بیشتری دارد؟ هر کدام از حاضران جوابی دادند، یکی گفت: نماز. دیگری زکات و سومی روزه، حج، جهاد و... رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) در نهایت فرمود: «او ثق عری الایمان، الحب فی الله و بغض فی الله و توالی اولیاء الله و التبری من اعداء الله»؛ محکم ترین دست آویز ایمان این است که برای خدا دوست بدارد و برای خدا نیز دشمن بدارد و با اولیای خدا پیوند برقرار سازد و از دشمنان خدا براثت بجوید.» تولی و تبری در حقیقت یک نوع مصونیتی است که در رفتار، گفتار و پندار فرد متولی و متبری ایجاد می ند و او در پناه چنین مصونیتی می تواند آرمان ها و اعتقادات خود را حفظ کرده و در حفاظتی از امنیت فرهنگی قرار بدهد، لذا در تایخ زندگانی کسانی که از تولا و تبری بالایی برخوردار بودند ثبت نشده است که این دسته از انسان ها در دام تزویر دشمنان گرفتار آمده باشند.<sup>۳</sup>

### ۳-۲-۵ (امر به معروف و نهی از منکر)

فریضه ی مقدس امر به معروف و نهی از منکر یکی از راه های مقابله با فرهنگ غرب می باشد. تکلیف همیشگی مسلمان هاست. جامعه ی اسلامی با امر به معروف و نهی از منکر زنده می ماند. از

---

۱) ابوالفضل، امیری، تهدید نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، همان، صص ۱۳۶-۱۳۵ / اصغر، افتخاری، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، همان، صص ۳۳۴.

۲) اصول کافی، ج ۲.

۳) رضا، تقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، همان، صص ۱۸۰-۱۷۸.

واجبات شرعی که برعهده ی هر زن و مرد مسلمان است و خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید، به آن اشاره فرموده است.

نظارت افراد بر خود و دیگران در جامعه اسلامی از جمله وظایفی است که برعهده ی تک تک افراد جامعه است. گذشته از آن از نظر فقهی، امر به معروف و نهی از منکر واجب کفایی است لذا در جامعه حتما باید به این امر مهم بپردازند.

خداوند در قرآن مجید می فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» ۱؛ «و باید از میان شما گروهی (مردم را) به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند و آنان همان رستگارانند.»

این آیه، دلالتی بر وجوب امر بمعروف و نهی از منکر و عظمت موقع و محل آن ها در شرع مطهر است زیرا که خدای تعالی رستگاری را بسته بآن دو قرار داده است و بسیاری از متکلمین را عقیده این است که امر بمعروف و نهی از منکر واجب کفائی هستند و پاره‌ای آنها را واجب عینی میدانند. ۲ و معروف: یعنی شناخته شده از لحاظ عقل یا شرع یا عرف صالح، و آن در مقابل منکر است، یعنی چیزیکه در مقابل عقل و شرع شناخته و مجهول و مبهم باشد. ۳

امام حسن (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت کرده است که فرموده: «من أمر بالمعروف و نهی عن المنکر فهو خلیفه الله فی أرضه و خلیفه رسول الله و خلیفه کتابه» یعنی هر کس امر بمعروف و نهی از منکر کند او جانشین خدا در زمین او و جانشین رسول خدا و جانشین کتاب اوست.

گروهی که بخوانند مردمان را بسوی نیکویی یعنی بدین حق علی بن ابراهیم از امام باقر (علیه السلام) روایت کرده که این گروه آل محمد و تابعین ایشانند که مردم را دعوت بخیر میکنند. ۴ هم چنین در سوره ی «و المومنون و مومنات بعضهم ...» ۵ مردان و زنان با ایمان برخی ناظر و سرپرست بر بعض دیگر هستند؛ به این معنا که هم دیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «لا تترکوا الامر بالمعروف و النهی عن المنکر فیولی علیکم شرارکم ثم تدعون فلا یتجاب لکم»؛ «امر به معروف و نهی از منکر را ترک نگویید که در غیر این صورت افراد شرور بر شما مسلط می شوند و هر چه دعا کنید استجابت نمی شود.» ۶

(۱) آل عمران / ۱۰۴.

(۲) علی رضا، خسروانی، تفسیر خسروی، ج ۲، تهران، ناشر: انتشارات اسلام ۱۳۹۰ق، ص ۵۱.

(۳) حسن، مصطفوی، تفسیر روشن، ج ۴، تهران، ناشر: مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۰، ص ۳۶۷.

(۴) محمدبن علی، شریف لاهیجانی، تفسیر شریف لاهیجی، ج ۱، تهران، ناشر: دفتر شر داد، ۱۳۷۳، ص ۳۶۲.

(۵) توبه / ۷۱.

(۶) محمد، ثقفی تهرانی، تفسیر روان جاوید، ج ۱، تهران، ناشر: انتشارات برهان، ۱۳۹۸ق، ص ۴۷۳.

امام باقر(علیه السلام) فرمودند: « امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران و صالحان و واجب بزرگ الهی است که سایر واجبات به وسیله ی آن برپا می شوند، و در پرتو آن امنیت فرهنگی و اجتماعی تامین می شود، کسب و کار مردم حلال، حقوق پایمال شده افراد باز می گردد. زمین ها آباد و از دشمنان انتقام و امور دین و دنیا رو به راه می شود.»<sup>۱</sup>

سوره ی « و المومنون و مومنات بعضهم ... »<sup>۲</sup> مردان و زنان با ایمان برخی ناظر و سرپرست بر بعض دیگر هستند؛ به این معنا که هم دیگر را امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

اگر بخواهیم جامعه سالم و صالحی داشته باشیم باید تک تک افراد آن جامعه در مسیر خیر و صلاح قدم بردارند و این میسر نمی شود مگر این که فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه زنده باشد. در این صورت اگر دشمنان اسلام آن جامعه را مورد انواع تهاجم چه فرهنگی و چه غیر فرهنگی قرار دهند در نهایت نخواهند توانست بر آن جامعه مسلط شوند.

حضرت در جای دیگر می فرمایند: « فرض الله الامر بالمعروف مصلحه للعوام.»<sup>۳</sup>

اگر امر به معروف و نهی از منکر انجام شود بزرگ ترین توطئه های دشمنان نیز آسیبی به جامعه اسلامی نمی رساند.<sup>۴</sup> شهید مطهری در این باره می فرماید: « امر به معروف و نهی از منکر، یگانه اصلی است که ضامن بقای اسلام و به اصطلاحات مبغه است. اصلا اگر این اصل نباشد اسلامی نیست. رسیدگی گردن به وضع مسلمانان است.»<sup>۵</sup>

### ۳-۲-۶) اهتمام به کانون خانواده

خانواده اولین هسته جامعه است که در آن انسان تربیت می شود و مادران مسئولیت سنگین تربیت بچه ها را برعهده دارند. حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر، در بچه ها اثر دارد. اگر دامن مادر طاهر، پاکیزه و مهذب باشد، بچه از اول با اخلاق صحیح و تهذیب نفس و عمل خوب رشد می کند. نخستین و موثرترین محیط تربیتی انسان محیط خانواده است. خانواده به مثابه ی هسته ی اصلی و اولیه ی جامعه محسوب می شود که حالات فکری و روانی همه ی افراد از کودکی در این محیط شکل می گیرد. کودک در این دوران موجودی است کاملا وابسته به خانواده و انعطاف پذیر که شخصیتش تکوین نیافته و آماده ی هر گونه شکل پذیری است. لوح ضمیر کودک هم چون آئینه

(۱) رضا، تقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، ج اول، همان، ص ۱۷۷.

(۲) توبه / ۷۱.

(۳) نهج البلاغه، ص ۴۲۲.

(۴) عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۲۰۴-۲۰۵.

(۵) احمد، طهماسبی، شبیخون فرهنگی، همان، ص ۱۱۰.

ی شفافی است که به سهولت نقش نیک و بد را در خود می پذیرد و می تواند او را پرهیزکار و یا تبهکار، مرد زندگی یا انگل اجتماع، سعید یا شقی بار آورد. ۱. تحویل نسل سالم به جامعه بشری مرهون تشکیل خانواده است.

رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: « وقتی انسان صالح و نیکو کار شد خداوند به واسطه ی صالح بودن او فرزندان و فرزند زادگانش را نیز به صلاح خواهد آورد.»  
در این میان مادران بیش ترین و موثرترین نقش را در صلاح و فساد دختر و پسر به عهده دارند، چرا که زمینه های تربیت و پرورش طفل حتی قبل از تولد آغاز می شود و در واقع سعادت و شقاوت کودک در رحم مادر پی ریزی می شود.

امام خمینی(ره) در باره ی نقش زنان در تربیت می فرمایند: « زن مظهر تحقق آمال بشر است و از دامن او، مرد به معراج می رود. از این رو، زن، انسان ساز است و اگر زنان انسان ساز از جامعه گرفته شوند، جامعه با شکست و انحطاط مواجه می شود، سعادت و شقاوت کشور ها بسته به زن است، به علاوه، خانه و خانواده مدرسه اند و دامن مادر بزرگ ترین مدرسه ای است که انسان در آن تربیت می شود.» ۲

هم چنین امام (ره) در جای دیگر می فرمایند: « نقش زنان در عالم از ویژگی های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می گیرد. زن یکتا موجودی است که می تواند از دامن خود افرادی به جامعه تحویل دهد که از برکاتش یک جامعه، بلکه جامعه ها به استقامت و ارزش های والای انسانی کشیده شوند، می تواند برعکس آن باشد.» ۳

«تهاجم فرهنگی مشکل جدی و فوری جهان سوم و به خصوص جهان اسلام است که باید جهان سوم و جهان اسلام خود را برای مقابله با آن آماده کند و این امکان پذیر نیست مگر باخود سازی از داخل خانواده.» ۴

مبارزه با گسیختگی خانواده روش موثر دیگر مبارزه باتهاجم فرهنگی می باشد.  
رسول خدا(صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: « هیچ بنایی در اسلام مقدس تر از بنای خانواده نیست.» ۵

۱) حسین، مظاهری، اخلاق در خانه ۱، چاپ نوزدهم، قم، ناشر: نشر اخلاق، ۱۳۹۱، ص ۱۷۹.

۲) مرتضی، شیروودی، نقش سیاسی- اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، همان، ص ۶۸/ مدیریت و توسعه زنان در ایران، فصل نامه ریحانه، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۳.

۳) طهرا، همان، ص ۳۰۸.

۴) ماهنامه ی فرهنگی ائمه جمعه، آذر ۱۳۷۳.

۵) ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۶۶.

غرب در طول دوران استعماری خود به یاری متخصصان خود فروخته، عوامل استحکام خانواده را بررسی کرده و آن‌ها را یکی پس از دیگری تخریب نموده است. از هم گسیختگی خانواده یک ناهنجاری شناخته شده است و باید به طور جدی با آن مبارزه گردد.

افزایش سطح سواد والدین، جلوگیری از ازدواج‌های تحمیلی، تقویت مراکز مشاوره جهت راهنمایی افراد در انتخاب همسر مناسب، و ازدواج‌های صحیح، آشنا نمودن زن و مرد نسبت به حقوق خود در زندگی مشترک، آگاهی به زوجین در زمینه ایجاد ارتباط درست با یک دیگر و آشنا نمودن افراد جامعه به اهداف اسلامی ازدواج و روش‌های صحیح تربیتی از عوامل مهم جلوگیری از گسیختگی خانواده هاست.

آگاه نمودن افراد نسبت به نقشه شوم استعمار در ارتباط با تضعیف خانواده‌ها عامل مهم دیگری در استحکام بخشیدن به خانواده‌ها می‌باشد.

اگر محیط خانواده به کانون امنیت و آسایشی برای فرزندان مبدل شود و پدر و مادر در آن با فرزندان‌شان پیوند دوستی برقرار نمایند. آنان نیازها و کاستی‌های مادی و معنوی خویش را با والدین در میان می‌گذارند و در نتیجه گروه‌های منحرف نخواهند توانست آن‌ها را در دام فریب خود بیفکنند. این مهم برآورده نخواهد شد مگر آن که پدر و مادر خود را مسئول بدانند و حقوق هم دیگر را مراعات کنند و احترام یک دیگر را پاس دارند، دوران بلوغ و نیازهای جوانان، یعنی حرمت طلبی و احترام خواهی و الگو جویی، سازمان خواهی و پیشرفت گرایی را درک کنند و بدانند که در قبال آنان چه وظایفی دارند و رفتاری که ایشان در خانه و احیانا فیلمی که می‌بینند و یا نواری که گوش می‌دهند چه تاثیری بر نونهال‌شان دارد.<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۷) ایجاد محیط گرم و دوستانه در خانواده

در آموزه‌های دینی بیش‌ترین تأکید بر شوهرداری، خانه‌داری و تدبیر منزل به عنوان عامل بسیار مؤثر و مفید برای حفظ سلامت زن و اجتماع می‌باشد و تأکید شده باید محیطی سالم و امن فراهم شود تا زنان بتوانند ضمن ارتقای سطح علمی - فرهنگی خود و ایفای نقش اجتماعی، به مسأله مادری و همسری که اصیل‌ترین نقش زن است بهتر بپردازند و خانواده‌ها از وجود زنان سرشار از علم و حکمت و عاطفه و محبت محروم نباشند. اگر مرد و سایر افراد در خانه از یک محیط گرم و با محبتی برخوردار باشند در اجتماع بهتر می‌توانند موفق باشند؛ در کارهای علمی، در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و در همه چیز.

(۱) عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه‌یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۱۷۴-۱۷۶.



«وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ»<sup>۱</sup>: زنان زینت‌های باطن خود را تنها در برابر شوهران آشکار می‌کنند و پیش آنها لازم نیست روسری داشته باشند. منظور این است که زمینه را برای تحریکات شهوی آن‌ها فراهم سازند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) خدا فرمود: «خدا لعنت کند زنی که خضاب و سرمه نکند. هم چنین زنی که شوهر را اجابت نکند و در انجام خواسته او تأخیر و کوتاهی کند و عذرهای پوچ بتراشد، ملعون شمرده شده است.»<sup>۲</sup>

مادرانی که با سهل‌انگاری از تربیت فرزندان خود سرباز می‌زنند، از دیدگاه دین و جامعه، خطا کارند. محبت و خوش رفتاری در تربیت نقش بسیار مهمی دارد و احساسات و عواطف کودک را شکوفا می‌کند، از سوی دیگر، عقده‌های روانی و کمبود عاطفی دامن‌گیر فرزندان نمی‌شود.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) درباره تقسیم‌کاری که توسط پیامبر اکرم (صلی آله علیه و آله و سلم) صورت پذیرفت و کار بیرون را به حضرت علی (علیه السلام) و کار داخل منزل را به دخترش محول کرد، فرمود: فقط خدا می‌داند که من چقدر از این تقسیم‌کار خشنود گردیدم. باید توجه داشت که حضرت زهرا (سلام الله علیها) در عین حضور فعال و پرعاطفه خود در منزل از ایفای مسئولیت‌های علمی - اجتماعی و سیاسی خود غافل نبود و در هر زمان که ضرورت اقتضاء می‌نمود از منزل خود خارج شده و به انجام رسالت‌های دیگر خود که اقتضای مسلمان بودن ایشان بود، می‌پرداخت. و آن همه نقش‌آفرینی حضرت در دفاع از اسلام و ولایت در طول زندگی کوتاه و پربار، خود دلیلی است بر این مطلب.

ایفای نقش همسر و مادر در خانواده، یعنی اصالت دادن به نهاد خانواده از دو منظر؛ یکی انس جویی و محبت ورزی به همسر و دیگری فراهم نمودن جایگاه امن و آماده تربیت فرزندان.<sup>۳</sup>

### ۳-۲-۸) تربیت نسل مومن

از جمله مهم‌ترین اقدامات جهت مقابله با هجوم فرهنگی دشمنان تربیت نسل مومن و متدین می‌باشد، این موضوع از اهداف اصلی دین مبین اسلام بلکه تمام ادیان الهی است.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «فرزندان خود را گرمی دارید و آنان را نیک تربیت کنید.»<sup>۴</sup>

تربیت کودکان، وقت، توان و بردباری فروانی می‌خواهد. این تربیت تنها منحصر به بر آوردن نیازهای

(۱) نور/ 31.

(۲) ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج 17، ص: 128

(۳) صحیفه نور.

(۴) حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الاخلاق، لبنان، انتشارات اعلمی، 1392، ص 222.

جسمی کودکان نیست؛ بلکه رشد معنوی فرزندان را در بر می گیرد. امام صادق (علیه السلام) بر این نکته تاکید ورزیده اند که فرزندان خود را با احادیث ما آشنا کنید، پیش از آن که گمراهان سراغ آن ها بروند. از این حدیث بر می آید که اگر خانواده به تربیت اعتقادی و اسلامی فرزندان خود توجه نکند، دیر یا زود فرزندان به شکار جریان های انحرافی در می آیند. به ویژه در وضعیت کنونی جامعه که تهاجم فرهنگی دام خود را حتی در خانه ها گسترانده است، دقت و تامل در تربیت فرزندان، ضرورت بیش تر دارد.

دین اسلام بیش از هر دین و مکتب دیگری، برای مسأله‌ی تربیت اهمیت قائل شده است. تربیتی که انسان را در مسیر تکامل قرار دهد و به بارگاه الهی برساند، و پایبندی و اعتقاد به ارزش‌های والای انسانی یکی از طرق جلوگیری از تهاجم فرهنگی است. فرد مؤمن و معتقد به ارزش‌های دینی، اگر در جامعه‌ای آکنده از پستی‌ها و شهوات قرار بگیرد، سپری محکم از تقوا و ایمان خواهد داشت. در این خصوص ارائه‌ی الگوهای رفتاری صحیح به مردم، بسیار اهمیت دارد.

کانون خانواده مرکز اصلی آموزش و پرورش جامعه به حساب می آید و این کانون با محوریت زن وظایف و مسئولیت های سنگینی را در قبال تعلیم و تربیت فرزندان خود بر دوش می کشد. شانه خالی کردن والدین از ایفای درست و اصولی وظایف تعلیمی و تربیتی خود در قبال فرزندان اثرات و زیان های نا مطلوبی ببار خواهد آورد و فرزندان در واقع قربانی سهل انگاری و بی تجربگی والدین خود خواهند شد.

در واقع همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که کانون خانواده با محوریت زن شکل می گیرد و این مفهوم، یعنی محوریت زن در کانون خانواده در همه ی فرهنگ ها با نوسانات و درجه های متفاوت پذیرفته شده و تقریباً یک موضوع جا افتاده و مسلمی به حساب می آید به همین دلیل، زن دارای وظایف و مسئولیت های تعلیمی و تربیتی سنگینی می باشد. «۱»

قرآن کتاب آسمانی اسلام، کتاب انسان سازی است. به همین دلیل اسلام برای پرورش انسان های مومن و متدین از هنگام انتخاب همسر تا لحظه ی مرگ و حتی پس از آن دستورالعمل دارد. این اقدامات دراز مدت است که اگر در آن مراعات کامل قوانین شود انسان ها مومن و متدین که مقاومت لازم در برابر توطئه های دشمن را دارند، پرورش پیدا می کنند.

تعبیر دقیق و ظریفی که قرآن در این باره به کار می برد به این نکته اشاره دارد: «نساء کم حرث لکم»؛ «زنان شما کشت زار شمایند.» تشبیه زنان به «حرث» تشبیه دقیق و ظریفی است. یعنی همان طور که انسان بر روی زمین کشت و زراعت می کند برای بقای حیات و زندگی، زنان نیز هم چون

۱) عبدالله جاسبی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ناشر دفتر فرهنگ مقاومت، ۱۳۸۰، ص ۱۱.

زمین محل کشت و زرع هستند برای بقای نسل انسان. انسان باید در انتخاب همسر برای بقاء نسل تمام شرایط لازم برای تولید نسل صالح و سالم و پرورش انسان های صالح و مومن را در نظر داشته باشد. ۱

مسئولیت سعادت و خوشبختی کودک را مادر از بدو بارداری به عهده گرفته است؛ چرا که آبستن شدن این مسئولیت را به دوش او نهاده است.

پیامبر(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: « فالمرنه علی اهل بیت بعلمها و ولده و هی مسئوله عنهم و ... »؛ « زن براهل بیت شوهرش و ( در غیاب او) بر تمام فرزندانش فرمان روایی نموده و مسئولیت آنان را به عهد دارد ... » ۲.

سعادت و خوشبختی فرزندان سرمایه ای است که مادران برای خود، همسر و فرزندش سعی و تلاش می کند که تامین نماید، اگر یک پسر یا یک دختر به کمال نهایی خود راه یافت، این عزت و عظمت را از مادر کسب نموده و زحمات تربیتی و پرورشی مادر، او را به این سعادت و خوشبختی رسانده است و از فیض کمال و سعادت و خوشبختی فرزند بهرمنند می شود و رشد و ترقی مادی و معنوی فرزند را مادر برای خود افتخار می داند و به آن می بالد. باید گفت شقاوت و بد بختی و زبونی فرزند نیز دودش اول به چشم مادر می رود. مادر اگر از ایمان و نجابت و اصالت برخوردار باشد، آثار زشت و کارهای ناهنجار فرزند را بیش تر از دیگران احساس می کند که او موجبات فضاحت و رسوایی مادر را فراهم کرده و واکنش عمل پرورشی و تربیتی فرزند ابتدا به مادر بر می گردد. ۳. پدر و مادر شدن فقط به تولید مثل نیست؛ زیرا این کار از عهده ی حیوانات نیز ساخته است. والدین در صورتی لیاقت پدری و مادری را دارند، که در تعلیم و تربیت فرزندان خود هم جدیت کنند. اسلام تربیت و تادیب را یکی از حقوق فرزندان می داند، که اگر پدر و مادر در انجام آن کوتاهی کنند مورد عاق فرزند قرار گرفته و در قیامت مورد بازخواست قرار می گیرند.

پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: « خدا آن ها را ابرار نامید، چون به والدین و فرزندان خود احسان کردند. چنان چه پدر و مادر بر تو حق دارند، فرزندان نیز حق دارند. » امام سجاد(علیه السلام) ضمن حدیثی فرمودند: « حق فرزندان این است که توجه داشته باشی او را از تو بوجود آمده و منسوب به تو خواهد بود و خوب و بدش در همین دنیا به تو نسبت داده خواهد شد. مسئولیت تادیب و خدا شناسی و کمک بر اطاعت از پروردگار، بر عهده ی تو نهاده شده

۱) عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۲۱۳-۲۱۴.

۲) محمد باقر، مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۴۴.

۳) محمد، شفیعی مازندرانی، اخلاق خانواده از دیدگاه پیامبر اعظم(ص)، ناشر: دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۸، ص ۱۰۳. حسین، مظاهری، تربیت فرزند از نظر اسلام، چاپ دهم، تهران، ناشر: نشر بین الملل، ۱۳۸۸، ص ۱/ حسین، موسوی راد لاهیجی، پدر، مادر، مرا خوب تربیت کن، چاپ سوم، تهران، انتشارات امام شناسی و آثار الحجة(عج)، ۱۳۷۹، صص ۴۲-۴۳.

است. پس باید رفتار تو نسبت به او مانند عمل کسی که می داند در احسان به او پاداش نیک و در بدرفتاری با او معاقبت خواهد بود.»<sup>۱</sup>

امام علی (علیه السلام) خطاب به امام حسن (علیه السلام) می فرماید: «همانا دل کودک مانند زمین خالی و آماده بذر افشانی است که هرچه در آن افشاندن شود، می پذیرد. بنابراین من قبل از آن که دلت سخت شود مشغول و غفلت گردد به تربیت و ادب تو اقدام کردم.»<sup>۲</sup>

تربیت فرزندان بیش تر از طریق چشم صورت می گیرد نه از طریق گوش؛ زیرا رفتار ما تربیت کنند هستند نه گفتارمان. مواظب باشیم که در مقابل آن ها چه رفتارهایی انجام می دهیم. امام خمینی مهم ترین راه کار عملی با تهاجم فرهنگ غرب را تربیت صحیح فرزندان می داند و می فرماید: «کشور های اسلامی اگر بخواهند کشورشان مبتلا به استعمار و استثمار جهان خوار نشود، در تربیت صحیح اسلامی، ملی، انقلابی ملت کوشش کنند.» به نظر امام (ره) پدر و مادر نقش مهمی در تربیت عملی دارند: «فساد عملی پدر و مادر، از هر چیزی بیش تر در اطفال سرایت می کند. چه بسا که یک طفل که عملاً در خدمت پدر و مادر بد تربیت شود، تا آخر عمر با مجاهدت و زحمت مریبان اصلاح نشود.»<sup>۳</sup>

هم چنین می فرمایند: «اگر یک بچه خوب تربیت شود ممکن است که سعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کند، همان طوری که اگر یک بچه بد هم بزرگ بشود، ممکن است یک فساد در جامعه پیدا بشود. پس شغل شریف مادری شایسته تعابیری است، مانند «تجسم عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطف ربّ العالمین است.»<sup>۴</sup>

ویل دورانت بر این نکته تأکید می کند که ناتوانی امروز زن غربی در تربیت کودک ناشی از آن است که مدت ها طبیعت خود یا همان ایفای نقش همسری و تربیت کودک را از یاد برده است. مقام معظم رهبری (مدظله) بر نقش مهمی که زن در این راستا (تربین فرزند) دارد، تأکید می کنند و حضور سیاسی- اجتماعی زن را منوط به این می داند که تربیت فرزندان باز ماند: «مادر به لحاظ رنج های طاقت فرسا برای پرورش فرزندان و مهر خالصانه، در مرتبه ای بالاتر از پدر قرار دارد. کم رنگ شدن محبت میان مادران و اطفال، ارتباط عاطفی آنان را رو به زوال می برد، و این وضع در بروز ناهنجاری های فردی و اجتماعی دخالت مهمی دارد، از آن جا که مادر نمونه مهرورزی و عواطف سرشار است، مظهر رحمت الهی می باشد و رضایت و دعای او سبب جلب رضایت پروردگار و غفران الهی خواهد بود. از دیدگاه ارزشی اسلام، مادر سهم اصلی و اساسی را در تربیت کودک ایفاء

۱) میرزا حسین، نوری طبرسی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۶۲۵.

۲) شریف رضی، نهج البلاغه، مترجم: محمد، دشتی، تهران، پیام عدالت ۱۳۸۸، نامه ۳۱.

۳) محمد مهدی صفورایی پاریزی، ظهور، همان، ص ۷۸.

۴) صحیفه نور، همان.

می کند و افراد دیگر، حتی پدر، معلم و استاد در مقایسه با نقش مادر، جنبه ی ثانوی دارند.۱ از این رو امام خمینی(ره) فرمودند: «دامن مادر، بزرگ ترین مدرسه ای است که بچه در آن جا تربیت می شود... این نظر اسلام است... در عین حال... میدان سیاسی بر روی او باز شده است.۲»

قبل از انقلاب اسلامی، نقش مادری یک فرعی بود و امام خمینی(ره) فرمودند: «رژیم شاه این شغل را مبتذل کرده و آن را بی اعتبار ساخت، لذا مادر را از بچه و بچه را از مادر جدا می کرد تا انسان و آدم تربیت نشود و اگر تربیت می شد، دست اجانب و عوامل آن از ایران قطع می گشت.»

بعد از انقلاب تحولی در مفهوم مادر بودن پدید آمد و بر این پایه، دامن مادر، بزرگ ترین مدرسه بود و تنها پرورش دهنده فرزندان این مرز و بوم، به این وسیله، مادری به یک وظیفه ی الهی و مسئولیت بزرگ و امری شریف تبدیل گردید که باید به تربیت فرزندان متقی پردازد و فرزندان نیکو به جامعه تحویل دهد. مادری به کار پیامبران تشبیه می شد، از آن رو که وظیفه هر دو، تربیت انسان است. مادران نیز در خود احساس مسئولیت کردند و در تربیت فرزندان کوشیدند تا کودکان آن روز و جوانان فردا کوشیدند تا کودکان آن روز و جوانان فردا بتوانند حافظ آمال انبیای الهی شوند.۳

با توجه به مطالب بالا، هریک از والدین، نقش اساسی و تعیین کننده دارند؛ ولی نقش تربیتی مادر با اهمیت تر است. مادر به لحاظ عواطف و احساسات خود، روابط نزدیک تر و عاطفی تری با فرزندان دارد. بنابر این مهم ترین اقدام مادران جهت مقابله با هجوم فرهنگی دشمنان تربیت نسل مومن که ادامه دهنده ی راه انبیاء باشند، است، خانواده مهم ترین کانون تربیت نسل است؛ باید به این نکته هم توجه شود که خانواده ها جامعه ی ما را می سازند و فرزندان این کانون آینده سازان ما در آینده هستند. زنان جامعه ی اصلی خود را یعنی نقش مادری بدانند بدون این که مادر و همسر بودن را اهانت به خود و مقام زن تلقی کنند. زیرا رابطه ی زیادی بینایای درست نقش مادری و کاهش جرائم را نمی توان کتمان کرد، خشونت در خانواده کم می شود، با قرار گرفتن زن در جایگاه واقعی خود آرامش بر خانواده مستولی می گردد. محوریت زن در کانون خانواده، و نقش چشم گیر آن ها در این زمینه بر کسی پوشیده نیست آن ها می توانند با تربیت فرزندان متدین، ولایت محور، و .... نقش بسزایی در مقابله با تهاجم ایفا کنند.

### ۳-۲-۹) دقت در برنامه های آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان

۱) علی، خامنه ای، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، تهران، انتشارات: نوادر، 1378، ص 71.

۲) علی، خامنه ای، آئینه زن، قم، انتشارات: کتاب طه، 1381، ص 77.

۳) صحیفه نور، ج 7، ص 135.

کودکان با دل های پاک و اندیشه های شفاف برای پذیرش پیام های آموزشی و پرورشی از آمادگی ویژه ای برخوردارند.

به گونه ای که آثار پیام های دریافت شده در روزگار خردسالی تا پایان زندگی در رفتار و کردار آنان باقی می ماند. با توجه بدین حقیقت بزرگ، مادران باید از فرصت طلایی خردسالی سود برند و به یاری هنر، ورزش و انواع سرگرمی ها ارزش های والای اسلامی را در ژرفای وجود فرزندان اسلام جای دهند.

حضرت علی(علیه السلام) فرمود: « به کودکان خود مطالبی بیاموزید که خداوند آن را سودمند قرار داده است تا منحرفان را با افکار باطل خود گمراه نکنند. »<sup>۱</sup> در دورانی که افکار اندیشه های مهاجم، فضای فرهنگی جامعه را مورد تاخت و تاز قرار می دهند و اذهان و افکار، در برابر هجوم فرهنگ های بیگانه احساس ناامنی می کنند لازم است.<sup>۲</sup>

سال دهم هجرت، رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) یکی از اصحاب خود به نام معاذ بن جبل را به یمن فرستاد تا به عنوان نماینده ی حکومت اسلامی، مردم آن منطقه را با آیین اسلام آشنا سازد، به هنگام عظیمت به محل ماموریت، رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) با پای پیاده به اتفاق جمعی از مهاجرین و انصار، او را بدرقه کرد و طی سخنانی این دستورالعمل را را به معاذ بن جبل ابلاغ فرمودند: « ای معاذ! قرآن، کتاب خدا را به آن ها بیاموز، و آنان را به اخلاق نیک و روش های پسندیده پرورش بده و آثار فرهنگی دوران جاهلیت را از فضای ذهن و زندگی آنان پاک کن، مگر آن دسته از آداب و رفتاری که اسلام آن را امضا کرده است. »<sup>۳</sup>

حضرت امام خمینی(ره) در این باره هشدار می دهد که: «آنان(استعمارگران) چنان چه تجربه نشان داده، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و ننگ وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان به چیز دیگری فکر نمی کنند. و می خواهند با این وسایل و امثال آن شما را عقب مانده و به اصطلاح نیمه وحشی نگه دارند »<sup>۴</sup>

### ۳-۲-۱۰) برنامه ریزی مناسب برای اوقات جوانان

یکی از اقدامات موثرمادران در راه مبارزه با هجوم فرهنگی دشمنان این است که اوقات فراغت جوانان را با تفریحات سالم و سرگرمی های سالم پر نمایند. اگر جوانان وقت خالی نداشته باشند و

(۱) بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۷.

(۲) رضا، تقوی دامغانی، تاملات فرهنگی، ج اول، ص ۱۷۲.

(۳) همان/ علی، دوانی، مواضع علما در برابر هجوم فرهنگی غرب به ایران، کتاب سروش، (رویارویی فرهنگی ایران و غرب در دوره معاصر)، چاپ اول، تهران، ناشر: سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۶۶.

(۴) صحیفه نور، همان، ج ۲۱، ص ۱۸۵.

اوقاتشان با برنامه های متنوع سالم پر شود در آن صورت به فکر خلاف و گناه نمی افتند. به همین نسبت توطئه های دشمنان در زمینه ی فرهنگی نیز بی اثر و خنثی می شود. اصولاً بی کاری مایه خستگی، کم شدن نشاط، تنبلی و فرسودگی و در بسیاری از مواقع مایه فساد و تباهی و انواع گناهان است.

منظور از پر کردن اوقات فراغت جوانان این است که کاری کنیم آن ها در اثر بی کاری و تنبلی و سستی به ورطه ی گناه نیفتند. از جمله اقدامات مهم در این زمینه، پرداختن به امر ورزش و نشر و گسترش آن است. موضوع ورزش نه تنها مورد تایید دین مبین اسلام است بلکه بعضی از رشته های آن مورد تشویق نیز می باشد. پیامبر (صل الله و علیه و آله) می فرمایند: «احب اللهو الی الله تعالی جزاء الخیل و الرمی»؛ «بهترین سرگرمی نزد خداوند اسب دوانی و تیر اندازی است.»<sup>۱</sup> البته نهاد های دیگری هم در پر کردن اوقات فراغت جوانان می توانند نقش بسزایی داشته باشند از جمله: اردوهای مختلف سیاحتی، زیارتی، آموزشی، شرکت در اجتماعات، جشن های مذهبی و اعیاد و نماز های جمعه ... نام برد که تمام مواردی که به آن اشاره شده است در صورت استفاده صحیح می تواند موانعی در مقابل تهاجم فرهنگی بیگانگان باشند.<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۱۱) اشتغال مناسب زنان

در این که زنان از نظر اسلام مجاز به فعالیت مفید تولیدی، فرهنگی، خدماتی و غیر آن در بیرون خانه اند، تردیدی وجود ندارد.

در صدر اسلام و پس از آن در عصر معصوم (علیه السلام) زنانی بودند که در زمینه تجارت، کشاورزی، دامداری، و غیر آن، به فعالیت مشغول بودند و پیامبر(صل الله و علیه و آله) و ائمه(علیهم السلام) با آن مخالفت نمی کردند. بنابراین، اشتغال زنان در اموری که توانایی دارند، بی اشکال است. حتی شغل هایی چون آموزش و پرورش، و امور پزشکی و ... که متناسب با ویژگی های روحی زنان است، مطلوب و گاهی ضروری است. با این حال، به صلاح جامعه و زنان نیست که همگی در بیرون خانه کار کنند. چون اشتغال زنان:

---

(۱) نهج الفصاحه.

(۲) موسی، فقیه حقانی، فراماسونری و گسترش فرهنگ غرب در ایران، چاپ اول، تهران، ناشر: سروش، ۱۳۷۵/اسماعیل، شفیع سروسنانی، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، همان.

۱ در کارهایی که تناسبی با توانایی های جسمی و ظرافت های روحی ایشان ندارد، به زیان جسمی و روانی زنان است. زیان های جسمی و روانی، مانع از پیشرفت آن ها در عرصه های فردی و اجتماعی می شود و زنان متاهل را از انجام وظایف خطیر همسررداری و تربیت فرزند باز می دارد.

۲ در کارهای مردانه که نیروی کار مرد برای آن ها وجود دارد، به بیکاری مردان می انجامد، در حالی که بار سنگین تامین هزینه های زندگی بر دوش مردان است چنان چه از میزان بیکاری مردان کاسته شود، ازدواج ها بیش تر و جرایم اجتماعی کمتر صورت می گیرد.

۳ اگر بیش از حد نیاز و ضرورت اجتماعی روی دهد قطعا، آسیب هایی چون اختلاط را در پی دارد. اختلاط و امتزاج زنان مجرد و متاهل با مردان متاهل و مجرد به گناه و معصیت می انجامد و بر امنیت محیط زندگی تاثیر منفی مگذارد.

امام خمینی(ره) در این زمینه فرمودند: «زنان متناسب با رشد و ارتقاء قادر خواهند شد تا مشاغل و مسئولیت های سیاسی و اجتماعی را بر دوش کشند و آن را به سر منزل مقصود برسانند امام نیز کوشید زنان به رشد معنوی برساند و پس از آن، با سپردن مسئولیت ها به آنان موافق بوده است. البته امام به عرصه آمدن زنان را به صورت مشروط می پذیرد. شرط هایی چون: رعایت عفاف و حجاب، انجام وظایف خانه داری و همسر داری.»<sup>۱</sup>

### ۳-۲-۱۲) احیای فرهنگ عفاف توسط زنان

زنان با ایمان و عفت می توانند خنثی کننده تهاجم فرهنگی دشمن باشند و با سربلندی از آزمون های الهی بیرون بیایند.

دختران ایرانی باید ایمان خود را افزایش دهند و عفت و پاکدامنی خود را تقویت کنند. خودداری از چشم چرانی و وظیفه مشترک مردان و زنان است، اما از آن جا که حس خودنمایی در زنان بیشتر از مردان است، به آنان دستور داده شده تا زیبایی های خود را بر نامحرم آشکار نکنند.

خداوند می فرماید: « و القواعد من النساء اللاتی لا یرجون نکاحا فلیس علیهن جناح ... » «زنان از پا افتاده که امیدی به ازدواج ندارند می توانند لباس روی خود را بر زمین نهند مشروط به این که نخواهند خودنمایی و خودآرایی کنند. در عین حال اگر عفاف را رعایت کنند و خود را پوشیده دارند بهتر است و خدا شنوا و دانا است. »<sup>۲</sup> مقصود از قواعد زنان سال خورده ای که از جنبه ی زن بودن بازنشسته شده اند، دیگر از نظر جنسی مطلوب مرد نیستند و لذا امیدی به ازدواج ندارند. اما با خداوند می فرماید اگر عفاف را رعایت کنند بهتر است. جمله ی «ان

۱) صحیفه امام(ره)، همان، ج3، ص92.

۲) نور/۳۱.



یضعن ثیابهن» نشان می دهد که زن دو نوع لباس دارد: یکی لباس بیرون و دیگری لباس داخل منزل. آن چه اجازه داده شده است این است که زنان سال خورده می توانند لباس رو را در بیاورند ولی در عین حال به آن ها اجازه ی خود نمایی و خود آرایی داده نشده است.<sup>۱</sup>

امام خمینی(ره) در باره ی عفاف فرمودند: « مفهوم عفاف در کتب اخلاقی، اعتدال و تهذیب قوه شهویه انسان است. پس حجاب اسلامی حافظ ارزش های زن و مبارزه علیه حجاب قیام برای نفس<sup>۲</sup> است.» امام خمینی در مورد زنان فرمودند: « خداوند شما را با کرامت خلق کرده است، آزاد خلق کرده است. خداوند همان طوری که قوانینی برای محدودیت مردها در حدود این که فساد بر آن ها راه نیابد دارد، در زن ها هم دارد. همه برای صلاح شماست. همه قوانین اسلامی برای صلاح جامعه است. آن ها که زن ها را می خواهند ملعبه مردان و ملعبه جوان های فاسد قرار بدهند خیانت کارند. زن ها نباید گول بخورند؛ زن ها گمان نکنند که این مقام زن است که باید بزک کرده بیرون برود با سر باز و لخت! این مقام زن نیست؛ این عروسک بازی است.<sup>۳</sup>

ایشان معتقدند، حجاب اسلامی برای حفظ ارزش هاست. هرچه را که خدا دستور فرموده است، چه برای زن و چه برای مرد، برای این است که، آن ارزش های واقعی که این ها دارند و ممکن است به واسطه وسوسه های شیطانی یا دست های فاسد استعمار و عمال استعمار پایمال شوند، این ارزش ها زنده بشود.<sup>۴</sup> امام به عرصه آمدن (سیاسی - اجتماعی) زنان را مشروط می پذیرد. شرط هایی چون: رعایت عفاف و حجاب، انجام وظایف خانه داری و همسر داری.<sup>۵</sup>

از جمله محرمات قرآنی عدم رعایت عفت است. بی عفتی در لباس پوشیدن، بی عفتی در سخن گفتن، بی عفتی در آداب معاشرت، بی عفتی در روابط بین افراد مصداق پیدا می کند.

خداوند در قرآن مجید می فرماید: « و لا تقربوا الزنی انه کان فاحشه و نساء سییلا.»<sup>۶</sup> « هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است.»

---

(۱) مرتضی، مطهری مسئله ی حجاب، همان، ص ۱۵۲/عباس فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، ص ۲۰۷.

(۲) صحیفه امام؛ ج ۱، همان، ص ۲۲.

(۳) همان.

(۴) همان، ج ۶، ص ۳۰۱ و ج ۱۹، ص ۱۸۵.

(۵) همان، ج ۵، ص ۲۶۱.

(۶) اسراء/ ۳۲.

بوجود آمدن و رایج شدن بی عفتی در جامعه، دقیقا همان چیزی است که دشمنان اسلامی از تهاجم فرهنگی خود در نظر دارند و در مقابل دین مبین اسلام تاکید دارد که این گونه بی عفتی ها در جامعه ایجاد نشود تا جامعه هم چنان سالم برقرار بماند. زنان نقش زیادی در حفظ عفاف خانواده و جامعه دارند. آن ها می توانند با تقویت ایمان و تقوا پیشگی عفاف را در خود به وجود بیاورند، سپس خانواده را به این سمت سوق دهند.

### ۳-۲-۱۳) ترویج و ارتقاء فرهنگ در میان بانوان

ارتقاء فرهنگ در میان بانوان موضوعی است کلی که شامل موارد زیادی از قبیل ترویج فرهنگ کتاب خوانی، سواد آموزی بانوان کم سواد یا بی سواد، تحقیق و پژوهش های علمی که بنحوی با فرهنگ جامعه و ارتقاء آن در میان بانوان مرتبط می شود. اصولا جامعه اسلامی، جامعه ای است فرهنگی. در اولین آیاتی که بر پیامبر گرامی اسلام(صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده است، در آن امر به خواندن و قرائت می شود؛ «اقرأ باسم ربك الذی خلق.»<sup>۱</sup> اولین آیاتی که بر پیامبر اسلام نازل شده است سخن از خواندن و تعلیم و نگارش است، اموری که در ارتباط مستقیم با فرهنگ یک جامعه دارد، در جای دیگر خداوند به قلم قسم می خورد: «ن والقلم و ما یسطرون.»<sup>۲</sup>

ارزش قلم و نگارش علم بحدی است که خداوند به قلم و آن چه با آن می نویسند قسم یاد می کند. با این اوصاف جامعه اسلامی به عنوان جامعه ای فرهنگی مطرح است، به همین دلیل باید بر روی مسائل فرهنگی جامعه بیش تر کار کرد تا جامعه، جامعه ی روشن، آگاه و بصیری باشد در برابر هجوم فرهنگی دشمنان کم ترین تاثیر را بپذیرد. پس باید فرهنگ کتاب خوانی، فرهنگ سواد آموزی افراد کم سواد یا بی سواد، مطالعه مطبوعات و اطلاع از اخبار رویدادهای جهانی در جامعه بخصوص در میان جوانان و بانوان رواج داد. زن دارای

مهم ترین عامل حرکت صحیح، و مقاومت در این مسیر، داشتن شناخت صحیح و آگاهی لازم از اعتقادات دینی و باورهای ملی و مذهبی است. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر.»<sup>۳</sup> «آگاه باشید که پرچم دین را به دوش نمی کشد، مگر آن که اهل بصیرت و استقامت باشد.»<sup>۳</sup>

امام خمینی(ره) زن ایرانی را پاک تر از راهبه ها می داند، او را شایسته ورود به عرصه علم و تقوا می بیند. ۴ اسلام می داند زن در ساختن جامعه سهم مهم و اساسی دارد. از این رو، بر رشد معنوی

۱) علق/۱.

۲) قلم/۱.

۳) نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

۴) علی، خامنه ای، چهار سال با مردم، تهران، انتشارات حزب جمهوری اسلامی، ۱۳۶۴، ص ۳۷۹.

زنان تاکید می‌ورزد تا در پرتو این رشد معنوی و ارتقاء، آنان بتوانند سهم خویش را در ساخت اجتماعی ایفا کنند. ۱ به بیان دیگر، زنان متناسب با رشد و ارتقاء قادر خواهند شد تا مشاغل و مسئولیت‌ها به آنان موفق بوده است. البته امام به عرصه آمدن زنان را مشروط می‌پذیرد. شرط‌هایی چون: رعایت عفاف و حجاب، انجام وظایف خانه‌داری و همسررداری.<sup>۲</sup>

مهاجم با استفاده از واژه‌ها و اصطلاحات پر طرفدار مانند آزادی و تبلیغات گسترده در ترویج معانی مورد نظر خود در این گونه واژه‌ها، چنان عمل می‌کند که گویی معنی تحمیل شده از بدیهیات است و نیازی به تدبیر و تفکر ندارد. مثلاً به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند به زن ظلمها کردند و او را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن‌ها و جوانان را فاسد الاخلاق کردند.<sup>۳</sup> امام در تعریف صحیح آزادی می‌فرمایند: «اسلام با همه مظاهر تمدن موافق است مگر آن چه که به آسایش ملت لطمه وارد آورد و با عفت عمومی ملت منافات داشته باشد. اسلام با آزادی زن نه تنها موافق است بلکه خود پایه گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن است.»<sup>۴</sup>

مقام معظم رهبری (مدظله) در این زمینه می‌فرمایند: «جامعه ما به طبیعت، فرهنگی است. اما بالفعل نیست ... یعنی از جنبه بینش‌ها و آگاهی‌ها و فعالیت‌های فرهنگی نقص دارد. به این معنا که اولاً مردم ما مثلاً کتاب خوان نیستند و این نخواندن کتاب خیلی نقص بزرگی است. بسیاری از مردم ما حتی روزنامه خوان نیستند.» ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «مهم‌ترین راه مقابله با تهاجم فرهنگی، شناخت صحیح اسلام و بازگشت به فرهنگ غنی آن است.»<sup>۵</sup>

### ۳-۲-۱۴) حاکم نمودن ارزش‌های اسلامی در جامعه

یکی دیگر از راه‌های مقابله با تهاجم فرهنگی دشمن حاکم نمودن ارزش‌های اسلامی در جامعه اسلامی است.

---

۱) صحیفه نور، امام، همان، ج ۳، ص ۹۲.

۲) همان، ص ۲۶۱.

۳) همان، ج ۷، ص ۳۳۸.

۴) همان، ج ۵، ص ۴۱۷.

۵) ابوالفضل امیری، تهدید نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و راه کارها، همان، ص ۱۳۴/عباس فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۲۱۲-۲۱۳.

ارزش و احترام قائل شدن برای ارزش های اسلامی و نقش بانوان جامعه ، پررنگ کردن ارزش تربیت فرزندان ، خانه داری، و... از طرف مسئولین حکومت اسلامی سبب می شود افراد میل به سوی این ارزش ها پیدا نمایند. علم، ایمان، تقوی، جهاد، تربیت فرزند، خانه داری، خدمت به شوهر، و ... از جمله ارزش هایی هستند که باید در جامعه حاکم گردد.

همان طور که رژیم پهلوی، عشرت طلبی، مدگرایی و تجمل خواهی را بازور، بر دختران و زنان و بانوان تحمیل کرد. از این رو، از حجب و حیا و حجاب و عفاف، به ویژه در شهر های بزرگ مثل تهران خبری نبود؛ ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، زنان بدون تحمیل و تقلید و تنها بر اساس شعور دینی و ملی، به ارزش های اسلامی و گسترش آن، روی آوردند و در جهت تحکیم و تثبیت آن گام برداشتند. امام خمینی(ره) تصویر جالبی از این وضع ارائه کرده است: در رژیم سابق، شان و مرتبت، عبارت از آرایش مهوع و لباس های کذا و منزل گاه های کذایی بود، و امروز ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است... به واسطه ی همین تحول در قشر بانوان، دیگر آن هایی که با آرایش های فاسد و لباس های فاخر می خواستند فخر فروش کنند، در بین جامعه ی بانوان ما محکوم اند و خجالت زده اند. آن روز، بانوان اسلامی خجالت می کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در مراعات شده باشد(ظاهر شوند) طبقات ضعیف هم اگر این کار را می کردند، خجالت می کشیدند در بین قشر های فاسد و مرفه بروند. امروز بر عکس است، آن اشخاصی که دارای آن طور کارهای فاسد و آرایش و خود نمایی های مفسد بودند، آن ها احساس شرم می کنند. بعد از انقلاب اسلامی رویکرد جدید زنان به ارزش های دینی و تلاش برای توسعه و نهادینه ساختن آن در جامعه، امام بر آن ها درود می فرستد.

در آموزه های دینی بیش ترین تأکید بر شوهرداری، خانه داری و تدبیر منزل به عنوان عامل بسیار مؤثر و مفید برای حفظ سلامت زن و اجتماع می باشد و تأکید شده باید محیطی سالم و امن فراهم شود تا زنان بتوانند ضمن ارتقای سطح علمی - فرهنگی خود و ایفای نقش اجتماعی، به مسأله مادری و همسری که اصیل ترین نقش زن است بهتر بپردازند و خانواده ها از وجود زنان سرشار از علم و حکمت و عاطفه و محبت محروم نباشند.

حضرت زهرا(سلام الله علیها) درباره تقسیم کاری که توسط پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) صورت پذیرفت و کار بیرون را به حضرت علی(علیه السلام) و کار داخل منزل را به دخترش محول کرد، فرمود: فقط خدا می داند که من چقدر از این تقسیم کار خشنود گردیدم. باید توجه داشت که حضرت زهرا(سلام الله علیها) در عین حضور فعال و پرعاطفه خود در منزل از ایفای مسئولیت های علمی -

---

(۱) روح الله، موسوی خمینی، صحیفه نور، همان، ج 14، ص 198.

اجتماعی و سیاسی خود غافل نبود و در هر زمان که ضرورت اقتضاء می نمود از منزل خود خارج شده و به انجام رسالت‌های دیگر خود که اقتضای مسلمان بودن ایشان بود، می پرداخت. و آن همه نقش آفرینی حضرت در دفاع از اسلام و ولایت در طول زندگی کوتاه و پربار، خود دلیلی است بر این مطلب

علم، ایمان، تقوی، جهاد، تربیت فرزند، خانه داری، خدمت به شوهر، و ... از جمله ارزش هایی هستند که باید در جامعه حاکم گردد.

کار زن در خانه علاوه بر این که فی نفسه کار مفید و لازمی است در کیفیت کار دیگران نیز موثر است. اگر مرد و سایر افراد در خانه از یک محیط گرم و با محبتی برخوردار باشند در اجتماع بهتر می توانند موفق باشند؛ در کار های علمی، در فعالیت های سیاسی، اقتصادی و در همه چیز. بنابراین خانم های خانه دار در فعالیت ها و موفقیت های همسرانشان صد در صد سهیم اند؛ یعنی اگر هم راهی هم فکری و کار خانم نباشد آقای رئیس جمهور یا وزیر یا دانش مند که در بیرون کار می کنند نمی توانند توفیق چندانی بدست آورند؛ در واقع خانم به اندازه ی او در کار سهیم است. هم از لحاظ ارزش اجتماعی و هم تاز لحاظ نتیجه ی کار.<sup>۱</sup>

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می فرمایند: « جهاد زن خوب شوهر داری کردن است.»<sup>۲</sup> شیوه مبارزه فرهنگی بانو امین را فرزندش حاج محمد علی این گونه ترسیم کرده است: او درس می خواند و درس می داد و به جریانات روز هم کاملاً واقف بود. بانو معتقد بود، زن در عین حالی که تحصیل می کند باید در جامعه حضور داشته باشد و به آن خدمت کند، به شرطی که عفتش را حفظ کند، و نیز، حضورش در اجتماع، اول، باعث فساد نشود و ثانیاً، به وظیفه مادری و همسری اش لطمه ای وارد نسازد. زمانی او شاگردانش توصیه می کرد، بروید و جلوی فساد را بگیرید و نگذارید این خواهرها به طرف فرهنگ گناه و معصیت غرب بروند، لذا او حضور اجتماعی زن را می پذیرد و بر آن تاکید می ورزد. به هر روی، سیده نصرت اصلاً صحیح نمی دانست که زنی برود در گوشه ای و تنها به درس و عبادت مشغول باشد و هیچ کاری به مردم نداشته باشد.<sup>۳</sup> اگر در جامعه ی اسلامی ارزش های اسلامی حکم فرما باشد دشمنان نمی توانند ضد ارزش ها را در جامعه رواج دهند. هم چنین افراد فریب خورده در جامعه اسلامی نیز با مشاهده این مطلب آگاه شده و میل به ارزش های اسلامی پیدا می کنند.

۱) ابراهیم امینی، آشنایی با وظایف و حقوق زن، چاپ دوم، قم، ناشر: موسسه ی بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۱۷۲.

۲) نهج الفصاحه.

۳) مرتضی، شیروودی، نقش سیاسی- اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، همان، ص ۶۱.

با مطالعه سیره نبوی و توجه به احادیث بالا نیز به این موضوع پی می بریم که ارزش ها در جامعه صدر اسلام به جهاد، ایمان، علم و تقوی بود؛ همچنین برای بانوان خوب شوهر داری، خانه داری و تربیت فرزندان و ... دارای ارزش و همیت فوق العاده ای بوده است. زنان جامعه اگر به این وظایف بادی یک ارزش نگاه کنند با آگاهی نسبت به آن ها تهاجمات دشمن بی اثر خواهد بود.

### ۳-۲-۱۶) برتر دانستن فرهنگ خود و احیای سبک زندگی اسلامی

از جمله عوامل موثر در جهت مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه، برتر دانستن فرهنگ خودی و احیای سبک زندگی اسلامی است. اگر برتر بودن فرهنگ خودی یعنی فرهنگ اسلامی در برابر سایر فرهنگ ها در میان بانوان و جوانان پذیرفته شود، در آن صورت هجوم فرهنگ بیگانه، اثری نخواهد داشت.

قرآن مجید در آیات مختلف به مسلمانان تذکر می دهد که شما در صورت داشتن ایمان به خدا و رعایت قوانین اسلام نسبت به تمام انسان ها برتر هستید. «و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الا علون ان کنتم مومنین»<sup>۱</sup>؛ « شما مسلمانان نه هرگز در کار دین سستی کنید و نه از فوت غنیمت و متاع دنیا اندوهناک باشید. زیرا شما فاتح و فیروزمند ترین مردم و بلند مرتبه ترین ملل دنیا هستید، اگر در ایمان ثابت و استوار باشید.»

« شرق فرهنگ دارد، فرهنگ غنی دارد، کسی که فرهنگ غنی دارد چرا برود سراغ دیگران و از دیگران بخواهد فرهنگ بگیرد. دیگران هم به ما فرهنگ نمی دهند نافرنگی می دهند. شرق یک فرهنگ اسلامی دارد که بلندترین و مترقی ترین فرهنگ است. با این فرهنگ اسلامی باید تمام احتیاجاتش را اصلاح کند و دستش را پیش غرب دراز نکند.»<sup>۲</sup> زنان جامعه ما اگر اسلام را درست بشناسند و بدانند که خدا در آیاتش وعده داده که حکومت جهانی با اسلام و فرهنگ اسلام است سراغ فرهنگ دیگران نمی روند تا از آن ها فرهنگ بگیرند.

### ۳-۲-۱۷) مقابله با تجمل گرایی و مد گرایی

امروزه اثر مستقیم تجمل گرایی بر واردات کالاهای مصرفی لوکس و پیروی از مدهای گوناگون که حجم انبوهی از فرهنگ و ارزش های غربی را یدک می کشند، بر کسی پوشیده نیست البته زیان تجمل گرایی تنها در تغییر شیوه پوشش، خوراک و رفتارهای اجتماعی و شخصی آشکار نمی شود بلکه در بالا رفتن میزان بزهکاری ها و زیر پا نهادن اصول اخلاقی نیز اثری شگرف دارد. افزایش خواسته های خانواده ها که در سایه چنین روحیه ای پدید می آید انگیزه ای نیرومند برای سرقت،

(۱) آل عمران / ۱۳۹.

(۲) روح الله الموسوی الخمینی، چهل حدیث، ج ۱۰، قم، نشر هاجر، ۱۳۸۹، ص ۷۱ / عباس فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۲۱۰-۲۱۱.

کلاهدرداری، رشوه و... به شمار می آیند. از این رو، در مبارزه ی فرهنگی، زدودن روحیه ی تجمل گرایی از دل های خانواده ها، باید مورد توجه جدی قرار گیرد و اثرات منفی آن برای جامعه بیان شود، تا جامعه با نگرشی، آگاهانه به مسائل بیندیشد و از روی آوردن و تسلیم بی چون و چرا در برابر امواج ویران گر این شبیه خون در امان باشند.<sup>۱</sup>

امام خمینی (ره) فرمودند: «آن ها تبلیغات کردند تا خانم ها را از آن حیثیتی که دارند بیندازند. به نام مُد حیثیت شان را بگیرند و با تغییر مُد آن ها نیز تغییر کنند. ۲ پس اگر زنان بخواهند مستقل باشند و با هویت ملی خویش شناخته شوند، باید از این گونه تقلید دست بردارند.»<sup>۳</sup>

در این زمینه مقام معظم رهبری (مد ظله) فرمودند: «به اعتقاد من گرایش به سمت مد گرایی و تجمل گرایی و تازه طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از بزرگ ترین عوامل انحراف زنان ماست. غربی ها برای این که از زن آن چنان موجودی به وجود بیاورند که مورد نظر خودشان است، محتاج این هستند که دائما مد درست کنند و چشم ها و دل ها را به همین چیزهای ظاهری و کوتاه نظرانه مشغول کنند، این زن کی به ارزش های واقعی خواهد رسید؟

مجال پیدا نمی کند به ارزش واقعی برسد زنی که در فکر این باشد که خود را وسیله ی برای جلب نظر مردان بسازد. کی فرصت پیدا خواهد کرد که به طهارت اخلاقی فکر کند و بیندیشد؟ در مقابل این، خانم ها باید مقاومت کنند. زندگی اشرافی و تجملاتی پوچ و بیهوده را هم تخریب کنید؛ این زندگی واقعا درخور تخریب است. زندگی تجملاتی نباید به هیچ وجه ترویج بشود، بلکه باید تخریب بشود؛ باید نقطه منفی به حساب بیاید. چرا بی خود تجمل گرایی رواج پیدا کند؟ به هر حال، در کل زندگی جامعه، باید الگو سازی از زندگی اشرافی و تجملاتی نکنیم. زنان جوان در جامعه ی ما باید خیلی مراقب باشند تا کمند ناپیدای بسیار خطرناک فرهنگ و تفکر غربی را بشناسند. از آن پرهیز کنند و جامعه ی زنان را از زن جدا بر حذر دارند.»<sup>۴</sup>

(۱) حمید، نگارش، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، چ اول، قم، ناشر: نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰/ فرهنگ، قائم مقامی، آموزش یا استعمار فرهنگی، چاپ سوم، تهران، ناشر انتشارات جاویدان، ۱۳۵۶ / عباس، فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۲۰۹-۲۱۰ / ابوالفضل، امیری، تهدید نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی و راه کارها، همان، ص ۱۴۲.

(۲) صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۰۲.

(۳) همان.

(۴) مجتبی، احمدی، و هم کاران، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم: واکاوی مختصات منازعه نرم در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، ص ۲۵۸ / احمد، طهماسبی، شبیخون فرهنگی، همان، ص ۱۱۰.

امام خمینی(ره) در باره نقش زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی فرمودند: « مراکز تبلیغاتی علیه دستاوردهای خودی و نیز خود کوچک دیدن ها و یا ناچیزدیدن ها، مانع هر فعالیتی برای پیشرفت شد. واردات کالاهای غیر ضروری و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی های کودکانه و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها که عضو فعال هستند با فراهم آوردن مراکز فحشا و ده ها از این مصایب حساب شده، برای عقب نگه داشتن کشورها ست. ۱. ایشان معتقدند اگر جامعه زنان، از غفلت و خواب مصنوعی که از جانب چپاولگران بر آنان تحمیل شده است، برخیزند و همگان دوش به دوش هم به داد بازی خوردگان برسند. و زن را به مقام والای خود، هدایت کنند. جامعه اصلاح می شود و کشور به آزادی و استقلال می رسد.»<sup>۲</sup>

« احمد هوبر » روزنامه نگار مسلمان سوئسی در این باره می گوید: اولین کاری که خانواده ها در این راه باید انجام دهند این است که در رسانه های گروهی ایران؛ رادیو، تلویزیون و مطبوعات، آن چه را که درباره انحطاط این فرهنگ تجاری می دانند به گوش جوانان برسانند و ثابت کنند که این فرهنگ دروغین یا یک مُد جدید لباس، هیچ ارتباطی به شیوه جدید زندگی ندارد؛ بلکه تمام آن از پول و سیاست سرچشمه می گیرد و در حقیقت جنگی است علیه اسلام.<sup>۳</sup>

به عقیده بانو امین، تنها زنانی می توانند به اصلاح اجتماع بپردازند که خود ساخته باشند. در این جهت، زنان را از تجمّل، مدپرستی و اوصاف رذیله اخلاقی بر خذر داشت و به آنان توصیه کرد که برای خود سازی به این شیوه عمل کنند: « نخست سکوت و تفکر کن، دوم، برای افزایش حکمت، کم بخور، سوم، برای تقویت نفس و جلای روح، کم بخواب و شب زنده دار باش و چهارم، از صاحبان اخلاق فاسد فاصله بگیر و پنجم، همیشه بیاد خدا باش. »<sup>۴</sup>

زنان که فرماندهان مقابله با تهاجم فرهنگی هستند با قوی کردن ایمان و تقوای، زندگی خود را بر سبک اسلام بسازند، از خواب غفلت بیرون بیایند و بدانند این مد ها را غرب فقط برای چپاول و فساد جامعه بوجود آورده است و در مقابل آن بایستند.

(۱) صحیفه امام، ج ۲۱، همان، ص ۴۱۶.

(۲) همان، ج ۱۴، ص ۳۱۷.

(۳) ابراهیمی، پریچهر، تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب، تهران، انتشارات آموزشی رشد علوم اجتماعی، ۱۳۶۷. / استریناتی، دومینیک، نظریه های فرهنگ عامه، ترجمه ی ثریا پاک نظر، چاپ اول، تهران، ناشر: گام نو، ۱۳۸۰. / مجتبی، احمدی، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم: واکاوی مختصات منازعه نرم در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، همان، ص ۲۵۸ / احمد، طهماسبی، شبیخون فرهنگی، همان، ص ۱۲۰-۱۱۸. / حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، ج ۱، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، صص ۲۱۹-۲۱۵.

(۴) مرتضی، شیروودی، نقش سیاسی- اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، ص ۶۱.



### ۳-۲-۱۸) الگو برتر زنان (مقابله با الگوهای غرب)

زنان مسلمان ایرانی با الگو قرار دادن حضرت زهرا (سلام اله علیها) همواره در عرصه‌های دشوار انقلاب پیش رو بوده‌اند.

اندیشه‌های فرهنگی و اجتماعی امام نسبت به زنان نیز از این قاعده مستثنی نیست. ایشان اقتدای به دخت گرامی رسول اکرم (صلی الله و علیه و آله) را که آراسته به همه ویژگی های انسان کامل است، شایسته زن مسلمان می‌دانند. ۱۰ و معتقدند اگر زنان از این بانوی بزرگوار که همه جلوه‌های انسانی را داراست، ۲ تبعیت کنند، جامعه همواره رو به رشد و توسعه خواهد بود. امام خمینی (ره) موفق‌ترین خانواده را خانه کوچک فاطمه (سلام الله علیها) می‌دانند که در آن خانه افرادی تربیت شدند که تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند و خدمت‌هایی کردند که همه بشر را به اعجاب درآورده است. ۳.

مقام معظم رهبری (مدظله)، در باره الگوی برتر زنان می‌فرمایند: « زن امروز دنیا، الگو می‌خواهد؛ اگر الگوی او زینب و فاطمه زهرا (سلام الله علیها) باشند، کارش عبادت است. زن مسلمانی که الگوش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و یا زینب کبری (سلام الله علیها) باشد، از فهم درست، هوشیاری در درک موفقیت‌ها و بهترین کارها ولو با فداکاری و ایستادن پای همه چیز برای انجام تکلیف بزرگی که خدا بردوش انسان‌ها گذاشته است، هم راه باشد. اگر زن به فکر تجملات و خوش‌گذرانی‌ها و هوس‌های زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی‌بنیاد و بی‌ریشه باشد، نمی‌تواند آن راه را برود؛ باید این وابستگی‌ها را که مثل تار عنکبوت بر پای یک انسان رهرو است، از خود دور کند تا بتواند راه برود، کما این که زن ایرانی در دوران انقلاب و در دوران جنگ همین کار را کرد و انتظار این است که در همه‌ی دوران جنگ همین کار بکند. اما الگوی زن ایرانی در این راه همان است که گفته شد؛ زینب الگوست؛ زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی‌بهره باشد؛ بالاترین علم‌ها و صافی‌ترین معرفت‌ها در دست او بود؛ همان سکینه کبری که شما اسمش را در کربلا شنیده‌اید، دختر امام، برادر زاده و شاگرد زینب است. او یکی از مشعل‌های معرفت عربی در همه تاریخ اسلام تا امروز است. کسانی که حتی زینب و پدرش و در سکینه را قبول نداشتند و ندارند، اعتراف می‌کنند که سکینه مشعل معرفت و دانش است. رفتن این راه به معنای دور شدن از دانش و معرفت و بینش

(۱) صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۸۴.

(۲) همان، ج ۷، ص ۳۳۷.

(۳) همان، ج ۱۶، ص ۱۹۲.

جهانی و روشنفکری و معلومات و آداب نیست؛ این ها ورای آن هاست؛ زن اسلامی زنی است که راه را درست می رود و هدف را درست تشخیص می دهد و در این راه حاضر است. چنین زنی عظمت می آفریند؛ هم چنان که زنان ایران عظمت آفریدند. این ها تعارف نیست ... اما آن چه الگوی غربی و اروپایی است، نقطه مقابل این است؛ این دو با هم جمع شدنی نیست در الگوی اروپایی زن. مساله این نیست که آن ها می خواهند زن عالم باشد، قضیه این نیست ...

الگوی غربی امروز اروپایی برخاسته و زاینده از الگوی باستانی رومی و یونانی آن هاست، آن روز هم این طور بود که وسیله تکلیف و التذاذ مرد بود و هر چند تحت الشعاع این بود، امروز هم این را می خواهند، حرف اصلی غربی ها این است ... به اعتقاد من گرایش به سمت مد گرایی و تجمل گرایی و تازه طلبی و افراط در کار آرایش و نمایش در مقابل مردان، یکی از برزگی ترین عوامل انحراف زنان ماست. در مقابل این خانم ها باید مقاومت کنند.<sup>۱</sup>

بانو مجتهد سیده نصرت امین اصفهانی، برجسته ترین نمونه زن ایرانی است که به مبارزه فرهنگی علیه سیاست هایی پرداخت که ارزش های اسلامی زن مسلمان را هدف گرفته بود. او بخش مهمی از زندگی پرفراز و نشیب خود در بیست سال آغازین حکومت پهلوی دوم گذراند؛ دوره ای که استعمار و ایادی داخلی آن، برای نیل به مقاصد شوم خود، به مسخ شخصیت زن دور کردن آنان از کرامت و عزت اسلامی مشغول بودند. سیده نصرت با درک دقیق شرایط اجتماعی و مقتضیات زمانه، تکلیف خود را در مبارزه با آن دید و در این راه، مکتب و مدرسه بنیاد نهاد و آثاری به تالیف در آورد تا بتواند نهضتی را شکل دهد که در برابر موج منحط و اغواگر غرب گرا بایستد و سرانجام خود به یک حرکت تهاجمی تبدیل شود. اگر چه حرکت و روش او به ظاهر سیاسی نبود، ولی به دنبال تاثیر گذاری عمیق و با دوام بود. تاثیر کار او را در آن فضای فسادآلود و شبهه ناک، خیلی ها تایید کرده اند. حجت الاسلام مراد علی توانا، بانو امین اصفهانی را در راس بانوان مسلمان می داند که به مقابله با تهاجم فرهنگی دست زد؛ تهاجمی که علیه زنان در جریان بود.

با توجه به سخنان امام خمینی(ره) و مقام معظم رهبری(مدظله) زنان جامعه ی ما می توانند با الگو قرار دادن حضرت زهرا(سلام الله علیها) و حضرت زینب(سلام الله علیها)، و کناره گیری از الگوهای غربی با تهاجم فرهنگی مقابله کنند مانند بانوی امین که در عصر حاضر با اگو قرار دادن حضرت زهرا(سلام الله علیها) و تقوی الهی به مبارزه با تهاجم فرهنگی پرداخت.

### ۳-۲-۱۹) آموزش خانواده برای مقابله با فرار دختران

خانواده، هسته ی مرکزی جامعه و مهم ترین کانون تربیت نسل جوان است و می تواند نقش موثری در مبارزه با تهاجم فرهنگی داشته باشد. برخوردهای ناخوشایند و غیر منطقی با جوانان، آنان

(۱) احمد، طهماسبی، شبخون فرهنگی، همان، ص ۱۲۰-۱۱۸.

را از خانه و خانواده فراری می دهد و سبب می شود مکان ها فاسد و دوستان ناباب را پناهگاه خود قرار دهند و یا برای جبران کمبود های عاطفی، به فیلم ها و بازی های رایانه ای مخرب روی آورند.<sup>۱</sup> بنابراین یکی از راه های مقابله با تهاجم فرهنگی آشنا نمودن خانواده ها به حقوق حاکم بر خانواده است. در اسلام برای والدین و فرزندان حقوق جداگانه شمرده شده است. پدر و مادر ها باید حقوق فرزندان را محترم شمارند. اکثر عصیان گری های جوانان و گاه ارتکاب جرم و جنایت آن ها و یا گرایش به انتخاب دوست جنس مخالف پسران و دختران از عدم کنترل، حمایت، محبت، و نزدیکی والدین با فرزندان خود ناشی می شود. فرزندان وقتی از طرف پدر و مادر محبت نبینند و یا محیط خانه را از آرامش نسبی برخوردار نبینند، این مشکلات پیش می آید و زمینه برای نفوذ تهاجم فرهنگی هموار می شود مادران در خانواده باید محیط خانه را گرم و صمیمی نمایند و با دختران خود رابطه ی صمیمانه برقرار کنند؛ دختران بتوانند مانند یک دوست با آن ها رفتار کنند طوری که بهترین دوست را مادر خود بدانند. اگر بخواهیم با تهاجم فرهنگی به انواع و اقسام مختلف مبارزه کنیم باید آموزش خانواده(مخصوصا مادران که نقش محوری در خانواده ها دارند) را رسمی و در سراسر کشور گسترش دهیم.<sup>۲</sup>

### ۳-۲-۲۰) ازدواج و مقابله با طلاق

یکی از موثرترین اقدام برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان امر ازدواج است چنان که در حدیث نبوی آمده است: « من تزوج احرز نصف دینه فلیتق فی النصف الباقی»؛ « هرکس ازدواج کند، نصف دینش را حفظ کرده پس باید برای نصف دیگر تقوای خدا را پیشه کند.»<sup>۳</sup> خداوند در قرآن کریم می فرماید: « و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذكرون»<sup>۴</sup>؛ « از هر چیزی به صورت زوج و جفت آفریدیم؛ باشد که یاد کنید و پند گیرید. « دست قدرت و حکمت الهی، تمام اجزای جهان را به صورت جفت و عاشق یک دیگر آفرید؛ به گونه ای که هر جزء از اجزای هستی خواهان جفت خویش است. خدای متعال همان گونه که میان کاه و کهربا جاذبه نهاده تا به وصال هم برسند، میان زن و مرد نیز کشش و علاقه ای نهاده تا از اتحاد آن دو، هستی بقا یابد و به سوی بقا سیر نماید. نهاد خانواده، کهن ترین و ریشه ای ترین نهاد بشری است؛ چرا که زندگی خانواده گی هم زاد آدمی است و زندگی بشر با آن معنا می یابد. انسان در خانواده چشم به هستی می گشاید؛ در آن

۱) محمد مهدی صفورایی پاریزی، طهورا، همان، ص ۷۸.

۲) شبیخون فرهنگی، احمد، طهماسبی، همان، ص ۱۲۲-۱۲۱.

۳) نهج الفصاحه، ابو القاسم، پاینده، همان، ص ۵۶.

۴) ذاریات/ ۵۱.

رشد می کند؛ و با آن به کمال می رسد. نهاد خانواده ماندگارترین و ابدی ترین نهاد بشر است؛ چرا که زندگی خانوادگی در سیر تکاملی خویش می تواند پس از زندگانی این جهان در بهشت برین نیز ادامه یابد: «جنات عدن یدخلونها و من صلح من آبائهم و ازواجهم و ذریاتهم ... فنعم عقبی الدار» ۱؛ «... هم خودشان و کسانی از پدران و مادران و همسران و فرزندانشان که نیکوکارند، وارد بهشت های جاودان می گردند و فرشتگان از هر دری بسلام و خوش آمد گویی بر آنان وارد می شوند و می گویند: سلام بر شما به خاطر صبرورزی و بردباری تان!» اگر پیوند انسان ها در مجموعه ی خانواده، پیوندی ایمانی باشد، محدود به این جهان نخواهد بود و در جهان باقی و بهشت نیز ادامه خواهد یافت. انسان تمایل دارد در زندگی آن جهان به صورت خانوادگی زندگی کند. رسول خدا(صلی الله علیه و آله وسلم) فرمودند: «هنگامی که انسان وارد بهشت می شود، سراغ پدر و همسر و فرزندان را می گیرد. به او می گویند: آنان به مرتبه و مقام تو نرسیده اند. گویند: پروردگارا! من برای خود و آنان عمل کردم. پس فرمان داده می شود که آنان را به او ملحق کنند.»

« وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ... وَ لَيْسْتَغْفِرِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّى يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ الَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَ أَوْهَبُوا مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ وَ لَا تَكْرَهُوا فَتْيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِنَبْتَلُوهُنَّ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَنْ يَكْرَهُهُنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ . ۲»

ترغیب به ازدواج آسان: از آغاز این سوره تا به این جا طرق حساب شده مختلفی برای پیشگیری از آلودگی های جنسی مطرح شده است. اسلام می گوید کامیابی های جنسی اعم از آمیزش و لذت گیری های سمعی و بصری و لمسی مخصوص به همسران است و غیر از آن گناه، و مایه آلودگی و ناپاکی جامعه می باشد که جمله «ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ» در آیات فوق اشاره به آن است. مخصوصا توجه به این نکته که غریزه جنسی نیرومندترین و ریشه دارترین غریزه آدمی است و در طول تاریخ سر چشمه حوادث مرگبار و جنایات هولناکی شده، تا آن جا که گفته اند: «هیچ حادثه مهمی را پیدا نمی کنید مگر این که پای زنی در آن در میان است!» ۳ در این جا به یکی دیگر از مهم ترین طرق مبارزه با فحشاء که ازدواج ساده و آسان، و بی ریا و بی تکلف است، اشاره شده، زیرا این نکته مسلم است که برای برچیدن بساط گناه، باید از طریق اشباع صحیح و مشروع غرائز وارد شد، آیه شریفه می فرماید: «و مردان و زنان بی همسر را همسر دهید، و هم چنین غلامان و کنیزان صالح و درستکار تان را» «وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَ الصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَ إِمَائِكُمْ.»

(۱) رعد ۲۴-۲۳.

(۲) نور ۳۲-۳۳.

(۳) احمد، بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، همان.

بدون شک اصل تعاون اسلامی ایجاب می‌کند که مسلمانان در همه زمینه‌ها به یک دیگر کمک کنند ولی تصریح به این امر در مورد ازدواج دلیل بر اهمیت ویژه آن است. اهمیت این مسأله تا به آن پایه است که در حدیثی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می‌خوانیم: «بهترین شفاعت آن است که میان دو نفر برای امر ازدواج میانجی‌گری کنی، تا این امر به سامان برسد!» و از آن جا که یک عذر تقریباً عمومی و بهانه همگانی برای فرار از زیر بار ازدواج و تشکیل خانواده مسأله فقر و نداشتن امکانات مالی است قرآن به پاسخ آن پرداخته، می‌فرماید: از فقر و تنگدستی آن‌ها نگران نباشید و در ازدواج شان بکوشید چرا که «اگر فقیر و تنگ دست باشند خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد» (إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ).<sup>۱</sup>

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هر کس که فطرت مرا دوست دارد سنت و روش مرا باید پیش بگیرد، از جمله‌ی سنت من نکاح است.»

غریزه و شهوت از جمله غرائز فطری است که خداوند آن را از ابتدای خلقت انسان در وجودش نهاد است. از قوانین و دستورات دین مبین اسلام متوجه می‌شویم که شارع مقدس با افراط و تفریط در برخورد با غرائز فطری مخالف است یعنی هم با بی بند و باری در مسائل جنسی مخالف است و هم با سرکوب کردن غریزه‌ی شهوت. حد متعادل آن استفاده‌ی بجا، صحیح و شرعی از غریزه‌ی شهوت است و آن نیز با امر ازدواج میسر می‌باشد. پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «هر جوانی که در آغاز جوانی زن بگیرد شیطان وی بانگ برآورد، دین خود را از دست برد من محفوظ داشت.»<sup>۲</sup>

راه حفظ دین و بی‌اثر نمودن تهاجم فرهنگی دشمن، روی آوردن به امر ازدواج و تسریع در آن است.

در امر ازدواج و برای حفظ دین، باید از همان آغاز جوانی اقدام نمود و این همه تسریع در ازدواج برای این است که جلوی انحرافات و فسادها گرفته شود و با این روش توطئه‌های دشمن و حملات فرهنگی خنثی شود.

طلاق و جدایی چنان نکوهیده است که امام صادق (علیه السلام) آن را زلزله بخش عرش الهی در بالاترین مراتب هستی بر می‌شمارد: «ازدواج کنید، ولی جدایی نکنید؛ که عرش الهی از جدایی به لرزه درمی‌آید.» از این تعبیر استفاده می‌شود که بنیان خانواده از جایگاه والایی در نظام هستی

---

۱) احمد، بابایی، برگزیده تفسیر نمونه، همان، ص: 294 / رضا، خانی، حشمت الله، ریاضی، ترجمه بیان السعادة،

ج 10، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، 1372، ص: 320

۲) بحار الانوار، ج 100، ص 221.

است که با تزلزل آن گویا عرش الهی می لرزد. این سخن بیان گر این حقیقت است که بنیان خانواده یکی از ستون ها و ارکان نظام هستی است.<sup>۱</sup>

جوانان باید درانتخاب همسر دقت کنند تا در زندگی مشترک شکست نخورند.

اگر بخواهیم جلوی حملات فرهنگی دشمنان علیه جوانان مسلمان را بگیریم باید با طرد کردن یک سری شرایط سخت و دست و پاگیر و اغلب در حد ایده آل، راه را برای تشکیل زندگی زوج جوان هر چه بیش تر هموار نماییم. زنان جامعه که مادران فرزندان(دختر و پسر) هستند می تواند با مهر و عطوفت خود برای حفظ دین فرزندان و بی اثر نمودن تهاجم فرهنگی دشمن، در امر ازدواج و تسریع این امر آن ها را راهنمایی کنند تا درست انتخاب کنند.

### ۳-۲-۲۱) ممانعت از ورود ابزار های تهاجم فرهنگی در خانواده

غرب هر ساله به کمک عوامل داخلی، انواع متعددی از ابزار های ابتذال فرهنگی خود را به شهرهای ما گسیل می دارد. این ابزار نقش مهمی در سوق دادن نوجوانان به ارتکاب رفتارهای غیر اخلاقی و دوری آنان از ارزش های دینی بر عهده دارند. به همین سبب نیروهای امنیتی و بسیج باید از ورود این ابزار ها به داخل کشور ممانعت کنند؛ و خانواده ها با آگاهی، از ورود این ابزار به داخل خانه و خانواده جلوگیری کنند که زنان نقش مهمی می توانند در این زمینه داشته باشند. امام خمینی(ره) در این باره می فرماید: « اکنون وصیت من ... آن است که نگذارید این دستگاه های خبری و مطبوعات و مجله ها، از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند و باید همه بدانیم که آزادی به شکل غربی، موجب تباهی جوانان و دختران و پسران می شود، و از نظر اسلام و عقل محکوم است. تبلیغات و مقالات و سخنرانی ها و کتب و مجلات برخلاف اسلام و عفت عمومی و مصالح کشور حرام است. و بر همه و همه ی مسلمانان جلو گیری از آن ها واجب است. »<sup>۲</sup> با توجه به نقش محوری زنان در خانواده می توانند از ورود این ابزار جلو گیری کنند و راه های استفاده ی صحیح از وسایلی مانند اینترنت، موبایل را به فرزندان خود آموزش دهند.

### ۳-۲-۲۲) مقابله با ماهواره

در این زمینه، مهم ترین اقدامی که می تواند صورت گیرد، افزایش سطح آگاهی مردم از طریق رسانه های ارتباط جمعی است. تبیین این حقیقت که برنامه های ماهواره ای چه عواقب سوئی در پی دارد، وقتی موثر است که فرد، فرد اعضای یک جامعه به عواقب آن آگاه باشند. قدر مسلم گام مهم و

۱) مرتضی، آقا تهرانی، محمد باقر، حیدر کاشانی، خانواده و تربیت مهدوی، چاپ هفتم، تهران، لشر: کتاب یوسف، ۱۳۸۹، ج

اول، صص ۲۲-۲۱/ عباس فیروزی، مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، همان، صص ۲۰۸-۲۰۹.

۲) محمد، شفعی مازندرانی، رهنمود های جاودانه: شرح وصیت امام خمینی(ره)، ناشر مرکز نشر هاجر(وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه ی خاوران)، چاپ پانزدهم، قم، ۱۳۸۳، ص ۷۹/ جلال، رفیع، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، چ اول، ناشر: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۳.

جدی در جلوگیری از اشاعه برنامه های ماهواره ای برداشته خواهد شد. البته تأثیری که برنامه غیر مسقیم می تواند بگذار قابل قیاس با هیچ اقدام دیگری نیست. منظور از اقدام غیر مستقیم این است که بدون صحبت از ماهواره و تأثیراتش از طریق پخش برنامه های بهتر، مفیدتر و جذاب تر (با رعایت اصول قانون اساسی) از تعداد تماشاچیان این چنین برنامه هایی بکاهند. اقدامات قانون گذاری از طریق ممنوع کردن خرید و فروش ممنوع کردن خرید و فروش و استفاده از ماهواره ها تا حدودی قادر است در دل برخی افراد ایجاد ترس نموده و آنان را از این طریق از خرید و استفاده ی از آن منصرف بنماید. اگر به طور غیر مستقیم با استفاده از جدیدترین دستاوردهای علمی، فرهنگی، هنری و تجربیات و اندوخته های متخصصان رشته های مختلف از جمله روان شناسان، جامعه شناسان و مردم شناسان و... وارد شویم، تأثیر عمل کرد ما بیش تر خواهد بود.<sup>۱</sup>

---

۱) حسین، متفکر، جنگ روانی، همان، صص ۱۹۸-۱۹۷/صغر و علی اکبر کمالی، افتخاری، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران، ناشر: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، ۱۳۷۷ / حسین، ادیبی، زمینه انسان شناسی، تهران، ناشر: انتشارات لوح، ۱۳۵۶.

## نتیجه گیری

فرهنگ هر کشوری اصالت آن ملت است، و تنها در صورتی می توان به کشوری تسلط پیدا کرد که بی هویت شده باشد؛ دشمن به این موضع آگاهی پیدا کرده و با ترفند های مختلف درصدد بی هویت کردن این کشور دستیابی به منابع غنی آن است. دشمن با اتخاذ شیوه های جدید فرهنگی و اجرای آن در ابعاد مختلف، از طریق مطالعه و شناخت فرهنگ جوامع مورد نظر به منظور نفوذ و برنامه ریزی برای بی هویت کردن و از خود بیگانه ساختن ملت ها، تضعیف باورها و اعتقادات مذهبی، بی ارزش نمودن اصول اخلاقی، تحقیر و تحریف و تاریخ و تخریب الگوهای ارزشی تلاش می کند تا به اهداف غیر انسانی خود برسد.

نتیجه ای که از کلیه ی برنامه های تهاجم فرهنگی مورد انتظار استکبار است، شکستن حریم بین زن و مرد، کشاندن آن ها به التذاذ جنسی حرام و نامشروع که، هم ریشه های فساد و بی بندوباری است. برداشتن حجاب و حفاظ بین زن و مرد و از بین بردن حیا و عفت مقدمه ای برای تباهی نیروهای انسانی و چپاول ملت ها و به سلطه کشیدن آن ها است.

بدحجابی، روابط نامشروع دختر و پسر، مدگرایی، و استفاده ی نادرست از وسایل ارتباط جمعی مانند: اینترنت، ماهواره، تلفن همراه، و... هریک دارای آسیب های اجتماعی - فرهنگی، فردی است که گاهی این آسیب ها تاحدی ضربه وارد می کنند، که جبران آن غیر ممکن است.

دشمن بهتر از ما متوجه اهمیت خانواده شده است، به همین دلیل انواع شبکه های ماهواره ای فارسی زبان مثل فارسی وان، من و تو و... با هدف تضعیف خانواده خصوصا با اثر گذاری بر جامعه ی زنان و تخریب فرهنگی و دینی و اجتماعی جامعه ی ایران راه اندازی کرده است. امروزه نقش موثر زنان در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیش گیری از انحرافات اجتماعی بر کسی پوشیده نیست. زیرا زنان در فرهنگ سازی بیش ترین نقش را دارند و همین نقش موثر و کلیدی موجب شده است که نوک تیز حمله ی مهاجمان در جهانی شدن و استحاله فرهنگی متوجه زنان جامعه گردد. آنان به خوبی در یافتند که اگر موفق به تغییر فرهنگ زنان یک قوم گردند می توانند تمامی فرهنگ آن جامعه را متاثر کرده و تغییر دهند. از این رو مهاجمان فرهنگی تمامی تلاش خود را مصروف تغییر فرهنگ زنان آن جامعه می نمایند. بر همگان روشن است همان طور که زنان قادر به سازندگی فرهنگ خانواده و جامعه می باشند به همان نسبت توان تخریب فرهنگ جامعه را دارند و طبیعی است که زنان جامعه از عمده ترین و تاثیر گذار ترین عناصر مقابله با تهاجمات فرهنگی می باشند در واقع بانوان، فرماندهان نبرد با تهاجم فرهنگی هستند. بهترین شیوه برای مصون داشتن یک فرهنگ از تهاجم فرهنگی این است که بانوان از طریق ارتقاء و گسترش سطح شناخت و آگاهی، تشکیل نهضت های سواد آموزی برای بانوان بی سواد، تولید علم، تقویت ایمان و تقوا، ایجاد محیط گرم



خانوادگی، تربیت فرزندانی مومن و ولایت مدار ممانعت و پیشگیری از ورود ابزارهای تهاجم فرهنگی در خانواده و کنترل فرزندان در درست استفاده کردن از ابزارهای چون موبایل، اینترنت و ... به مقابله با تهاجم فرهنگی بپردازند.

غنی سازی اوقات فراغت مردم به ویژه بانوان و نسل جوان، آگاه کردن خانواده از اهداف فرهنگ سازان غربی (واکسینه ی فرهنگی) ترویج ارزش های اسلامی و معنوی و تغییر سبک زندگی به شیوه اسلامی از دیگر راه های مقابله با تهاجم فرهنگی می باشد.

## منابع و مأخذ

۱. قرآن.
۲. افتخاری، اصغر، کمالی، علی اکبر، رویکرد دینی در تهاجم فرهنگی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۷.
۳. احمدزاده ی کرمانی، روح الله، بازاندیشی در فرهنگ و رسانه، ناشر چاپار، تهران، ۱۳۵۷.
۴. اسلوین، جیمز، اینترنت و جامعه، ترجمه: عباس گیلوری و علی راد باوه، تهران، ناشر کتاب دار، ۱۳۸۵.
۵. افتخاری، اصغر، قدرت نرم، فرهنگ و امنیت، ناشر: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ سوم، ۱۳۸۹.
۶. اسلامی نسب بجنوردی، علی، رفتار های جنسی انسان بر اساس اصول روان شناسی، روان پزشکی و...، ناشر حیان، اصفهان، ۱۳۷۶.
۷. ابراهیمی، محمد، تفسیر جامع، ناشر: صدرا، بی جا، ۱۳۶۶.
۸. احمدی، مجتبی و هم کاران، از تهاجم فرهنگی تا جنگ نرم: واکاوی مختصات منازعه نرم در کلام رهبر معظم انقلاب اسلامی، کیهان ناشر: تهران، ۱۳۸۸.
۹. ادیبی، حسین، زمنیه انسان شناسی، ناشر: انتشارات لوح، تهران، ۱۳۵۶.
۱۰. استریناتی، دومینیک، ؛ نظریه های فرهنگ عامه ، ترجمه ی ثریا پاک نظر، ناشر: گام نو، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰.
۱۱. امیری، ابوالفضل، تهدید نرم، تهاجم فرهنگی، ناتوی فرهنگی، ناشر: پگاه، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۹.
۱۲. امینی، ابراهیم، آشنایی با وظایف و حقوق زن، ناشر: موسسه ی بوستان کتاب، ۱۳۸۶، قم.
۱۳. اندی، بنت، فرهنگ و زندگی روز مره، مترجم: لیلا، جو افشان، ناشر: اختران، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۶.
۱۴. آخوندزاده، فتح علی، تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، ناشر موسسه فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۱۵. آقا تهرانی، مرتضی، محمد باقر، حیدر کاشانی، خانواده و تربیت مهدوی، ناشر: کتاب یوسف، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۸۹، ج اول.

۱۶. بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه، ناشر: انتشارات الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۲، ج ۳.
۱۷. پاشایی، ع، فرهنگ اندیشه نو، ناشر: مازیار، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹.
۱۸. پانوف، میشل و میشل پرون، فرهنگ مردم شناسی، ترجمه: علی اصغر، خانقاه، ناشر: ویس، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
۱۹. پهلوان، چنگیز، فرهنگ شناسی، ناشر: قطره، تهران، ۱۳۷۸.
۲۰. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ناشر: سازمان انتشارات جاویدان، چاپ سیزدهم، تهران، ۱۳۶۰.
۲۱. پریچهر، ابراهیمی، تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب، تهران: انتشارات آموزشی رشد علوم اجتماعی، ۱۳۶۷.
۲۲. تقوی دامغانی، رضا، تأملات فرهنگی، ناشر: ناشر نخیل، تهران، ۱۳۸۵.
۲۳. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، ناشر: انتشارات برهان، تهران، ۱۳۹۸، ج ۱.
۲۴. جاویدی، محمدجواد، تأملی بر مفهوم حجاب در ادیان، ناشر پژوهشکده ی مطالعات فرهنگی، چاپ دوم، قم، ۱۳۸۹.
۲۵. جاویدی، محمد جواد ، تأملی بر فرهنگ حجاب در ادیان، ناشر پژوهشکده ی مطالعات فرهنگی و اجتماعی چاپ دوم، تهران، ۱۳۸۹.
۲۶. جاسبی، عبدالله، گفتمان «مجموعه مقالات و مصاحبه ها»، دانشگاه آزاد اسلامی، دفتر فرهنگ مقاومت، تهران، ۱۳۸۰.
۲۷. جرجانی، حسین، امیر، ابوالفتح، آیات الأحکام (الجرجانی)، ناشر: نوید، تهران، بی تا، ج ۲.
۲۸. حسینی همدانی، محمد حسین، انوار درخشان، ناشر: کتاب فروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴، ج ۱۱.
۲۹. حسینی نسب، داود، علی اقدام، اصغر، فرهنگ واژها، تعاریف، اطلاعات تعلیم و تربیت، ناشر: احرار تبریز، چاپ اول، تبریز، ۱۳۷۵.
۳۰. حمیدیان، فرود، اعتیاد به اینترنت و موبایل (بررسی عواض وابستگی به اینترنت، موبایل و بازی های کامپیوتری)، نشر قطره، تهران، ۱۳۸۷.

۳۱. خانی، رضا، حشمت الله، ریاضی، ترجمه بیان السعاده، ناشر: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲، ج ۱۰.
۳۲. خرم، مسعود، هویت، ناشر: حیان، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۸، ص ۱۵.
۳۳. خسروانی، علیرضا، تفسیر خسروی، ناشر: انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۹۰، ج ۲.
۳۴. خمینی، محمدجواد، تفسیر آسان، ناشر: انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۶۳، ج ۱۴.
۳۵. خامنه ای، علی، آیین زن، انتشارات: کتاب طه، قم ۱۳۸۱.
۳۶. خامنه ای، علی، زن از دیدگاه مقام معظم رهبری، انتشارات: نوادر، تهران، ۱۳۷۸.
۳۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ناشر موسسه لغت نامه ی دهخدا، تهران، ۱۳۳۵، ج ۳۷.
۳۸. دوانی، علی، مواضع علماء در برابر هجوم فرهنگی غرب بر ایران، ناشر: سروش، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۵.
۳۹. داوری اردکانی، رضا، تبادل فرهنگی و فرهنگ جهانی غربی، درباره غرب، چاپ اول، تهران: هرمس، ۱۳۷۹.
۴۰. رنجبران، داوود، جنگ نرم، ناشر: ساحل اندیشه، چ: ششم، تهران ۱۳۸۸.
۴۱. رفیع، جلال، فرهنگ مهاجم، فرهنگ مولد، ناشر: انتشارات اطلاعات، چ اول، ۱۳۷۳.
۴۲. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۳۶.
۴۳. سالاری فر، محمدرضا، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، ناشر: سمت، ۱۳۸۴.
۴۴. رضی، شریف، نهج البلاغه، مترجم: محمد، دشتی، پیام عدالت، تهران، ۱۳۸۸.
۴۵. سقزاده، محمد، حمزه کریم خانی، هجوم خاموش، ناشر عطریاس، چاپ هشتم، قم، ۱۳۹۱.
۴۶. شفیعی مازندرانی، محمد، اخلاق خانواده از دیدگاه پیامبر اعظم (ص)، ناشر: دفتر نشر معارف، قم، ۱۳۸۸.

۴۷. شیروودی، مرتضی، نقش سیاسی - اجتماعی زنان در تاریخ معاصر ایران، ناشر: زمزم هدایت، چاپ دوم، قم، ۱۳۹۱.
۴۸. شریف لاهیجانی، محمدبن علی، تفسیر شریف لاهیجی، ناشر: دفتر شر داد، تهران، ۱۳۷۳، ج ۱.
۴۹. شفعی مازندرانی، محمد، رهنمود های جاودانه: شرح وصیت امام خمینی (ره)، ناشر مرکز نشر هاجر (وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه ی خاوران)، چاپ پانزدهم، قم، ۱۳۸۳.
۵۰. شفیع سرستانی، اسماعیل، تهاجم فرهنگی و نقش تاریخی روشنفکران، ناشر: سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۲.
۵۱. صلاح نصر، جنگ روانی (کلامی)، مترجم: محمود حقیقت کاشانی، ناشر: سروش (انتشارات صدا و سیما)، تهران، ۱۳۸۰، صص ۳۹-۴۲.
۵۲. ضرغامیان، مهدی-عسکری، مهناز، فرهنگ فارسی مهتاب دبستان، ناشر: محراب قلم، چاپ دوم، تهران، ۱۳۹۰.
۵۳. ضیائی پرور، حمید، جنگ نرم ۲، ویژه جنگ های رسانه ای، ناشر مؤسسه ی فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر، چاپ ششم، تهران، ۱۳۸۳.
۵۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، انتشارات اعلمی، لبنان، ۱۳۹۲.
۵۵. طیب، عبدالحسین، تفسیر اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۷۸، ج ۹.
۵۶. طهماسبی، احمد، شبیخون فرهنگی، نشر یاقوت، چاپ هفتم، قم، ۱۳۹۱.
۵۷. طیبی، ناهید، عطر عفاف نگرش نو بر عفاف و حجاب، ناشر جامعه الزهرا، قم ۱۳۸۶.
۵۸. عاملی، ابراهیم، تفسیر عاملی، ناشر: انتشارات صدوق، تهران، ۱۳۶۰، ج ۶.
۵۹. عمید، حمید، فرهنگ عمید، ناشر: امیرکبیر، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۶۲.

۶۰. عاقل، فاخر، فرهنگ روانشناسی، ترجمه: عبدالمهدی، یادگاری، انتشارات اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۸.
۶۱. علی احمدی، علی رضا، و همکاران، شناخت فرهنگ، فرهنگ سازمانی و مدیریت، ناشر: تولید دانش، چ اول، ۱۳۸۳.
۶۲. غلامی، یوسف، اخلاق و رفتارهای جنسی، ناش معارف، چاپ اول، قم، ۱۳۸۴.
۶۳. غلامی، یوسف، جلوه نمایی زنان و نگاه مردان، ناشر لاهیجی، قم، ۱۳۸۱.
۶۴. فاطمی، فاطمه، استعمار فرهنگی و شیوه های نفوذ در جوامع زیر سلطه از طریق فرهنگ برهنگی، ناشر سازمان تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۰.
۶۵. فانی، کامران، سادات، محمد علی، دانش نامه ی دانش گستر، ن اش: موسسه ی دانش گستر روز چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.
۶۶. فتاحی زاده، فتیحه، حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، ناشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۶.
۶۷. فقیه حقانی، موسی، فراماسونری و گسترش فرهنگ غرب در ایران، ۱۳۷۵.
۶۸. فلسفی، احمد، فرهنگ زبان فارسی، ناشر پیام آزادی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۱.
۶۹. فیاض، محمدسعید، درآمدی بر تهاجم فرهنگی غرب، ناشر: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، گروه انتشارات، تهران، ۱۳۷۲.
۷۰. فیروزی، عباس، کتاب مبانی جنگ نرم و ریشه یابی آن در تهاجم فرهنگی، ناشر: شکوفه یاس، چاپ اول، قم، ۱۳۸۹.
۷۱. فقیهی، علی نقی، تربیت جنسی، ناشر دارالحدیث، قم، ۱۳۸۷.
۷۲. قائم مقامی، فرهت، آموزش یا استعمار فرهنگی، ناشر انتشارات جاویدان، چاپ سوم، تهران ۱۳۵۶.

۷۳. کاظم‌زاده، فیروز، روس و انگلیس در ایران، ناشر: انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۷۴. کریم حسینی، عباس، تفسیر علیین، ناشر: انتشارات اسوه، قم، ۱۳۸۲.
۷۵. کاشفی، محمد رضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ناشر مرکز جهانی علوم اسلامی، قم، ۱۳۸۴.
۷۶. کریمی، رضا، حکمت حجاب، ناشر نسیم حیات، قم، ۱۳۶۹.
۷۷. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، مترجم: معصومه، محمدی، ناشر حوزه ی علمیه ی قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه ی خواهران، / دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۷.
۷۸. گلشن، اصغر، فرهنگ گلشن، تفتی، ناشر: نیکو روش، ج: چهارم، یزد، ۱۳۸۹.
۷۹. معین، محمد، فرهنگ معین، انتشارات امیر کبیر، چاپ ۲۵، تهران، ۱۳۵۶، ج ۱.
۸۰. مشیری، مهشید، فرهنگ زبان فارسی، ناشر سروش صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۹.
۸۱. مطهری، مرتضی، مقدمه ای جهان بینی اسلامی، ناشر: صدرا، تهران، ۱۳۷۰.
۸۲. مطهری، مرتضی، مسئله حجاب، ناشر: صدرا، تهران، ۱۳۷۹.
۸۳. محمود، منصور، لغت نامه روانشناسی، ناشر شاهنشاهی، چاپ اول، تهران، ۱۳۳۶.
۸۴. مسگرنژاد، جلیل، در جایگاه ادبیات و علوم ادبی در بازداری تهاجم فرهنگی، ناشر: دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ۱۳۷۳.
۸۵. متفکر، حسین، جنگ روانی، ناشر: زمزم هدایت، چاپ چهارم، قم، ۱۳۸۵.
۸۶. مرادی، حجت اله، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، ناشر: ساقی ۱۳۲/۷۸، چاپ دوم، ۱۳۸۹.

۸۷. محمدی نیا، اسد الله، بهشت جوانان (آنچه باید یک زن و مرد بدانند)، ناشر سبط اکبر(ع)، قم، ۱۳۷۹.
۸۸. مهدی زاده، حسین، پرسمان حجاب (پژوهشی در باب پوشش از دیدگاه قرآن)، ناشر صهبای یقین، قم، ۱۳۸۷.
۸۹. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۶.
۹۰. مصباح یزدی، محمد تقی، نهاجم فرهنگی، تحقیق عبدالجواد ابراهیمی، ناشر: مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمیری، قم، ۱۳۷۶.
۹۱. مصطفوی، حسن، تفسیر روشن، ناشر: مرکز نشر کتاب، تهران، ۱۳۸۰، ج ۴.
۹۲. مظاهری، حسین، اخلاق در خانه ۱، ناشر: نشر اخلاق، چاپ نوزدهم، قم، ۱۳۹۱.
۹۳. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، ناشر: نشر بین الملل، چاپ دهم، تهران، ۱۳۸۱، ۱۳۸۸.
۹۴. منصوری نژاد، محمد، رویکردهای نظری در گفتگو و تمدن ها، هابر ماس، فوکویاما، ناشر جهاددانشگاهی، پژوهشگده ی علوم انسانی و اجتماعی تهران، ۱۳۸۴.
۹۵. موسوی خمینی، روح الله، صحیفه نور، ناشر: تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱، ج ۱۵.
۹۶. \_\_\_\_\_، چهل حدیث، ناشر: قم، نشر هاجر، ۱۳۸۰.
۹۷. موسوی راد لاهیجی، حسین، پدر، مادر، مرا خوب تربیت کن، انتشارات امام شناسی و آثار الحجّه (عج)، چاپ سوم، ۱۳۷۹.
۹۸. موسوی همدانی، محمدباقر، ترجمه المیزان، ناشر: جامع مدرسین حوزه علمیه، قم، ۱۳۷۴، ج ۱۵.
۹۹. نصیریان دهریزی، مهدی، گنجینه عفاف، ناشر: اندیشه صادق، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۸.



۱۰۰. نگارش، حمید، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، ناشر: نهاد نمایندگی ولی فقیه در سپاه، مرکز تحقیقات اسلامی، چ اول، قم، ۱۳۸۰.
۱۰۱. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، ناشر مکتبه الاسلامیه، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲، ج ۲ و ج ۱۴.
۱۰۲. نوش، آذر، آذر تاش، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، ناشر: نی، تهران، ۱۳۷۹.
۱۰۳. همفر، خاطرات همفر، جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مویدی، ناشر امیر کبیر، تهران ۱۳۷۷.
۱۰۴. \_\_\_\_\_ ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ناشر: فرهانی، تهران، ۱۳۶۰، ج ۱۷.
۱۰۵. \_\_\_\_\_ ترجمه جوامع الجامع، ناشر: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، ج ۴.
۱۰۶. \_\_\_\_\_ دختران می پرسند چرا؟ (آثار زیان بار رابطه بین دخترا و پسران از نظر علمی، روانشناسی، اجتماعی و سیاسی).

#### نشریه ها

۱۰۷. صفورایی پاریزی، محمد مهدی، عالی بنت الهدی، فصلنامه تخصصی طهورا، ناشر: مؤسسه ی آموزش، قم، ۱۳۹۱.
۱۰۸. حدیث ولایت (مجموعه رهنمود های مقام معظم رهبری)، سازمان مدارک فرهنگی، ج ۶.
۱۰۹. حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ج ۱.
۱۱۰. بر گرفته از سخنان مقام معظم رهبری، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۱۱۱. واحد تحقیقات موسسه فرهنگی قدر ولایت، حکایت کشف حجاب، ناشر موسسه ی فرهنگی قدر ولایت، چاپ اول، تهران، ۱۳۷۳.
۱۱۲. واحد، سینا، قره العین (درآمدی بر تاریخ بی حجابی در ایران)، ناشر نور، قم، ۱۳۶۳.
۱۱۳. مدیریت و توسعه زنان در ایران، فصل نامه ریحانه، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۳.

۱۱۴. دفتر عقیدتی سیاسی فرماندهی معظم کل قوا، ستیز با تهاجم فرهنگی غرب، نشر  
رامین، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.

#### سایت ها

۱. [WWW.Khamenei.ir](http://WWW.Khamenei.ir) سایت آیت الله خامنه ای.
۲. [www.hawzah.net](http://www.hawzah.net) سایت حوزه.
۳. [WWW.Phmghafeleh.blogfa.Com](http://WWW.Phmghafeleh.blogfa.Com) آسیب های تهاجم فرهنگی.
۴. [www.tahajomefarhangy.blogfa.com](http://www.tahajomefarhangy.blogfa.com) تهاجم فرهنگی.